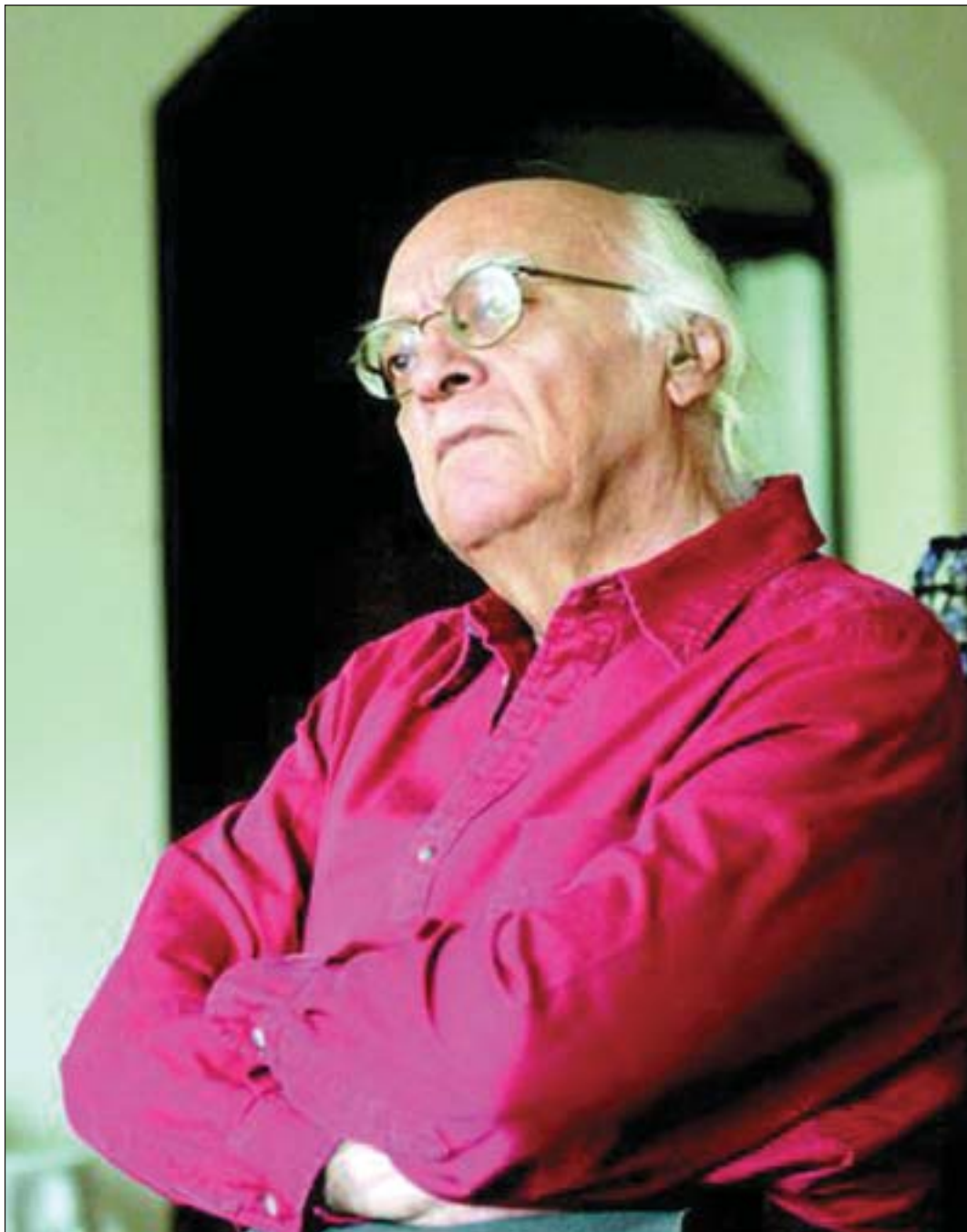


نجف دریابندری، مترجم و نویسنده:

تئوری‌ها ما را به جایی نمی‌رسانند



در بحث ترجمه دو نکته اساسی وجود دارد؛ نخست این که یک داستان نویس برجسته به خودی خود هنرمند است و این که گاهی مترجم از برگرداندن آثار او، مطرح می‌شود.

نکته دوم این که گاه نویسنده‌ای که نامی از او در کشور غیرزادگاهش مطرح نبوده، با ترجمه مترجمی شاخص در اقلیم غیر، شناخته و مطرح می‌شود مثلاً در ایران، اول بار «ایشی گورو» به لطف ترجمه خوب رمان «بازمانده روز» با اقبال عمومی مواجه شد.

بنابراین کیفیت ترجمه می‌تواند گویای ارزش واقعی کار باشد، چون همان‌طور که همه می‌دانیم برگردان در نگاه نخست، فقط یک فن محسوب می‌شود، ولی اگر مترجم علاوه بر ترجمه، زبان، احساس و اندیشه واقعی نویسنده را درک کند و بر زبان مبدا و مقصد هم تسلط داشته باشد، می‌توان کار او را هنر هم تلقی کرد. با این حساب می‌توان گفت هنرمندان شاخصی در ایران، سال‌ها و بلکه عمری برای معرفی ادبیات بکر جهان تلاش بی‌وقفه را به جان خریدند. یکی از این هنرمندان «نجف دریابندری» است که کتاب هفته در این شماره ویژه‌نامه‌ای چهار صفحه‌ای را به او اختصاص داده است. ۱۱

کتابخانه

شنبه ۲۲ خرداد ۱۳۸۹
۲۹ جمادی‌الثانی ۱۴۳۱، ۱۲ ژوئن ۲۰۱۰
شماره ۲۳۵، پیاپی ۸۸۶
۲۴ صفحه، ۲۰۰ تومان

ISSN: 1029-3345

صاحب امتیاز: خانه کتاب
سردبیر: علی آقاغفار
نشانی: خیابان انقلاب اسلامی
خیابان برادران مظفر جنوبی، کوچه
خواججه نصیر، پلاک ۲، طبقه چهارم
تلفن: ۴-۶۶۹۶۱۵۱
سازمان آگهی‌ها: ۲۲۲۵۵۲۴۶
چاپ: شرکت افست

www.ketabehafteh.ir

۲

• استقرار تیم
اجرایی نمایشگاه
قرآن کریم در مصلا

• اراک
میزبان نمایشگاه
استانی کتاب

۳

• «آدمکش‌ها»
همینگوی در
کتابفروشی‌های
ایران

• احمد رضا احمدی
نامزد دریافت جایزه
جهانی آسترید
لیند گرن شد

با تاکید وزیر ارشاد بر تعامل ناشران مسلمان

نخستین اجلاس ناشران جهان اسلام در پایان خردادماه برگزار می‌شود

معرفی آخرین دستاوردها و تبادل تجارب موفق و یافته‌های قابل بسط در حوزه نشر و گسترش تعاملات حرفه‌ای و فراهم کردن زمینه‌های تولید نشر کتاب در میان کشورهای جهان اسلام، از جمله اهداف برگزاری این اجلاس از سوی متولیان آن عنوان شده‌اند.

این اجلاس که با همکاری و مشارکت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، وزارت امور خارجه، سازمان اسناد و کتابخانه ملی، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی و سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی برگزار می‌شود، تاکنون با برگزاری چهار نشست با حضور وزیر فرهنگ و



ارشاد اسلامی، وزرا و رؤسای سازمان‌های مذکور درباره برنامه‌های کاری این اجلاس به بحث و تبادل نظر پرداخته‌اند. در چهارمین نشست شورای سیاست‌گذاری اجلاس بین‌المللی جهان اسلام که هجدهم خردادماه در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار و بر ایجاد هماهنگی‌های بیشتر برای برگزاری این اجلاس و افزایش تعامل میان ناشران مسلمان تاکید شد.

ادامه در صفحه ۲

نخستین اجلاس بین‌المللی ناشران جهان اسلام ۳۰ و ۳۱ خردادماه امسال در سالن اجلاس سران کشورهای اسلامی در تهران برگزار می‌شود.

علی زارعی نجفداری، دبیرکل اجلاس بین‌المللی ناشران جهان اسلام، با بیان این مطلب از حضور ناشران مسلمان بیش از سی کشور در این اجلاس خبر داد و گفت: «در پی انتشار فراخوان، ناشران اسلامی از کشورهای مختلف جهان برای شرکت در این اجلاس بین‌المللی اعلام آمادگی کردند که تاکنون حضور بیش از ۶۰ ناشر، مترجم و مولف غیرایرانی از بیش از ۳۰ کشور جهان در این اجلاس قطعی شده است.»

به گزارش ستاد خبری اجلاس بین‌المللی ناشران جهان اسلام، این اجلاس که پیش از این قرار بود ۱۹ اردیبهشت ماه برگزار شود به دنبال درخواست ناشران داخلی به دلیل همزمانی با بیست و سومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، یک ماه دیرتر برگزار می‌شود.

اتحاد، تمرکز ظرفیت‌های موجود ناشران جهان اسلام، ارتقا، روزآمد کردن و ترویج دانش نشر در کشورهای جهان اسلام،

۵ لوح‌هایی که سنگ مزار کتاب می‌شوند



۱۶

گفت و گو با مدیر مؤسسه گنجینه نشریات ایران



۲۳

هنینگ مانکل بر عرشه کشتی آزادی



باید در عین بهره گیری از پژوهش ها و تتبعات ارزشمند دیگران، از گزینش بهترین ها غافل نشویم و نیز تجدید عهد با استقلال فکری و فرهنگی خود را تحت الشعاع نتایج فکری اندیشمندان بشری قرار ندهیم.

بخشی از پیام مقام معظم رهبری به مناسبت برگزاری نخستین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران ۱۳۶۶/۸/۱۴

سراغز

... و جام جهانی

تب جدیدی از جمعه شب، به کمک رسانه ها و به دلیل اشتیاق عمومی، تقریباً در سراسر جهان آرام آرام فراگیر می شود و «جام جهانی فوتبال ۲۰۱۰ آفریقای جنوبی» در صدر توجه قرار می گیرد. غیر از جنبه های ورزشی این رویداد جهانی و جذاب، می توان از منظری دیگر نیز به آن نگریست. دست اندرکاران، داوران، ورزشکاران، تماشاگران و مربیان هر کشور، در حقیقت نمایندگان فرهنگ و آداب و رسوم سرزمین خودند و با دقت در رفتار و کردار فردی یا جمعی آنان، می شود به نکته های فراوانی پی برد. رعایت و تن دادن به «قانون» بازی، «اطاعت» و انجام خواسته های «مربی»، پذیرش قضاوت «داور» حتی اگر چندنا بجا و عادلانه هم نباشد، کنترل «عصبیت» ها، مقدم دانستن یکپارچگی، همدلی و ترجیح موفقیت تیم «ملی» بر پیروزی «فردی»، رعایت «نظم»، حسن رفتار مسوولان «انتظامی» بازی ها در انجام وظایف و... بازتابی اند از فرهنگ جاری و عمومی آن کشورها که بی شک در میزان اطلاعات، سطح تحصیلات، چگونگی اندیشه ها و باورها، درصد مطالعه و علاقه مندی به کتاب و کتابخوانی و... ریشه دارد. اینها یعنی نکته های قابل توجه هر رویدادی که می تواند همه دنیا را به قضاوت بشناساند.

روش تحقیق با رویکرد قرآنی

ایکتا- کتاب «روش تحقیق با تکیه بر حوزه علوم قرآن و حدیث» به همت احمد پاکتچی و توسط انجمن علمی - دانشجویی الهیات دانشگاه امام صادق (ع) منتشر شد.
این کتاب حاصل سلسله دروس «روش تحقیق» رشته الهیات دانشگاه امام صادق (ع) است که در نیمسال تحصیلی ۸۶ - ۸۷ ارائه شده و دارای چهار فصل با عناوین شکل گیری مفهوم جدید روش تحقیق، از دریافت تا روش، روش شناسی و مراحل اجرایی پژوهش است و استانداردهای پایان نامه نویسی نیز در چهار فصل انتخاب موضوع، انتخاب روش، طراحی سوال ها و فرضیه ها، مدیریت مواد به این کتاب ضمیمه شده است. کتاب «روش تحقیق با تکیه بر حوزه علوم قرآن و حدیث» در ۵۳۰ صفحه در دو جلد به قیمت سه هزار و ۲۰۰ تومان به چاپ رسیده است.

ویژه برنامه های خانه موزه دکتر شریعتی اعلام شد

ایسنا: به مناسبت سالگرد درگذشت دکتر علی شریعتی همزمان با راه اندازی کتابخانه لکترونیکی این خانه موزه، از اسناد و مدارک دکتر شریعتی و ساواک نیز رونمایی می شود. افتتاح سالن هم اندیشی و نشست ها به منظور طرح موضوعات و اراد در حوزه های کلامی و نظری، راه اندازی کافه کتاب در حیاط خانه موزه و نوسازی اتاق دکتر شریعتی از دیگر برنامه های اعلام شده در آستانه سالروز بزرگداشت این اندیشمند است. ساعت های بازدید از خانه موزه دکتر شریعتی از ۸ تا ۱۶ است و علاقه مندان می توانند برای بازدید به نشانی خیابان فاطمی غربی، خیابان جمالزاده، کوچه نادر، مراجعه کنند.

استقرار تیم اجرایی نمایشگاه قرآن کریم در مصلا



نمایشگاه قرآن کریم است و با توجه به این که سال گذشته، بخش خادمان قرآن به صورت ویژه در یک غرفه فعالیت می کرد، امسال این فعالیت جایگزین غرفه خادمان شده و شخصیت های قرآنی را در تمام بخش های نمایشگاه قرآن معرفی می کند.

علیرضا معاف، معاون برنامه ریزی و اجرایی هجدهمین نمایشگاه بین المللی قرآن کریم تصریح کرد: «تیم اجرایی برپایی نمایشگاه قرآن کریم از نیمه تیر ماه سال جاری در مصلا بزرگ امام خمینی (ره) تهران مستقر می شود و عملیات اجرایی برپایی این نمایشگاه را آغاز خواهد کرد.» وی افزود: «فراخوان حضور ناشران، موسسه ها، مراکز و نهادها در بخش های حوزوی، نشر مکتوب، رسانه دیجیتال و ناشران الکترونیک نمایشگاه قرآن کریم در هفته جاری اعلام می شود. مجموعه هایی که به حضور در بخش های گوناگون این نمایشگاه تمایل دارند، از هم اکنون می توانند اعلام آمادگی کنند.» معاف ادامه داد: «یکی از برنامه های ویژه هجدهمین نمایشگاه قرآن کریم، معرفی خادمان و شخصیت های قرآنی کشور در محیط های عمومی

معاف با اشاره به برگزاری جشن های بزرگ قرآنی در نمایشگاه قرآن کریم توضیح داد: «این جشن ها به صورت سخنرانی، مولودی خوانی و مسابقات قرآنی در حیاط مصلا امام خمینی (ره) برپا می شود.» معاون برنامه ریزی و اجرایی هجدهمین نمایشگاه بین المللی قرآن کریم درباره دیگر برنامه های اجرایی در این نمایشگاه توضیح داد: «برگزاری برنامه سینمایی و موسیقایی «شب آفتابی» به صورت سه بعدی، از جمله برنامه های نمایشگاه خواهد بود که البته به دلیل اهمیت برپایی و نیاز به فضای مناسب، در مصلا برگزار نمی شود و محل برگزاری آن طی روزهای آینده اطلاع رسانی خواهد شد.» معاف در پایان اظهار داشت: «نشست خبری تشریح برنامه های هجدهمین نمایشگاه قرآن کریم تیرماه سال جاری برگزار خواهد شد.»

به همت انجمن عکاسان انقلاب و دفاع مقدس منتشر می شود

کتاب عکس «شهدای جنگ تحمیلی» با ۲۷۰ تصویر

عباس میر هاشمی، علی اصغر داوودآبادی، فرزاد هاشمی، اسماعیل عباسی و فرهاد سلیمانی مورد بررسی و داوری قرار گرفتند که در نهایت ۲۷۰ عکس از ۱۲۵ عکاس انتخاب شدند. «مجتبی کوچکی، درباره نحوه تدوین این اثر تصریح کرد: «تصاویر فضای آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و بمباران شهرها، در ابتدای این مجموعه جای گرفته اند. عکس هایی از آماده سازی و اعزام نیروها به جبهه ها، مناطق جنگی، برتره رزمندگان، چگونگی انتقال مجروحان و لحظه شهادت رزمندگان نیز ادامه کتاب «جنگ تحمیلی، دفاع در برابر تجاوز: شهدای جنگ تحمیلی» را شکل داده اند.» وی اضافه کرد: «تصاویر شیوه تشییع پیکر در

جلد نهم از مجموعه کتاب های «جنگ تحمیلی، دفاع در برابر تجاوز» با عنوان «شهدای جنگ تحمیلی» شامل ۲۷۰ قطعه عکس از ۱۲۵ عکاس، با شرح تصویر سه زبان فارسی، عربی و انگلیسی به همت انجمن عکاسان انقلاب و دفاع مقدس به چاپ خواهد رسید. «مجتبی کوچکی، دبیر گردآوری آثار کتاب عکس شهدای جنگ تحمیلی، با اعلام این خبر اظهار داشت: «حدود شش هزار و ۹۸۰ قطعه عکس از طریق فراخوان و با مراجعه به آرشیو عکس خبرگزاری ایرنا، روزنامه کیهان، بنیاد شهید و انجمن عکاسان انقلاب و دفاع مقدس گردآمده است.» وی ادامه داد: «این عکس ها در ۹ مرحله و توسط

برنامه این هفته سرای اهل قلم

نوروزی چاکلی، دکتر فیروز بختیاری نژاد و دکتر پرویز اولیا از ساعت ۱۶ تا ۱۸. سه شنبه: نقد کتاب «نغمه آزادی، پژوهشی در شعر عصر مشروطه با حضور میثم موحدفر، احمد ابو حمزه و علی تهراتوند از ساعت ۱۷ تا ۱۹. چهارشنبه: نشست اول: شعر خوانی با حضور اکبر میرجعفری و جمعی از شاعران از ساعت ۱۶:۳۰ تا ۱۸:۳۰. نشست دوم: پژوهش، پژوهشگری و پژوهش نامه نویسی (در حوزه علوم اجتماعی) با حضور دکتر خلیل میرزایی و دکتر سعید اعلامی از ساعت ۱۷ تا ۱۹. سرای اهل قلم در خیابان انقلاب، خیابان فلسطین جنوبی، کوچه خواجه نصیر، شماره دو واقع شده و حضور در این جلسات برای عموم آزاد است.

برنامه هفتگی سرای دائمی اهل قلم از سوی خانه کتاب اعلام شد. این برنامه هابه ترتیب عبارتند از: شنبه، ۲۲ خرداد، نقد و بررسی کتاب «زندگی عاقلانه» (در حوزه روان شناسی) با حضور دکتر پیوسته گر، دکتر سید ابوالقاسم جهرمی نژاد و دکتر حمید شمس پور از ساعت ۱۷ تا ۱۹. یکشنبه: نقد و بررسی کتاب «هیچ کس مقصر نیست» (در حوزه ادبیات داخلی) با حضور فرحناز علیزاده و سارا حسن زاده از ساعت ۱۷ تا ۱۹. دوشنبه: نشست اول: کارگاه داستان نویسی با حضور فیروز زونوزی جلالی از ساعت ۱۴:۳۰ تا ۱۶:۳۰. نشست دوم: فلسفه فلسفه اسلامی از ساعت ۱۷ تا ۱۹. نشست سوم: «علم سنجی در ایران» با حضور دکتر حمیدرضا جمالی مهمویی، دکتر عبدالرضا

اراک؛ میزبان نمایشگاه استانی کتاب

صد و شصت و چهارمین نمایشگاه استانی کتاب ۳۰ خرداد تا ۵ تیر امسال در شهر اراک واقع در استان مرکزی برگزار می شود. مراسم افتتاحیه این نمایشگاه که پنجمین نمایشگاه کتاب اراک است، روز شنبه سی ام خرداد ماه ساعت ۹ صبح با حضور مسوولان فرهنگی و اصحاب اندیشه در مصلا بیت المقدس اراک برگزار می شود. این نمایشگاه از سوی معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و با همکاری و مشارکت استانداری استان مرکزی، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان و موسسه نمایشگاه های فرهنگی ایران تدارک دیده شده است.

نخستین اجلاس ناشران جهان اسلام در پایان خرداد ماه برگزار می شود

گفت: «علاوه بر نشست عمومی و ارائه مقالاتی درباره مزیت ها و مشکلات ناشران مسلمان، پنج نشست تخصصی نیز در این اجلاس برگزار می شود.» به گفته دبیر کل این اجلاس، نشر قرآن کریم و معارف قرآنی، نشر الکترونیک در جهان اسلام، حقوق مولفان و مترجمان در جهان اسلام، سیستم توزیع و اقتصاد نشر و نیازسنجی موضوعات فکری و فرهنگی جهان اسلام در حوزه کتاب، عناوین پنج نشست علمی و تخصصی این اجلاس اند. زارعی نجفدردی همچنین تصریح کرد: «برای حضور در این اجلاس هیچ محدودیتی لحاظ نشده است و در فراخوان نیز رسماً اعلام کردیم کسانی که به یکی از مذهب دین مبین اسلام گرایش داشته باشند، می توانند در این اجلاس شرکت کنند.» وی با اشاره به این که ناشران شرکت کننده در این اجلاس لزوماً از کشورهای اسلامی نخواهند بود، افزود: «همه ناشرانی که مسلمان هستند، چه ناشران مسلمان حاضر در جغرافیای کشورهای جهان اسلام یا ناشران مسلمان ساکن در کشورهای اروپایی، آفریقایی و آمریکایی می توانند در این اجلاس حضور یابند.» نخستین اجلاس بین المللی ناشران جهان اسلام، ۳۰ و ۳۱ خرداد ماه سال جاری در سالن اجلاس سران کشورهای اسلامی در تهران برگزار می شود.

ادامه از صفحه اول
سید محمد حسینی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در این نشست گفت: «ناشران اسلامی می توانند نقش موثرتری در بازار نشر بین المللی ایفا کنند و برگزاری نخستین اجلاس، گام مهمی در تحقق این آرمان خواهد بود.» وی همچنین، با بیان ضرورت های برگزاری اجلاس بین المللی ناشران جهان اسلام اظهار داشت: «برگزاری این اجلاس زمینه ساز گسترش ارتباطات و مستحکم تر شدن پیوند میان ناشران جهان اسلام خواهد شد.» حسینی افزود: «ناشران مسلمان دارای اشتراکات فراوانی اند که می توانند با تعامل بهتر با یکدیگر و تقویت هم افزایی ها در حوزه های مشترک فعالیت، نقش موثرتری در بازار نشر بین المللی ایفا کنند.» وی تصریح کرد: «از سوی دیگر با برقراری تعامل ناشران اسلامی با یکدیگر، می توان از حقوق نویسندگان مسلمان نیز دفاع کرد تا آنان را بیش از پیش در سطح جهان معرفی کنیم و حمایت هایی را که لازم است در این باره انجام دهیم.» در ادامه این نشست، دبیر کل اجلاس بین المللی ناشران جهان اسلام نیز با اشاره به این که تاکنون حضور بیش از ۶۰ ناشر، مولف و مترجم مسلمان برای شرکت در این اجلاس قطعی شده است درباره برنامه های کاری این اجلاس

«آدمکش‌ها»ی همینگوی در کتابفروشی‌های ایران



داستان کوتاه «آدمکش‌ها» اثر ارنست همینگوی، برنده آمریکایی نوبل ادبیات به فارسی ترجمه و در ایران منتشر شد.

این داستان کوتاه با ترجمه رضا قیصریه در قالب کتابی کوچک توسط موسسه انتشاراتی نیلا روانه بازار کتاب ایران شده است.

قیصریه پیش‌تر کتاب‌هایی چون «درگذشت پیکلز مک کارتی»، «شب پیش از پیاده شدن»، «پته‌های سبز آفریقا» و «پروانه و تانک» را از این نویسنده آمریکایی به فارسی ترجمه کرده است. وی همچنین کتابی درباره همینگوی اثر فرناندو پیوانا را به فارسی برگردانده است.

«آدمکش‌ها» داستان کوتاهی است که برای اولین بار در سال ۱۹۲۷ میلادی با نام *The Killers* در یک مجله ادبی منتشر شده است. در آن هنگام همینگوی نویسنده‌ای ناشناخته بود. وی این داستان را بعدها در مجموعه داستان «مردان بدون زنان» به چاپ رساند. داستان، ماجرای عده‌ای جنایتکار است که در پی کشتن یک بوکسور سوئدی هستند.

ارنست همینگوی، خالق رمان‌هایی چون «پیر مرد و دریا» و «وداع با اسلحه» سال ۱۹۶۱ میلادی در ۶۳ سالگی دیده از جهان فرو بست.

از این نویسنده که در عمر خود به نوشتن داستان کوتاه، روزنامه‌نگاری و خلق رمان‌های متعددی

پرداخته است، به عنوان درخشان‌ترین چهره ادبیات قرن بیستم ایالات متحده نام می‌برند.

عکس همینگوی سال ۱۹۳۷ میلادی روی جلد نشریه تایمز منتشر شد. او در سال ۱۹۵۳ به جایزه ادبی پولیتزر دست یافت و تنها یک سال بعد در ۱۹۵۴ جایزه نوبل ادبیات را به دست آورد.

از این نویسنده دوازده رمان و بیش از ۱۰ مجموعه

احمد رضا احمدی نامزد دریافت جایزه جهانی آسترید لیندگرن شد

نوجوان است که به نام آسترید لیندگرن نویسنده سرشناس سوئدی و خالق کتاب‌هایی مانند «پی پی جوراب بلند» و «کارلوس روی پشت‌بام» نامگذاری شده است.

لیندگرن در سال ۲۰۰۲ میلادی در سن ۹۴ سالگی دیده از جهان فرو بست و دولت سوئد برای گرامی داشت یاد او مسابقه‌ای جهانی به نام وی پایه‌گذاری کرد که در هر سال برگزار می‌شود. هدف از اهدای این جایزه، تقویت و بالا بردن کیفیت ادبیات کودک و نوجوان و بهبود وضعیت حقوق کودکان در جهان است. این جایزه به نویسندگان، تصویرگران، قصه‌گویان و به‌طور کلی فعالان ادبیات کودک که به ترویج کتابخوانی می‌پردازند، تعلق می‌گیرد.

دونامزد کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و شورای کتاب کودک برای دریافت جایزه جهانی آسترید لیندگرن معرفی شدند.

احمد رضا احمدی در بخش نویسندگی از سوی کانون و شورای کتاب کودک به صورت مشترک و هدا حدادی در بخش تصویرگری به عنوان نامزد دریافت این جایزه معتبر ادبی در سال ۲۰۱۱ معرفی شده‌اند.

از ایران، همه‌ساله، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان شورای کتاب کودک و مرکز پژوهشی ادبیات کودک نامزد‌های خود را به دفتر مسابقه معرفی می‌کنند. جایزه جهانی آسترید لیندگرن یکی از بزرگ‌ترین جوایز جهانی ادبیات کودک و



نخستین اثر از نیل لیبوت به فارسی ترجمه شد

«تابوت عهد» داستان مردی که از ۱۱ سپتامبر بهره‌برد

نمایشنامه «تابوت عهد» اثر نیل لیبوت، نمایشنامه‌نویس و کارگردان آمریکایی به فارسی ترجمه و در ایران منتشر شد. این نمایشنامه درباره یکی از کارمندان سازمان تجارت جهانی است که از حمله ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ میلادی به این مرکز جان سالم به در برد. این کتاب را فهیمه زاهدی به فارسی ترجمه کرده و ترجمه او توسط نشر افراز روانه بازار کتاب ایران شده است. این اولین اثر از مجموعه آثار لیبوت است که به فارسی ترجمه و در ایران منتشر می‌شود.



این نمایشنامه نویس ۴۷ ساله آمریکایی، نمایشنامه «تابوت عهد» را سال ۲۰۰۲ میلادی و بعد از حملات ۱۱ سپتامبر برج‌های دوقلو مرکز تجارت جهانی نیویورک، نوشته و با نام *Mercy Seat* منتشر کرده است. دانشنامه آزاد ویکی‌پدیا در توصیف این نمایشنامه آن را «اولین کار تئاتری مهم» درباره حملات ۱۱ سپتامبر خوانده است.

«تابوت عهد» داستان مردی به نام بن را تعریف می‌کند. بن که در مرکز تجارت جهانی کار می‌کند، به زنی به نام «آبی» که در محل کار رئیسش است علاقه مند شده و روز ۱۱ سپتامبر را با او خارج از محل کار می‌گذراند. بعد از حمله به مرکز تجارت جهانی که منجر به فروریختن این برج شده و اکثر ساکنان آن در اثر حمله جان می‌بازند، بن تصمیم می‌گیرد دیگر به خانه‌اش بازنگردد. او ترجیح می‌دهد با «آبی» فرار کند و زندگی تازه‌ای از سر بگیرد. خیال می‌کند همه او و «آبی» را از کشته شدن یازده سپتامبر تلقی خواهند کرد و کسی سراغشان را نخواهد گرفت.

نیل لیبوت سال ۱۹۶۳ میلادی در خانواده‌ای از قشر کارگر به دنیا آمده است. مادر او کارمند پذیرش بیمارستان بوده و پدرش راننده کامیون. او ابتدا در زمان دانشجویی به عنوان بازیگر در یک تئاتر دانشگاهی شرکت کرد و بعد از آن بود که به کارگردانی تئاتر، فیلم و نمایشنامه‌نویسی علاقه مند شد.

این نویسنده تاکنون ۱۰ پروژه سینمایی و ۱۹ کار تئاتری را در کارنامه خود ثبت کرده و یک مجموعه داستان نیز منتشر کرده است. اکثر فیلمنامه‌ها و نمایشنامه‌های آثارش را هم خودش نوشته است. نمایشنامه «تابوت عهد» با ترجمه زاهدی در ۸۸ صفحه چاپ شده و در چند روز آینده در کتابفروشی‌های ایران پخش می‌شود.

در «ایبنا» بخوانید

بامراجعه به سایت خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، به نشانی اینترنتی www.ibna.ir، به این مطالب دسترسی خواهید داشت. امکان «جستجو» و «جستجوی پیشرفته» در وب‌سایت «ایبنا» به شما امکان دست‌یابی به مطالب بیشتر را هم می‌دهد.

خاطرات بد نویسنده

ایبنا نوجوان، صفحه‌ای از خبرگزاری کتاب که به آثار مربوط به کودکان و نوجوانان می‌پردازد، این هفته علاوه بر معرفی جدیدترین آثار مربوط به این حوزه، گفت‌وگویی با محمدرضا شمس، نویسنده و نمایشنامه‌نویس آثار کودکان را منتشر کرده است. شمس در این مصاحبه با بیان شرحی از فعالیت‌های حال و گذشته‌اش از خاطراتش هم گفته است. از این که خودش چه کتاب‌هایی می‌خواند یا کتاب‌هایش را پیش از چاپ چه کسانی می‌خوانند. این نویسنده در پاسخ به سوال خبرنگار ایبنا که از او خواسته بهترین خاطره‌اش را از چاپ کتاب‌هایش تعریف کند، پاسخ عجیبی داده و گفته است: «تقریباً می‌توانم بگویم از چاپ کتاب‌هایم خاطره خوبی ندارم؛ زیرا کتاب‌هایم آن طوری که می‌خواسته‌ام چاپ نشده‌اند». شمس در بخش دیگری از این مصاحبه گفته است: «کتاب‌ها مانند فرزندان یک نویسنده‌اند و زمانی که یک کتاب مطابق میل و سلیقه نویسنده نباشد، حس مادری را پیدای می‌کند که بچه‌ای ناقص به دنیا آورده است.»

امتداد کتاب فصل

مراسم پایانی جایزه کتاب فصل، ویژه زمستان ۱۳۸۸ در آخرین روز خردادماه با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار می‌شود. با برگزاری این مراسم، جایزه کتاب فصل سومین سال برگزاری خود را پشت سر خواهد گذاشت. خبرگزاری کتاب از هفته گذشته و به مناسبت نزدیک شدن آیین پایانی جایزه کتاب فصل، مجموعه گفت‌وگوهایی را با داوران و برگزیدگان دوره‌های پیشین این جایزه منتشر کرده است.

سعید بیابانکی، شاعر و برگزیده هشتمین دوره جایزه کتاب فصل در یکی از این مصاحبه‌ها، جایزه کتاب فصل را مقدمه‌ای برای جایزه کتاب سال دانسته و پیشنهاد کرده است: «برگزاری جایزه و خریداری تعدادی از کتاب‌های برگزیده توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در حمایت از ناشر و مولف موثر است، اما برای حمایت بیشتر بهتر است یک دوره کامل از چاپ آن کتاب‌ها خریداری شود.» فیروز زنوزی جلالی، یکی از داوران جایزه کتاب فصل هم توضیحاتی درباره روند برگزاری این جایزه داده و به ایبنا گفته است: «تا به حال این جشنواره به گونه‌ای برپا می‌شد که در صورت وجود پاره‌ای نواقص یا اشکالات، مسئولان توسط داوران در جریان قرار می‌گرفتند؛ این در حالی است که از نگاه من همه وجوه این جشنواره در بخش‌هایی متفاوت و مهم‌تر از همه توجه به حوزه داستان، مثبت و هدفمند بوده و به نحو مطلوب اداره شده است.»



خاطرات کاروان آزادی مکتوب می‌شود

فعالان صلح مالزیایی که با کشتی مرمره به کمک مردم غزه شتافته بودند، تجاربشان در طول سفر و دستگیری‌شان از سوی رژیم صهیونیستی را در قالب یک کتاب منتشر می‌کنند. به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) به نقل از برنامه الهامی حسین سهیمی ۵۰ ساله که از شهروندان مالزیایی کشتی مرمره بود، در این باره گفته است همسفرانش تصمیم دارند کتابی منتشر و خاطرات شیرین و تلخ این سفر را برای هموطنان مالزیایی خود بازگو کنند. وی افزود: «از همان اول کار ما قصد داشتیم یک کتاب بنویسیم، ولی وقتی سربازان اسرائیلی کشتی را به تسخیر درآوردند، این حادثه ما را بیشتر تشویق کرد که تجارب خودمان را مکتوب کنیم.» الهامی که در جمع خبرنگاران و جمعی از استقبال‌کنندگان در فرودگاه بین‌المللی «بیان لباس» سخن می‌گفت، افزود: «ما می‌خواهیم تجاربمان را با همه و به‌ویژه مالزیایی‌ها به اشتراک بگذاریم و بگویم که در عرشه کشتی مرمره و زمانی که به اسارت رژیم اسرائیل درآمدیم، چه حوادثی اتفاق افتاد.» وی که خود عضو انجمن فارغ‌التحصیلان نهادهای آموزش عالی مالزی است، ابراز امیدواری کرد که کتاب یادشده به زودی منتشر شود. به گفته او خاطرات تلخ دستگیری توسط سربازان اسرائیلی مانع از آن نخواهد شد که بار دیگر به کاروان کمک‌های انسان‌دوستانه بیونند.



آسیب شناسی حضور بانوان در عرصه تالیفات دینی

ظرفیت های ناشناخته ای که هدف دار نشده اند

بانوان مهیا می کنیم که وقتی فارغ التحصیل می شوند، نمی توانند در آن زمینه به کار مشغول شوند! این دوگانگی لطماتی را پدید می آورد و در این باره لازم است آموزش ها و توقعات تغییر کنند.»

بانوان باید با آگاهی از توانمندی های خود به احساس نیاز جامعه در اموری که آنها حتی بهتر از مردان می توانند حضور یابند، برسند. در این صورت است که آنها با این درک می توانند با شرکت در صحنه های رقابت، توانمندی های خود را به ظهور برسانند که یکی از این عرصه ها می تواند تالیفات دینی باشد.

در این باره امید حداثق نویسنده دینی، کارشناس حوزه فلسفه و فقه و قرآن پژوه با بیان این که «احساس می کنم مجموعه بانوانی که اهل تالیفند، بیشتر فعالیتشان را به امور رسمی حوزوی اختصاص داده اند» می گوید: «تالیف جدی دینی در حوزه بانوان اندک است، مگر افرادی که به صورت آکادمیک وارد این حوزه شده باشند و درس جدید دانشگاهی و واحدهایی را که الزامی در آموختن آنها دارند، تالیف کرده باشند. آنها با چنین پشتیبانی های علمی می توانند راه تالیفات را در پیش بگیرند. البته در حوزه ادبیات نیز به همین صورت است.»

حداثق معتقد است: «در چاپ این آثار به دلیل فضای غالبی که از پیش از پیروزی انقلاب اسلامی نیز وجود داشت، ناشران حتی در حوزه ادبیات دینی نیز فعالیت اندکی داشتند. یکی از دلایل این موضوع حمایت کم انجمن های گوناگون قلم و نویسندگی، صاحبان قلم دینی، ادیبان و شاعرانی است که سابقه دینی دارند. آنها باید از چنین آثاری بیشتر حمایت کنند.»



می خواهند پست یا سمتی را در حوزه هایی که تحصیل کرده اند، برعهده بگیرند، به نوعی از ورودشان به مشاغل دشوار و سنگین نظیر مهندسی معدن و ... جلوگیری می کنیم و انرژی و توانمندی های آنها را در جهتی سوق می دهیم که کاربردی ندارند. این مرزبندی آموزشی باید از دوره های پایین تر تحصیلی و متناسب با توانمندی های افراد شکل بگیرد تا باورهای اجتماع را نیز به این سمت سوق دهد. این تناقض آشکاری است. وقتی نمی خواهیم فردی در این سمت به کار و فعالیت مشغول شود یا نمی توانیم، چرا از ابتدا آموزش های آن رشته را به او می دهیم؟ فضایی را برای

مباحث مربوط به فمینیسم و روان شناسی زنان نیازمند پژوهش خود بانوانند، چرا که یک زن در نوشتن از حوزه های فردی زنان به دلیل نزدیکی به این زمینه، موفق تر از مردان خواهد بود.»

این نویسنده دینی سومین عنصر تاثیر گذار در میزان تالیفات دینی بانوان و فعالیت آنها را در این عرصه جایگاه اجتماعی این باور در باره زنان می داند و می گوید: «اگر جامعه ای نقش و شأن زن را تنها به مادری محدود نکند، می تواند از ظرفیت های او در سایر زمینه هایی که اسلام نیز آنها را شایسته برشمرده است، استفاده کند. علاوه بر پژوهش و تالیفات، کارهای ظرفیت دیگری نظیر مربی تربیتی، پرستاری و ... از فعالیت هایی اند که بانوان حوصله و ظرفیت بیشتری در انجام آنها دارند. البته با وجود آن که نقش مادری شأن و مقام بالایی دارد، اما دلیلی نیست که یک زن خود را به آن محدود کند.»

حجت الاسلام هادی منش در این باره بیان می کند: «وقتی زنان توانمندی های زیادی دارند که خود آنها را باور ندارند، اجتماع نیز آنها را تنها به سوی نقش مادری سوق می دهد که یکی از نتایج آن وارد نشدن زنان به عرصه های گوناگون رقابت از جمله تالیفات در موضوع های گوناگون است، چرا که آنها این نیاز را در خود احساس نکرده اند و خلایی نمی بینند که خواهند در این عرصه به پر کردن آن بپردازند تا تولیدی اعم از اندیشه و تفکر دینی در این وادی رخ دهد.»

سردبیر نشریه پژوهشی «پویا» و نشریه «یاس» در این باره توضیح می دهد: «آموزش های ما مناسب نیستند. ما در رشته های گوناگون فنی و مهندسی برای بانوان پذیرش های آکادمیک داریم، اما وقتی آنها

نیمی از جمعیت جامعه را بانوان تشکیل می دهند و حضور آنان به ویژه در سال های اخیر در سایر بخش های اجتماعی بیش از گذشته شده است، در حالی که میزان موفقیت آنان، اگر معیار برگزیده شدن در جشنواره های گوناگون و به دست آوردن رتبه های برتر باشد، اندک است.

این گزارش می خواهد در گفت و گو با برخی از کارشناسان و فعالان عرصه تالیفات دینی، دیدگاه های آنان را درباره چگونگی حضور بانوان در عرصه تالیف کتاب های دینی همراه با ارائه راهکارهای گسترش فعالیت بانوان در این عرصه بررسی کند.

دلایلی برای حضور کم رنگ بانوان

جامعه ای که نقش اصلی بانوان را در همسر بودن یا مادری تعریف می کند، طبیعی است که لوازم پیشرفت و ارتقای بانوان خود را در این حوزه ها فراهم خواهد کرد، همچنان که جامعه ای که رسالت اصلی زنان را در سایر ابعاد بنگرد، زنان را نیز به همان جهتی سوق می دهد که در آن زمینه، توانمند و با ظرفیت می داند. در این باره حجت الاسلام ابوالفضل هادی منش نویسنده و پژوهشگر دینی و مدیر گروه نویسندگی مرکز آموزش های تخصصی حوزه علمیه خواران در قم، این موضوع را در ابعاد متفاوتی بررسی می کند و می گوید: «یکی از دلایل اصلی حضور کم رنگ بانوان در حوزه پژوهش و تالیفات دینی، باوری است که بانوان نسبت به خود و توانمندی هایشان دارند. باور به موفقیت در این باره در بانوان نسبت به مردان جامعه کمتر است. از این رو، آموزش هایی را که آنها می بینند، در شمار آموزش های فردی می انگارند.»

وی می افزاید: «برخی رشته ها نظیر مطالعات زنان،

هرچه را که روایتش برای من صحیح است از کتب تفسیر و ادعیه و حدیث و فقه.»

نتیجه آن همه تلاش و کوشش علمی که زمینه ی آن را تقوای علمی و زهد آن بانوی پرهیزگار فراهم کرده بود آن گونه شد که حتی دانشمند بزرگ، فقیه اهل بیت و رجال عظیم الشأن، آیت الله العظمی سید شهاب الدین مرعشی نجفی، از خانم امین، درخواست اجازه روایت کرد و وی در قسمتی از این اجازه نامه که به تاریخ اول محرم الحرام ۱۳۵۸ ه.ق برای آیت الله مرعشی نوشت، چنین آورد: «پس از استخاره به ایشان اجازه دادم که روایت کند از من هرچه را که روایتش برای من صحیح است از کتب تفسیر و ادعیه و حدیث و فقه و غیر اینها از تالیفات شیعه، آنچه اصحاب، از غیر شیعه روایت کرده اند، به جمیع طرقی که معلوم و در خود مضبوط است.»

این بانوی مجتهد سرانجام در بیست و سوم خردادماه ۱۳۶۲ مطابق با اول ماه مبارک رمضان سال ۱۴۰۳ ه.ق جان به جان آفرین تسلیم کرد.

به مناسبت ۲۳ خرداد ماه، سالروز درگذشت بانو امین اصفهانی، مجتهد و نویسنده

بانوی درس و کتاب در میدان دین و اجتهاد

علمی و دانشگاه ها تدریس می شود ۹- «مخزن اللئالی» که در فضایل حضرت علی بن ابیطالب (ع) است. بانو امین پس از آن که صرف، نحو، بلاغت، تفسیر، حدیث، فقه، اصول و فلسفه را آموخت، به مطالعات خود در سطوح عالی ادامه داد تا به درجه اجتهاد رسید. جدیت وی در امر تحصیل به حدی بود که می گفت: «هیچ چیز نمی تواند کلاس درس را تعطیل کند، حتی مرگ فرزند.»

مقام شامخ علمی و معنوی این بانوی فرزانه از اجازه روایت آیت الله شیخ محمد رضا نجفی به خوبی استنباط می شود که درباره وی گفته است: «به این سیده دانشمند و شریف، گوهر گرانقدر مستور، گل سرسید باغ فرزندان زهرای اطهر، بانوی فرزانه، حکیم و عارف کامل ... اجازه دادم که روایت کند از من،

حاکم بر آن ایام به گونه ای بود که کمتر خانواده ای به خود اجازه می داد دخترش را برای کسب دانش به مکتب یا مدرسه بفرستد و چه بسیار والدینی که آموزش و آشنایی با خط و نوشتن را برای دختران خود جایز نمی دانستند.

آثار و کتاب های به جامانده از این بانوی مجتهد عبارتند از: ۱- تفسیر قرآن مجید به نام «مخزن العرفان» در ۱۵ جلد ۲- «نفحات الرحمانیه»، به زبان عربی مشتمل بر ۹۶ عنوان ۳- «سیر و سلوک» که در روش اولیا و طریق سیر سعادت است ۴- «معاد» یا آخرین سیر بشر ۵- روش خوشبختی و توصیه به خواهران دینی و ایمانی ۶- «اربعین هاشمیه» به زبان عربی مشتمل بر مسایل و احکام ۷- «جامع الشتات» به زبان عربی مشتمل به مسایل و احکام ۸- «اخلاق» که در بسیاری از محافل

شهاب و فای: آنچه مسلم است، حضور مردان در عرصه اجتهاد دینی همواره بسیار پررنگ و کارآمد بوده است و آنان در این عرصه، منشاء بسیاری از خدمات به ویژه در عرصه تالیف کتاب های دینی بوده اند، اما در این میان، بانوانی هم حضور داشته اند که فعالیت علمی و دینی چشمگیر آنان، نامشان را در تاریخ جاودانه کرده است.

از جمله این بانوان می توان به بانو مجتهده امین اصفهانی مشهور به بانوی اصفهانی اشاره کرد.

این بانوی مجتهده که از سلاله پاک حضرت فاطمه (س) بود، حاجیه خانم سیده نصرت بیگم امین در سال ۱۲۶۵ ه.ش در اصفهان متولد شد. پدر وی حاج سید محمد علی امین التجار اصفهانی، فردی مومن و سخاوتمند و مادر ایشان بانویی بسیار شریف، متعبد و خیرخواه بود که خداوند پس از سه فرزند پسر، این دختر را به ایشان عطا کرد. مادر با روشن بینی، فرزند را در چهار سالگی، برای آموزش قرآن و فراگیری خواندن و نوشتن به مکتب فرستاد، در حالی که فضای

همکار محترم
جناب آقای ایجادی

کوچ آن عزیز سفر کرده،
مادر گرامی و مهربان شما را
به جنابعالی و خانواده محترم
تسلیم عرض می نمایم.

انجمن فرهنگی ناشران
کتاب کودک و نوجوان

نویسنده و همکار محترم
جناب آقای راستی

سلام علیکم بما صیرتم
فقدان مادر همسر محترمان سرکار حاجیه
خانم ایجادی نیا به شما و خانواده محترم
تسلیم عرض می نمایم و برای جنابعالی و
سایر بازماندگان صبر و اجر مسئلت می نمایم.

انجمن فرهنگی ناشران
کتاب کودک و نوجوان

جناب آقای غلامرضا سالاری
کارمند محترم انجمن فرهنگی
ناشران کتاب کودک و نوجوان

کوچ آن عزیزان سفر کرده، همسر و
فرزند خواهر گرامیتان را به جنابعالی و
خانواده محترم تسلیم عرض می نمایم.

انجمن فرهنگی ناشران
کتاب کودک و نوجوان

سرکار خانم نوری ایجادی
نویسنده و فرهیخته گرامی

کوچ مادر گرامیتان را به دیار باقی، به سرکار
عالی و خانواده محترم تسلیم عرض می نمایم.
باشد تا توانی از نشر کتاب «امام علی و پرند»
شما به روح آن مادر گرامی که در پرورش
دینی شما موثر بوده است، واصل گردد.

انتشارات زیتون
سید مجتبی صبوری



گزارشی درباره ارایه غیرقانونی کتاب در قالب لوح فشرده

لوح‌هایی که سنگ مزار کتاب می‌شوند

نسخه‌های تقلبی

آثار وارد شده در لوح‌های فشرده از کیفیت خوبی برخوردار نیستند. منکرسی با اشاره به این موضوع می‌گوید: «نسخه‌هایی که به صورت غیر مجاز در قالب مجموعه‌های چند هزار جلدی منتشر می‌شوند، کیفیت پایینی دارند. این لوح‌ها امکان جست‌وجو را برای مخاطب فراهم نمی‌کنند، در حالی که اگر اثری به صورت نرم‌افزار ارائه می‌شود، باید متنی مشخص با صفحه‌بندی شکیل و قابلیت جست‌وجو باشد که در نرم‌افزارهای پیشرفته تصاویر و صوت را هم شامل می‌شوند.»

وی در ادامه، درباره طرح‌های حمایتی این مرکز از حقوق پدید آورنده اثر می‌گوید: «برای جلوگیری از تکثیر غیر مجاز نرم‌افزارهای رایانه‌ای و تکثیر غیرقانونی نرم‌افزارهای مجاز، سامانه‌ای به نام ساترا راه‌اندازی شده که در آن مشخصات نرم‌افزارها ثبت می‌شوند که با داشتن هولوگرام، به عنوان مجوز، مشخص شده‌اند.» منکرسی درباره کاربری این فناوری می‌افزاید: «از ابتدای سال ۸۸ تمامی پدید آورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای، ملزم به نصب هولوگرام دارای شماره سریال. که از سوی مرکز توسعه فناوری اطلاعات رسانه‌های دیجیتال در اختیار آنان قرار می‌گیرد. روی نرم‌افزارهای تکثیر شده خود شده‌اند و بر اساس آن، مردم می‌توانند با ارسال شماره سریال محصول به صورت پیامک به شماره ۳۰۰۷۰ نسبت به اصل بودن نرم‌افزار مطمئن شوند.»

وی ادامه می‌دهد: «مرکز توسعه فناوری اطلاعات برای صیانت از حقوق پدید آورندگان تمامی آثار فرهنگی دیجیتال و نیز مبارزه با تکثیر آثار غیر مجاز فرهنگی، صدور مجوز و نظارت بر مراکز تکثیر عمده‌ای حامل‌های دیجیتال را در دستور کار قرار داده است و کارخانه‌ای می‌تواند نرم‌افزار تکثیر کند که از سوی وزارتخانه حکم تایید داشته باشد.»

توجه به این نکته ضروری است که بیشتر محصولاتی که غیرقانونی تکثیر می‌شوند توسط دستگاه‌های کوچک یا دستگاه تکثیر خانگی تولید می‌شوند.

منکرسی همچنین می‌گوید: «ناشران هم باید وارد عمل شوند زیرا فروش و سودی که از این محصولات نصیب سودجویان می‌شود، دامنه کار ناشران را محدود می‌کند. اگر ناشران از هر نسخه کتابشان اثری را به صورت تک نسخه‌ای در قالب لوح فشرده تولید کنند، مشتری هم برای خرید این لوح‌های فشرده که مجوز دارند، تشویق می‌شود. این امر می‌تواند به از میان رفتن این بازار کاذب کمک کند؛ مانند کاری که اکنون در سینما صورت می‌گیرد و فیلم‌های سینمایی بعد از اکران، از مجرای قانونی بلافاصله وارد بازار می‌شوند. برای کتاب هم باید این اتفاق بیفتد و کتاب بعد از چاپ نخست، به صورت لوح فشرده منتشر و به صورت گسترده توزیع شود تا اگر متخلفی از این آثار استفاده کرد صاحب اثر با توجه به ثبت اثر خود بتواند متخلف شکایت کند و خسارت بگیرد. اگر این آثار در بازار جایگزین داشته باشد، مشکلات به حداقل می‌رسند.»



ندارند. کاشانی، یکی از خریداران این گونه محصولات، می‌گوید: «بیشتر این سی‌دی‌ها تقلبی‌اند، یک بار که یکی از آنها را خریداری کردم و داخل دستگاه قرار دادم، دیدم که فقط مقدمه‌ای از کتاب آورده شده است. در حالی که نرم‌افزار باید دارای چارچوبی باشد و امکان جست‌وجو را برای مخاطب فراهم کند.»

برخورد قانونی لازم است

فروش این محصولات، مولف، ناشر، مخاطب، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و نیروهای اجرایی را دچار مشکل می‌کند تا آنجا که هر یک به نوبه خود، از این اتفاق متضرر می‌شوند.

عذرا اخلاقی، مدیر انتشارات قصیده، این پدیده را بزرگ‌ترین کار غیر اخلاقی در حوزه نشر و نقض حقوق مولف و ناشر می‌خواند و می‌گوید: «این کار نتیجه تلاش یک مولف را از بین می‌برد و به ناشران به دلیل هزینه‌هایی که برای چاپ اثر متحمل می‌شوند، خسارت وارد می‌کند. وزارت ارشاد باید به عنوان اهرم می‌بازدارنده، قوانینی را برای جلوگیری از این امور در نظر بگیرد تا این افراد سودجو از چرخه نشر حذف شوند و تا به حقوق مولفان و ناشران صدمه وارد نکنند.»

ضرورت برخورد با سودجویان

گسترش فناوری باعث شده تا چند هزار جلد کتاب در قالب یک لوح فشرده، که امکان جست‌وجو و دسترسی را آسان می‌کند، فراهم آید و در مقابل، عده‌ای با تکثیر غیرقانونی آثار، حقوق پدید آورنده آثار را نقض می‌کنند. در همین راستا وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مرکزی را به نام «توسعه فناوری اطلاعات» را در سال ۱۳۸۵ برای حفظ و صیانت از حقوق پدید آورنده آثار و اجرای تکالیف این وزارتخانه در حوزه قانون حمایت از پدید آورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای ایجاد کرد.

حامد منکرسی، مسؤول امور بسته‌های دیجیتالی مرکز فناوری و اطلاعات و رسانه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، درباره چرایی گسترش فروش این گونه لوح‌های فشرده با شیوه تکثیر و فروش غیرقانونی، می‌گوید: «نرم‌افزارها به دلیل قابلیت فیزیکی خود، سرعت بیشتری در تکثیر و کپی دارند و این امر به استفاده غیرقانونی آن رونق بیشتری می‌دهد. نیروی انتظامی باید با این پدیده غیرقانونی مبارزه کند، زیرا قوانین برای مجازات آنها مشخص شده است و نیروهای اجرایی باید برای جمع‌آوری آنها تلاش کنند. این افراد هیچ‌گونه مجوزی برای ارائه این آثار از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ندارند. نیروی انتظامی همان‌گونه که در جمع‌آوری لوح‌های فشرده فیلم‌های سینمایی غیر مجاز موفق عمل کرد، باید با همان شدت عمل، از تکثیر لوح‌های فشرده کتاب نیز جلوگیری کند.»

وی با اشاره به این که محصولات بعد از صدور مجوز، قابلیت تکثیر توسط کارخانه‌ها را دارند، توضیح می‌دهد: «مهم‌ترین و گسترده‌ترین روش برای تکثیر نرم‌افزار، روش استمپری در کارخانجات است.»

تکثیر غیرقانونی کتاب در قالب لوح فشرده، یکی از حاشیه‌های پررنگ بازار کتاب است که به دلیل درآمد بالا، سودجویان را به گسترش آن ترغیب می‌کند.

این اتفاق در حالی رخ می‌دهد که قوانین و راهکارهای مختلفی برای مبارزه با این پدیده مطرح شده که عملی شدن آن در گرو اعمال قانون از سوی مجریان و لزوم توجه ناشران و کاربران است. استفاده از آثار مولفان بدون در نظر گرفتن حق و حقوق آنها کاری غیر اخلاقی و خلاف قوانین وضع شده به حساب می‌آید که پیامدهای منفی آن تمام ارکان حوزه نشر را تحت الشعاع قرار می‌دهد.

لوح‌هایی که سنگ مزار کتاب می‌شوند!

لوح‌های فشرده یا همان سی‌دی‌ها را کنار خیابان روی زمین چیده است و چند دفتر که نام کتاب‌های گوناگون لیست شده در لوح‌ها را در خود جای داده‌اند، به دست خریداران می‌دهد. خودش را ابراهیم فرخ‌نژاد معرفی می‌کند و می‌گوید: «پنج سال است که وارد این حرفه شده‌ام و از درآمد آن راضی‌ام.» او درباره نحوه گردآوری این لوح‌ها می‌گوید: «ما لوح‌ها را از شرکت توزیع (۱) می‌گیریم، اما بیشتر کتاب‌های فهرست‌بندی شده، کتاب‌های مورد توجه و پرفروش‌اند چون شرکت قبل از تبدیل و تکثیر لوح‌های فشرده، در بازار نیازسنجی انجام می‌دهد و بعد از آن، کتاب‌های مورد نظر را در قالب لوح فشرده وارد بازار می‌کند.»

گنجاندن پنج هزار جلد کتاب آن هم بر اساس کپی، چندان اصولی به نظر نمی‌رسد. البته فرخ‌نژاد در این باره می‌گوید: «همه کتاب‌ها به صورت کپی نیستند و برخی از آنها از روی سی‌دی کتاب تکثیر می‌شوند.»

خیابان انقلاب، هر روز شاهد پدیده‌ای جدید در حاشیه بازار کتاب است و اکنون نیز افزایش و فروش غیرقانونی لوح‌های فشرده توسط دستفروشان دلیل رونق بیشتر این بازار پر حاشیه است.

عباس فراهانی فروشنده دیگری است. او فهرست کتاب‌ها را به دستم می‌دهد و می‌گوید: «اگر به این لیست نگاهی بیندازید، حتما کتاب مورد علاقه خود را پیدا می‌کنید. بیشتر کتاب‌های لیست شده؛ رمان، شعر و داستان‌های خارجی‌اند. لیست کتاب‌های نایاب و قدیمی را هم داریم. اگر علاقه‌مند باشید، می‌توانم آن را به شما نشان بدهم.»

او درباره نحوه گردآوری کتاب‌ها می‌گوید: «این لوح‌ها را خودمان تکثیر می‌کنیم. در واقع برای شروع کار، کارت‌هایی را تهیه و در منازل پخش کردیم و گفتیم که کتاب‌های آنها را خریداری می‌کنیم. کار ما با خرید کتابخانه‌های شخصی شروع شد و بعد از آن، کتاب‌هایی را که به نظرمان خوب بود، روی سی‌دی کپی کردیم!» او کارتی آبی‌رنگ را که تنها یک شماره تلفن روی آن نوشته شده، به کسانی که لیست‌ها را می‌بینند، می‌دهد و می‌گوید: «اگر مایل به فروش کتاب‌های خود هستید، می‌توانید با ما تماس بگیرید.»

فراهانی درباره این که برای تکثیر این لوح‌ها مجوز دارد یا خیر؟ می‌گوید: «کار ما فروش محصولات فرهنگی است و به افراد علاقه‌مند به مطالعه با کاهش هزینه خرید کتاب کمک می‌کنیم و مجموعه‌ای چند هزار جلدی را با قیمتی اندک در اختیار آنها قرار می‌دهیم!» ظاهراً همین توجه برای نداشتن مجوز برای چنین کاری از سوی این دستفروش کافی است!

قیمت لوح‌های فشرده یا همان سی‌دی‌ها بین ۸ تا ۱۵ هزار تومان است. جالب این که برخی از آنها به علت مشکلات فنی، قابل استفاده نیستند.

بر اساس قانون، تکثیر منابع مکتوب بدون در نظر گرفتن حقوق مولف و ناشر، اقدامی غیرقانونی است که به مخاطب هم صدمه وارد می‌کند، زیرا این محصولات به دلیل غیرقانونی بودن، امکان پیگیری

خانه کتاب منتشر کرد

کتاب مرجع نشر ایران ۱۳۸۹

آخرین اطلاعات ناشران، کاغذ فروشی‌ها، لیتوگرافی‌ها، چاپخانه‌ها، صحافی‌ها، کتابفروشی‌ها، مراکز پخش، تصویر گران، طراحان گرافیک، ناشران الکترونیک، نمایندگان ناشران خارجی

جیب: اردیبهشت ۱۳۸۹
قیمت: ۱۳۰۰۰۰ ریال
۸۰۰ صفحه، جلد نومی، همراه با CD

کارنامه نشر ایران

فهرست موضوعی کتاب‌های منتشر شده در سال ۱۳۸۸

جیب: اردیبهشت ۱۳۸۹
قیمت: (دوره سه جلدی) ۴۵۰۰۰۰ ریال
۳۱۰۰ صفحه، جلد نومی

مرکز توزیع و فروش: نخ قائم مقام فراهانی،
خ فجر ساختمان فجر، پلاک ۷ تلفن: ۸۸۳۳۳۹۸۵-۸۸۳۳۳۹۸۴



پروانه توکلی

برنامه های پیش روی بنیاد ادبیات داستانی و نحوه حمایت این مرکز از داستان نویسان، از بهانه هایی بود که پای صحبت های محمود سالاری، مدیرعامل این بنیاد بنشینیم؛ اما موضوعی که در حین این گفت و گو با بیشترین تاکید مطرح شد، مهم ترین رویکرد این بنیاد در تمرکززدایی فعالیت های عرصه داستان از تهران و توسعه برنامه های آموزشی و تخصصی این حوزه در سراسر کشور بود؛ موضوعی که این روزها بخشی از نگرانی جدی علاقه مندان به داستان در شهرستان هاست که همراه با دلنگی های داستان نویسان مطرح شهرستانی به دلیل دور ماندن از فضایی برای آشنایی ها و مجالی برای تبادل اندیشه و نظر، بارها شنیده و گفته شده است. البته چگونگی حمایت های انتشاراتی این بنیاد نیز، بخش دیگر سوالات ما از سالاری بود.

گفت و گو با محمود سالاری، مدیرعامل بنیاد ادبیات داستانی ایرانیان

رقیب بخش خصوصی نیستیم

برخی از مدیران و صاحب نظران حوزه فرهنگ نیز در این ترکیب قرار دارند.

آیا در زمینه نقد و پژوهش هم آثاری را در دست انتشار دارید؟

برپایی جلسات نقد و تشکیل کارگروه های حوزه های مختلف ادبیات داستانی، یکی از اولویت ها و وظایف بنیاد است که در حال حاضر هم در حال شکل گیری اند. البته نقدهای کارگامی مان را از نوار پیاده می کنیم و روی سایت قرار می دهیم و در برخی موارد به صورت جزوه هم به استان های فرستیم. نشریه ای را هم تدارک دیده ایم که در صورت انتشار، نقدهای کارگامی در آن به چاپ خواهند رسید. البته در حوزه ادبیات جهان هم کارهایی را برای چاپ سفارش داده ایم که در آنها داستان و نقد داستان با هم منتشر خواهند شد.

در حوزه ادبیات جهان بیشتر بر چه نویسندگان یا چه دسته آثاری تاکید دارید؟

در این حوزه، مجموعه آثار شاخص ادبیات داستانی از نویسندگان چند قرن اخیر میلادی گزینش و ترجمه شده اند.

در حوزه ادبیات کودک هم فعالیتی داشته یا دارید؟

بله، در این بخش برنامه هایی داریم که امیدواریم به ثمر برسند. در مراحل اول در نظر داریم بسته هایی شامل کتاب کودک، همراه با CD تولید کنیم که برای توضیح درباره جزئیات این برنامه به زمان بیشتری نیاز است.

آیا فعالیت های چاپ و نشر بنیاد ادبیات داستانی با نشر تکا یا انجمن قلم ایران تداخلی ندارد؟

من از جزئیات فعالیت دوستان دیگر چندان اطلاعی ندارم، ولی گمانم این است که این اقیانوس آنقدر پهناور است که هر کس با هر بضاعتی می تواند بر سر آن برود و برای صید تلاش کند. نگاه ما در استان ها نگاه استعدادیابی است؛ در حالی که فکر می کنم دوستان فعال در مراکز که شما نام بردید، بیشتر به ثمرات این استعدادها توجه می کنند. ولی در مجموع می توان گفت که عرصه فرهنگ، حمایت دولتی لازم دارد؛ تا زمانی که به تنه ای سبتر تبدیل شود و بتواند روی پای خودش بایستد.

لطفاً کیفیت فرهنگی در عرصه داستان یک ارزیابی کلی داشته باشید.

این وضعیت در حوزه فرهنگ هم قابل تامل است. در این عرصه ما علاقه مندان فراوان داریم و مردم برای نویسندگان احترام قائلند. وقتی نویسنده ای در جمعی حضور دارد، مردم با ذوق و علاقه به او می نگرند. چون فضا و مربی وجود ندارد و در مدارس هم روی این حوزه کار نمی شود، تعداد نویسندگان کم است و خروجی آرمانی هم در عرصه داستان نداریم. خوشبختانه امروز نگاه به حوزه داستان، نگاهی تکنیکال است و همه فهمیده اند که این بخش می تواند تغذیه کننده سینما، تئاتر و بخش های هنری دیگر باشد.

درباره چاپ آثار جوانان داستان نویس سراسر کشور توضیحات بیشتری بدهید.

بر اساس تفاهم نامه مان با استان ها، آثار توسط کمیته علمی بنیاد بررسی می شوند و در صورت قابل انتشار بودن، به چاپ می رسند و حق التالیف مولفان نیز پرداخته می شود.

و حرف آخر.

فرهنگ، عرصه همدلی ها و تالیف قلوب است و اگر عده ای آن را به جریانات خاص آلوده کرده اند، ما باید تلاش کنیم این عرصه جایگاه حقیقی اش را باز یابد.



چه معیارهایی برای گزینش آثار دارید؟

بله، آثار بر اساس چارچوب هایی بررسی می شوند. مسلماً غیر از بحث های تکنیکی، محتوای خوب هم حایز اهمیت است؛ چرا که داستان با محتوا کامل می شود. در حوزه ادبیات دفاع مقدس و پایداری هم ما چون شخصیت های جنگ را آدم های بزرگی می دانیم که آگاهانه و از روی تدبیر و بصیرت وارد این حوزه شده اند از آثاری که درباره آنها نوشته شده است حمایت می کنیم. نگاه شخصی من این است که بسجیجی یک فرهنگ است؛ نه یک آدم فرهنگی که می توان مختصات آن را تعریف کرد. این فرهنگ است که یک بسجیجی را از یک نازی آلمانی یا پارتیزان چک متمایز می کند و اگر نویسنده ای یک بسجیجی را مثل یک سرباز آلمانی ببیند، از نگاه واقعی به این حوزه دور بوده است.

اولویت هایتان در حوزه نشر بر چه محورهای استوار است؟

کار خوب را فارغ از این که در چه حوزه ای قرار دارد، انتخاب می کنیم. اما اگر کارهای متوسطی به دستمان برسند، اولویت ها نقش تعیین کننده خواهند داشت.

آثاری که از نظر کارشناسان شما تایید می شوند، باز هم باید به تایید وزارت ارشاد برسند؟

بله، ما هم در این باره مانند دیگر مراکز و بخش های فرهنگی عمل می کنیم.

بررسی آثار را افرادی آشنا نسبت به حوزه داستان انجام می دهند؟

بله، در هیأت انمائی ما کسانی عضوند که در حوزه داستان مدرک الف هنری دریافت کرده اند که البته



آثار بر اساس

چارچوب هایی بررسی می شوند. مسلماً غیر از

بحث های تکنیکی، محتوای

خوب هم حایز اهمیت است

چرا که داستان با محتوا

کامل می شود

مواجهه اید؟

بله. تعامل ما با استان ها، نوعاً با فاصله و تلفنی است و گاهی هم به دلیل تغییراتی که در جابه جایی مسوولان، رخ می دهد، معوق می ماند. از سوی دیگر توان مدیران کل ما هم یکی نیست؛ ضمن آن که نفوذ و مقبولیت عام آنان نیز برابر نیست. برخی اوقات با اعلام یک مدیر، خیلی ها در جلسات شرکت می کنند. ولی مثلاً ما جلسه ای هم در یکی از استان ها داشتیم که تمام وقت آن به گله شرکت کنندگان از مدیر کل ارشاد آن استان سپری شد که در این مواقع باید پل ارتباطی دیگری یافت و مثلاً از حوزه هنری یا (NGO) ها به عنوان بازوی عملیاتی و ارتباط با نویسندگان و مردم یاری خواست. البته در برخی شهرها نشست هایی هم به صورت خودجوش برگزار می شد. در این جلسات، جوانان آثارشان را می خواندند و جزوهای هم منتشر کرده بودند که من واقعاً خوشم آمد؛ ولی بسیاری از این جزیره ها که در کشور ما تعدادشان هم کم نیست، با مراکز استان و مرکز کشور در ارتباط نیستند. کشف اینها از نظر اداری بر عهده ما نیست، ولی من به این نتیجه رسیده ام که باید این جزیره ها را هم خودمان کشف کنیم.

ظاهراً قرار است آثاری با حمایت بنیاد منتشر شوند.

در این باره توضیح می دهید؟

بله، با گروهی از دوستان داستان نویس در زمینه چاپ آثارشان توافقاتی داشتیم که برخی از این آثار در مرحله ویرایش اند و بعضی هم پس از بازخوانی از گردونه کار خارج شده اند، چون چارچوب های لازم را به لحاظ ساختار و محتوا نداشتند. بخشی هم آثار تشویقی اند. در هر حال برآیند ما در ساخت های مختلف تولید داشته باشیم که بخشی نگاه حمایتی، بخشی باز تولید و بخشی هم تولیدات حاصل از فعالیت های بنیاد است.

آثار تشویقی فقط به نوقلمان اختصاص دارند؟

نه، لزوماً همه آنها نوقلم نیستند؛ ممکن است که سال ها می نوشتند و آثارشان در محدوده هایی منتشر می شده؛ ولی در حوزه های وسیع و کشوری آثاری از آنان به چاپ نرسیده است.

برای چاپ آثار فاخر هم برنامه ریزی های دارید؟

اولویت ما نیست ولی درباره این آثار هم توافقاتی داریم که بیشتر مربوط به آثاری از نویسندگان دفاع مقدس و کتاب هایی از نویسندگانی اند که در سال های دورتر مورد توجه بوده اند.

آقای سالاری! در ابتدا، از اصلی ترین برنامه هایتان در سال جدید بگویید؛ این که چه برنامه هایی آغاز شده اند و کدام یک ادامه کارهای سال ۸۸ است؟

سال گذشته تفاهم نامه ای را با مسوولان استان ها داشتیم تا بتوانیم محورهای اصلی برنامه هایمان را پیگیری کنیم؛ یکی از آنها برپایی کارگاه های آموزشی در استان های دارای امکانات بود. برای این کارگاه ها سه سطح مبتدی، متوسط و پیشرفته تعریف کردیم و از استادان هم دعوت شد که در استان ها حضور پیدا کنند. در برخی استان ها علاقه مندان فعالانه شرکت می کردند؛ ولی در برخی دیگر از آنها، مشکلاتی به دلیل مسائل ایاب و ذهاب وجود دارد که ناشی از فاصله زیاد میان شهرها و مراکز استان هاست.

رویکرد دیگر بنیاد، حمایت از همایش های داستان نویسی در استان هاست به منظور ایجاد همدلی و همراهی بین نویسندگان استان. چه بسا این همایش به تالیف قلوب و در نهایت تولید آثار فاخر منتهی شود. راه اندازی سایت بنیاد و تاسیس بانک اطلاعات داستان نویسان نیز اتفاق مهم دیگری است. در بانک اطلاعات داستان نویسان این سایت، غیر از بخش های تولیدی، اطلاعاتی هم درباره نویسندگان جمع آوری شده است. تولید اثر و حمایت از نویسندگان جوان در بنیاد و نیز از اقداماتی بوده که تلاش کرده ایم به ثمر برسند.

تا به حال در چه استان هایی بیشترین فعالیت را داشته اید؟

تا کنون در بوشهر ۱۶ جلسه دو ساعته داشته ایم؛ خراسان، گلستان و آذربایجان نیز از استان هایی بودند که همکاری های خوبی داشتند. در حقیقت هر استانی که نیروها و جوانان علاقه مند را در تاریخی معین دور هم جمع کند، ما آمادگی اعزام استاد و برپایی کلاس را داریم.

فواصل زمانی تشکیل کلاس های استانی مشخص شده است؟

ما شیوه نامه ای داریم که آن را برای استان ها ارسال کرده ایم و اجرای آن به بضاعت هر استان برمی گردد. طبیعی است که در هر استان باید ظرفیت برپایی کارگاه فراهم شود. کاری که ما انجام می دهیم، بضاعت سنجی است. مثلاً باید ببینیم در کارگاه اول چه تعداد شرکت کرده اند و در دور دوم، چه تعداد از شرکت کنندگان کارگاه اول حضور دارند.

از نگاه خودتان تا این مرحله چقدر موفق بوده اید؟

در کار هنری تا به تولید اثر منجر نشود، نمی توان از میزان موفقیت حرف زد. نهایتاً در همه این کلاس ها می توان منتظر تولید یک منتقد خوب بود. از کارگاه ها و دانشگاه های هنری ما هم لزوماً هنرمند بیرون نمی آید. تا چه رسد به ما که در اولین مراحل هستیم و هنوز به تولید نرسیده ایم. خیلی که خوشبین باشیم، می توانیم بگوییم برای علاقه مندان به داستان انگیزه ایجاد کرده ایم و جریانی به راه انداخته ایم که یک سری علاقه مند به داستان یا داستان نویس در انتظار برپایی کارگاه ها و شرکت در آنها باشند.

آیا تاکنون با نویسندگان مطرح استان ها هم برای برنامه های استانی، رایزنی هایی داشته اید؟

در نمایشگاه های استانی کتاب، از نویسندگانی که در آن استان حضور دارند، به بهانه هایی دعوت می کنیم تا در غرفه بنیاد حضور یابند.

در هماهنگی با مسوولان استانی با مشکلاتی هم

پیشنهادهای تابستانی برای کودکان و نوجوانان

آخرین موج

نویسنده محسن هجری/ تصویرگر: علی خدایی
انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان
۳۹ صفحه/ ۱۹۰۰ تومان



«آخرین موج» آخرین کتاب محسن هجری نویسنده و پژوهشگر ادبیات کودکان و نوجوانان است. این کتاب داستان حضرت نوح (ع) را برای نوجوانان با زگو می کند. داستان نوح (ع) احتمالا

زیاد به گوش نوجوانان خورده، ولی این خصوصیت ادبیات است که با نوآوری، ماجراجویی را که مخاطب پیش تر هم شنیده است جذاب جلوه دهد. هجری می گوید این اثر را بر اساس آیاتی از قرآن مجید که درباره حضرت نوح بوده، نگارش کرده و داستان بر مبنای تفسیرهایی از این آیات جلورفته است. «آخرین موج» با داستان دو جوان هیزم شکن شروع می شود که برای افراد ثروتمند شهر هیزم می برند. هیزم شکن ها زمانی که برای جمع آوری هیزم به جنگل می روند با پیرمردی آشنا می شوند که هر روز به آنجا می آید و هیزم جمع می کند و در پایان روز همراه با عده ای دیگر این هیزم ها را همراه خود می برند. زمانی که دو هیزم شکن جوان سخنان حضرت نوح را می شنوند، کمی متعجب می شوند از این که ساخت کشتی در بیابان چه کاربردی دارد.

در مدتی که حضرت نوح (ع) و یارانش مشغول ساختن کشتی بودند، بیشتر اهالی شهر آنها را مسخره می کردند و او را به خاطر ساختن کشتی، دیوانه می خواندند. حتی همسر و پسر نوح (ع) نیز همراه با مردم همراه شده و او را به تمسخر می گرفتند و می گفتند نوح خیالاتی شده است. «زمانی که کشتی کامل شد، یک شب به صورت ناگهانی هوا مه آلود شد، رعد و برق و پس از آن باران تندی شروع به باریدن کرد. کاهن اعظم از تپه پایین آمد و به سوی خانه ها دوید. او در میان راه صدای جوشیدن آب را می شنید و زیر پای خود گودالی را دید که از آنها آب بیرون می آید. کاهن از دیدن این گودال ها تعجب کرد؛ زیرا پیش از این وجود نداشتند.»

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان این کتاب را برای گروه های سنی «ج» و «د» یعنی دانش آموزان سال های چهارم و پنجم دبستان و دوره راهنمایی مناسب تشخیص داده است.

تصویرگر این کتاب علی خدایی است که پیش تر کتاب هایی مثل «ماجراهای زنبور کوچولو»، «شوخی با کلمات» و «قصه های علی و گلی» را تصویرسازی کرده است.

با گام های کوچک

گروهی از نویسندگان/ ترجمه: مهناز عسگری
نشر آفرینگان/ چاپ اول اسفند ۱۳۸۸



(۸ جلد) هر جلد ۳۰۰۰ تومان

مولفان ایرانی کمتر به تولید کتاب های علمی برای کودکان و نوجوانان توجه کرده اند و اکثر کتاب هایی که در این حوزه به بازار کتاب می آید، مجموعه کتاب های ترجمه شده از آثار نویسندگان غیر ایرانی هستند.

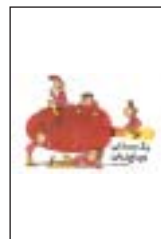
«با گام های کوچک» یکی از این مجموعه هاست که انتشار آن در ماه های اخیر شروع شده و تاکنون هشت مجلد آن به بازار نشر آمده است. به هر حال ترجمه هایی دقیق از مولفان خارجی کتاب های علمی برای کودکان و نوجوان، بهتر از نبود کتاب در این حوزه است.

کتاب های «با گام های کوچک» که کودکان درباره موضوعات مختلف، اطلاعاتی علمی به زبان ساده می دهد. «زندگی» عنوان نخستین جلد این مجموعه است که اطلاعاتی درباره سیاره ای که روی آن زندگی می کنیم و روند شکل گیری کره زمین و زندگی انسان ها روی آن به کودکان می دهد و در پایان هم فرهنگ لغاتی کوتاه درباره موضوعاتی که در کتاب توضیح داده شده در اختیار کودکان قرار می دهد. این واژه نامه در مجلد های دیگر مجموعه هم تکرار می شوند و کودکان پس از مطالعه هر جلد توضیحی درباره واژگان در اختیار دارند.

هفت جلد دیگر این مجموعه با عنوان های «شهر»، «آب»، «انرژی»، «خورشید»، «دندان ها»، «زباله و بازیافت» و «آتش فشان ها» به چاپ رسیده که نویسنده برخی از آنها فراسوا میشل است و برخی مجلد ها را نیز مولفان دیگری نوشته اند اما تمام این مجموعه را مهناز عسگری به فارسی ترجمه کرده است. می توان گفت استفاده همسان از تصویر و متن به مجموعه «با گام های کوچک» بعد خاصی بخشیده تا طیف بیشتری از کودکان مخاطبان آن باشند. اطلاعاتی که این مجموعه در اختیار مخاطبان هدف قرار می دهد اطلاعات روزمره یا مدرسه ای نیست؛ مثلا در جلد «آب» این مجموعه آمده است: «بخش عمده ای از آب های روی زمین (۹۷٪ درصد) با حدود ۳۵ گرم نمک در هر لیتر شور شده اند؛ وجود نمک در آب به آغاز پیدایش اقیانوس ها برمی گردد.»

یک بستنی و پنج زبان

سروده عباس ترین/ نشر قو
چاپ اول اسفند ۱۳۸۸/ ۴۸ صفحه/ ۱۵۰۰ تومان



می گویند شعر طنز نوجوان هنوز به موجودیت نرسیده و جز دو سه کتاب عمران صلاحی یا برخی شعرهایی که در نشریه «گل آقا» چاپ می شد، اثر خاص دیگری در این حوزه پیدا نمی شود؛ اما به تازگی از عباس ترین، شاعر و طنزپرداز کودکان و نوجوانان مجموعه شعری با نام «یک بستنی و پنج زبان» به بازار نشر آمده که ویژه نوجوانان است.

شوخی های ترین در این کتاب، شوخی های مدرسه ای است؛ محتوای اکثر شعرها به درس و مدرسه مربوط است و قرار است علاوه بر خنداندن بچه ها، برخی ناکارآمدی های نظام آموزشی را هم به چالش بکشد.

ترین سروده است:

در مدرسه، چه قیامت هست / یک عده، غرق خنده های قبولی و لاسته دیگر / در وقت اضافه، قبل تک / زار می زند / بیهوده نیست یاد قیامت افتاده ام / امروز کارنامه می دهند / من هم اگر چه طبق کارنامه قبولم اما از چشم های بسته ام / مانده لوله های ترکیده آب / مشت مشت / اشک است که بیرون می زند ای کارنامه های دروغگو / من نمره تقلبی تان را قبول ندارم. «یک بستنی و پنج زبان» حالا برای نوجوان آماده شده، ولی ترین می گوید: «این کتاب قرار بود پنج سال پیش منتشر شود، اما بدقولی های ناشران، این کتاب را یک نسل عقب انداخت.»

طنزهای ترین در «یک بستنی و پنج زبان» عناصری ساده و ملموس برای نوجوانان دوره راهنمایی و اوایل دبیرستان دارند. او وقتی می گوید: «من تا به حال تن به تقلب نداده ام / با قول ساندویچ و پفک جانمی خورم / محکم به روی حرف خود ایستاده ام / خیلی زیاد گشتم اما نمی خورم. همه نوجوانان درباره تقلب می دانند، ساندویچ و پفک را می شناسند و گرسنگی های زنگ های تفریح هم دور از ذهن آنها نیست.»

۲۱ شعر طنز ترین با تصاویری از علیرضا دوست محمدی همراه شده. طرح هایی سیاه و سفید که هماهنگی خوبی با شعرها دارند.

شعرهای «بچه مثبت»، «من شاگرد تنبل»، «فکرهای اجق و جق»، «نوشابه نامه» و «سر به زیر زیر» را حتما بخوانید.

تهران به بهانه سوم شخص غایب

حدیث لزرغلامی/ نشر شهر
چاپ اول ۱۳۸۹/ ۶۸ صفحه/ ۱۲۰۰ تومان



«تهران به بهانه سوم شخص غایب» روایت نوستالژی های حدیث لزرغلامی به بعضی محله ها یا مثلا فروشگاه ها و رستوران های پایتخت است؛ روایت های ایزودگونه ای که نام هایی مثل «تجربش - خیابان جعفری پاساژ تندیس -

رستوران اردک آبی»، «درکه - امامزاده والی»، «سر لارستان - کتابفروشی اصغر آقا» یا «لویزان - خیابان فرشادی - امامزاده پنج تن» بر آنها نشسته است. دیالوگ های کتاب خطاب به مردی است که چند روز پیش از مراسم ازدواجش از دنیا رفته و راوی داستان (همسر مرد) به جای حضور در مراسم ختم و عزاداری، نوستالژی هایش با مرد را در محل ها و مکان های مختلف تهران مرور می کند.

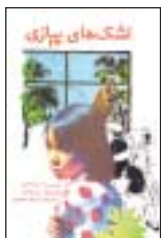
روایت لزرغلامی از تهران و محله هایش، ساده و بدون مرزبندی های سنی جریان دارد و مثلا قرار نیست کسی از ایزود «خیابان سعدی، اول منوچهری» راسته کیف فروش ها خوشش بیاید یا نه، از این راسته لذت نبرد، بلکه شما با گام های نویسنده از این محله عبور می کنید و گاهی شاید لبخند بزنید و گاهی هم غمگین شوید.

هر یک از شهر و نوان ۱۰ تا صد ساله پایتخت می توانند مخاطب «تهران به بهانه سوم شخص غایب» باشند. به جز چند کتابخانه و کتابفروشی که وجه غالب را در کتاب به خود اختصاص می دهند، هیچ مکان یا محله ای در جنوب یا شمال یا مرکز تهران در کار نمایان تر از دیگری نمی شود و گذر مخاطبان قرار است از بازار پرند فروش های مولوی تا باغ فردوس تجریش، گذری یک شکل اما با طعم و بوی متفاوت باشد.

«تهران به بهانه سوم شخص غایب» روایت هایی جذاب از شهری است که نوجوانان زیادی دارد از نویسنده ای که تاکنون به شعر مشغول بوده است. حالا این نویسنده رمان نوشته و البته مخاطب کتابش فقط نوجوانان نیستند. شاید این کتاب برای نوجوانان دوران دبیرستان مفیدتر باشد.

اشک های پیازی

دیانا کیدتر جمه/ فرمهر منجزی/ انتشارات امیر کبیر
چاپ اول ۱۳۸۹/ ۶۸ صفحه/ هزار تومان



«اشک های پیازی» کتابی است که نویسنده اش زمانی که مادر بزرگ شد، اولین اثرش را منتشر کرد. «دیانا کید» نویسنده و آموزگار فقید استرالیایی اولین کتابش با نام «روزی که مادر بزرگ برای مساندن آمد» را در سال

۱۹۸۸ از زمانی که ۵۵ ساله بود چاپ کرد و سال ۱۹۹۲ به دلیل نگارش کتاب «اشک های پیازی» جایزه کتاب کودک استرالیا را برد.

در نخستین صفحه کتاب نوشته شده که «اشک های پیازی» ویژه گروه سنی «ج» است؛ یعنی نوجوانان دوره راهنمایی می توانند اصلی ترین مخاطبان این داستان باشند که شخصیت اصلی اش دختری به نام «نام» هونگ است.

«نام» همراه با خانواده اش در شهری کوچک زندگی می کنند که زندگی مردمش با اتفاقاتی ساده می گذرد؛ خانواده «نام» صاحب رستورانی هستند که همگی با هم کارهای آن را انجام می دهند. نویسنده کتاب در عین ارایه داستانی ساده به جزئیاتی اشاره می کند که برای کودکان مهم هستند. اتفاقات روزانه «نام هونگ» در عین سادگی ذهن کودک کنجکاو را می کاود که هر چند وقت یکبار در نامه ای به بهترین دوستش مسایل زندگی اش را بازگو می کند.

تصویرگر این کتاب «می یام لو» است و مترجمی آن رابه فارسی ترجمه کرده که سال هاست به طور تخصصی در حوزه کتاب کودک نوجوان فعالیت می کند. فرمهر

منجزی به خوبی مخاطبانی را که برای آنها ترجمه می کند می شناسد و پیش از این کتاب هایی مثل «قورباغه و وزغ با هم»، «هوشیار» و «پرنده بی آشیان» را برای کودکان و نوجوانان ترجمه کرده است.

قصه های قد و نیم قد برای کودکان

فریبا کلهر/ نشر قدیانی
چاپ اول ۱۳۸۹/ (۱۰ جلد) هر جلد ۸۰۰ تومان



«قصه های قد و نیم قد برای کودکان» مجموعه کتابی ۱۰ جلدی است که فریبا کلهر احتمالا آن را برای خردسالان و کودکان پیش دبستانی نوشته است. آنچه هفت قصه هر مجلد این کتاب ها را جلو می برد

تصاویر، کیفیت چاپ و گرافیک صفحات آنهاست. هر یک از مجلد های این مجموعه را یکی از تصویرگران ایرانی تصویرسازی کرده و پیداست کیانوش غریب پور، مدیر هنری این مجموعه از تصویرگرانش خواسته از مولفه های بومی و ساده در تصاویر بهره برد، چون تصاویر استفاده شده با تصاویری که امروزه برخی تصویرسازان جشنواره ای به آن می پردازند تفاوتی آشکار دارد.

«قصه های قد و نیم قد برای کودکان» با مجلدی به نام «آخ و اوخ قهرمان» شروع می شود. کلهر به عنوان نویسنده ای شناخته شده در حوزه کودک و نوجوان در هر یک از مجلد ها شخصیت هایی را خلق می کند که در یک یا دو صفحه، هر کدام از هفت داستان کتاب را جلو می برند.

او در جلد اول به شخصیت «غول» پرداخته و در داستانی با عنوان «کمر بندیک غول چه شکلیه» می نویسد: «خانواده غول هادر کوستان زندگی می کردند. بابا غول، ماما غول و پسر غول. روزی ماما غول برای پسرش یک شلوار دوخت؛ یک شلوار قشنگ راه راه بود که جیب های بزرگی هم داشت. پسر غول با خوشحالی شلوار نو را پوشید، اما همین که کمی راه رفت، ...

داستان های کلهر به همین سادگی در طول مجموعه جلو می روند و گاه تخیل خردسالان را تحریک می کنند، اما نویسنده نگاه صرفا سرگرم کننده به اثر ندارد و در داستان های زیادی تخیل و ادبیات به کمک کلهر می آیند تا او به کودکان نکاتی آموزشی را بگوید.

قصه های پیامبران

لاله جعفری/ نشر افق/ چاپ اول بهار ۱۳۸۹
(۳ جلد) هر جلد ۸۰۰ تومان



لاله جعفری رابا کتاب های ویژه خردسالان می شناسیم. آخرین کار جعفری در مجموعه ای با عنوان «قصه های پیامبران» جمع شده که سه جلد آن با عنوان های «پسری که بارود آمد»، «زمزم می جوشد» و «خبر هدهد» به بازار کتاب آمده است.

جعفری در کتاب «پسری که بارود آمد» قصه کودکی حضرت موسی (ع) را روایت می کند و در دو جلد دیگر هم سراغ هدهد حضرت سلیمان (ع) و قصه جوشیدن چشمه زمزم در زمان حضرت ابراهیم (ع) رفته است.

وجود غلبه تصاویر بر متن در هر سه جلد مجموعه بسیار به چشم می آید و کودکان علاوه بر شنیدن داستان، قرار است مروری تصویری هم به داستان های پیامبران داشته باشند.

حضور نسل جدید تصویرگران کتاب کودک و کوله باری از جوایز جشنواره های بین المللی، سبب شده تا مدیر هنری این مجموعه، خلق تصاویر را به چند تصویرساز بسپارد؛ فاطمه رادپور، علی خدایی و سحر حق گو تصویرسازان این مجموعه اند که به نظر می رسد تلاش ویژه ای به خرج داده اند تا تصاویر برای مخاطبان کتاب های مذهبی، جدید و تازه جلوه کند.

حق گو از مداد رنگی برای خلق تصویر مجلد «خبر هدهد» استفاده کرده و خدایی و رادپور با رنگ و روغن و آبرنگ تصاویر دو مجموعه دیگر را خلق کرده اند.

مجید زارع، طراح جلد کتاب های دفاع مقدس:

کلمه «سرباز» تجربه‌ای نور را رقم زد

اصل انتخاب منطقی و هوشمندانه را یادآور می‌شود و می‌گوید: «در طراحی جلد، باید از عناصری که فضای کتاب را به خوبی تصویر کنند، دور از عنوان کتاب نباشند و حس و حال اثر و مستند یا داستانی بودن کتاب را نمایان سازند، استفاده کنیم و تصویری از محتوای کتاب را به جلد انتقال دهیم.»

مجید زارع به انتشارات فاتحان پیشنهاد داده که به دلیل تفاوت بافت و رنگ لباس های نیروهای رزمنده سال های دفاع مقدس، می توان برای طراحی جلد کتاب های مرتبط با آنها یا خاطراتشان، مشابه کتاب «سرباز



سال های ابری» عمل کرد. عناصر تصویری مرتبط با جنگ مانند نخل، چغیه و پلاک شناخته شده اند و برای طراحی جلد کتاب های حوزه دفاع مقدس، بسیار مورد استفاده قرار گرفته اند. این نمادها، در سال های جنگ و سال های پس از آن، جذابیت داشتند اما امروزه و با ارتقاء سواد بصری مخاطبان، حرکت های نوبی چون طرح جلد کتاب سرباز سال های ابری جذابند، زیرا نخستین ایستگاه تماشای کتاب توسط مخاطب، طرح روی جلد است و از همین نقطه، مطالعه کتاب آغاز می شود.

برای طرح جلد چاپ های بعدی این اثر هزینه کند. وی در صحبت های خود با قدردانی از انتشارات فاتحان، به دلیل پذیرفتن طرح جلد هزینه بر این کتاب، گفت: «طراحی های متفاوتی را در حوزه کتاب های جنگ تجربه کرده ام. برای مثال: در طرح جلد ۱۰ کتاب از مجموعه «راوی» که توسط انتشارات فاتحان به چاپ رسیدند، از عکس چغیه استفاده کرده ام و تلاش می کنم در هر کتاب متناسب با عنوان و حال و هوای درونی اش، طرحی نو را رقم بزنم.» از نظر این طراح جوان، «در سایر کشورها به دلیل حجم متفاوت و

شمارگان کتاب ها، از طرح جلد های فانتزی استفاده نمی کنند ولی این نوع جلد برای آثار هنری و گرافیکی امری عادی است زیرا از اغلب تکنیک ها برای کتاب های هنری بهره می برند.»

وی تصریح می کند: «مطالعه کتاب قبل از طراحی، به طراح جلد، اخلاق حرفه ای و روش کار او بستگی دارد تا تصویر جلد دچار ناهمخوانی با عنوان نشود. بخشی از کار نیز به فضای کلی حاکم بر کتاب بستگی دارد که بر اساس آن، انتخاب تصویر با متن کتاب تطابق داشته باشد.» مجید زارع با بیان این مطلب،

کلمه سرباز، در لوازم و وسایل سربازی جست و جو کردم و به این طرح دست یافتم.»

زارع پس از مشورت با صحافان کتاب، برای دریافتن چگونگی عملیاتی بودن طرح مورد نظرش و با بررسی امکانات مورد نیاز، به جای استفاده از عکس لباس سربازان، از پارچه و یکی از جیب های لباس آنها و قاب مخصوص درج نام سربازان برای عنوان کتاب استفاده کرد. به گفته این طراح، به دلیل ساخت دست ساز این لوازم، برای شمارگان بالا، با محدودیت زمان مواجه بودیم. با این حال پس از بررسی مراحل چاپ روی پارچه، سه هزار جیب دوخته شده توسط خیاط را جداگانه تهیه و روی جلد چسباندیم.»

صرف حدود ۲۵ روز برای هماهنگی؛ صحاف، خیاط، چاپ سیلک و پی. ام. سی و یک هفته زمان برای اتصال این بخش ها روی جلد ها، کاری سخت و دشوار است که برای هر نوبت چاپ، ناشر را گرفتار هزینه های اقتصادی و زمانی می کند، اما مجید زارع معتقد است: «به دلیل استقبال بی نظیر از کتاب «سرباز سال های ابری» در بیست و سومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران، بعید است که ناشر نخواهد

طرح جلد هر اثر، یکی از مهم ترین نشانه هایی است که در نخستین نگاه، نظر مخاطب را به خود جلب می کند. این میزان توجه مخاطبان، معمولاً طراحان جلد را بر آن می دارد که با طرح و ایده ای نو، جلدی را برای آثار تصویر کنند که علاقه و رضایت مخاطبان را نیز همراه داشته باشد. به همین منظور، خالقان تصویر جلد کتاب ها، علاوه بر گفت و گو با ناشران یا نویسندگان و گاه شخصیت های محوری آثار، تصویرسازی می کنند.

این شیوه های تصویرسازی، درباره آثار مرتبط با دفاع مقدس نیز به کار گرفته می شوند. اگر چه پیش تر، برای این کار از تصاویری که گویای وجوه متفاوتی از جنگ بودند، مانند؛ عکس شهید یا رزمنده، چغیه، پیشانی بند یا ادوات جنگی مثل؛ تانک و اسلحه، استفاده می شد، اما امروزه طراحان این حوزه نیز برآنند که از ابزار جدیدی برای تازه کردن طرح جلد آثار استفاده کنند.

چندی پیش، مجید زارع با طراحی جلد کتاب «سرباز سال های ابری» نوشته قاسم یاحسینی، حرکت نوبی را تجربه کرد. وی درباره طراحی این جلد می گوید: «با توجه به عنوان کتاب و کمک گرفتن از

محمدعلی سپهر افغان:

داستان های تصویری، فرهنگ سازند



مریم اسدی جعفری: کتاب های کمیک استریپ یا داستان های تصویری دنباله دار، از پرفرودارترین و پرفروش ترین کتاب ها در جهانند و در بازار کتاب ایران، تجربه های آزمون و خطا را پشت سر گذاشته اند.

بی شک قرار گرفتن تصاویر در کتاب های داستان، در القای مفاهیم مختلف تاثیر گذارند و

هنرمندان این عرصه، امیدوارند که با گسترش انتشار کتاب های کمیک استریپ، فرهنگ دفاع مقدس با چنین شیوه های تاثیر گذاری ترویج شود. محمدعلی سپهر افغان، تصویر ساز و خالق آثار متعدد در حوزه کمیک استریپ، به معرفی این قالب پرداخته و می گوید: «در این نوع خاص از روایت، تصاویر متعددی در چندین صفحه و در دامنه داستان مورد نظر، ترسیم می شوند، همچنین جهت خوانش تصویر با متن یکی است.»

وی با اشاره به این که «نسبت تصویر به متن در داستان های تصویری دنباله دار، ۶۰ تا ۷۰ درصد در نظر گرفته می شود و این آمار در برخی آثار، به صد درصد هم می رسد» کمیک استریپ را دارای جذابیت هایی می داند که گروه های سنی را درمی نوردد و مورد توجه همه - کودکان، نوجوانان، جوانان و بزرگسالان - قرار می گیرد.

خالق کتاب داستان تصویری «ماجراهای مبارزان»، درباره تاریخچه استفاده از کمیک استریپ در تصویر سازی از جنگ ها، خاطر نشان

وی با اشاره به نقش داستان های تصویری دنباله دار در فرهنگ سازی دفاع مقدس، ادامه می دهد: «انعکاس خشونت های جنگ در کمیک استریپ، به گروه سنی مخاطبان بستگی دارد. به نظر من اگر کودکان، هدف کتاب های کمیک استریپ جنگ باشند، بازی با روحیه آنان، با انعکاس تصاویر خشونت آمیز درگیری ها، صحیح نیست و راه حل های مشخص و راحتی برای رفع این مشکل وجود دارد که کمیک کار می تواند با ترسیم تصویر پس از اصابت ضربه یا گلوله، به بیان ادامه داستان بپردازد. ولی اگر مخاطبان، گروه سنی بزرگسالان باشند، آزادی ما برای نشان دادن خشونت های جنگ بیشتر است.»

خالق کتاب «تاکتیک ها و تکنیک های خلق جذابیت در کمیک»، داستان نویسی برای داستان های تصویری دنباله دار را متفاوت و نزدیک به سناریونویسی سینمایی می داند و معتقد است که در واقع، این دو حوزه در هم تنیده شده اند. سپهر افغان در ادامه، درباره بهترین شیوه ادبی مورد استفاده در نگارش متن کمیک استریپ، اضافه می کند: «من به کارگیری زبان محاوره را نمی پسندم و بیشتر، از جمله های کامل و صحیح استفاده می کنم. این روش، از جذابیت کتاب نمی کاهد و باعث آشنایی و نزدیکی بیشتر مخاطبان به ادبیات فارسی نیز می شود.»

وی در ادامه، با طرح وضعیت کنونی کمیک استریپ دفاع مقدس، تصریح می کند: «اگر کار گروهی داستان نویسان حرفه ای دفاع مقدس و کمیک کاران شکل گیرد، فاصله بین مخاطبان و وقایع جنگ تحمیلی کمتر خواهد شد. انتشار کتاب های داستان تصویری دنباله دار، هزینه بر است و به همین سبب، به حمایت یک متولی دولتی نیاز دارد تا هم هزینه های آن تامین شوند و هم مشکلات موجود بر سر راه توزیع این آثار، کاهش یابند.»

می کند: «با توجه به عملکرد کُند سینما در دوران جنگ جهانی دوم، کتاب های داستان تصویری دنباله دار، فعالیت های تبلیغاتی گسترده ای انجام می دادند که در این میان، کشورهای ایتالیا و بلوک شرق مانند؛ لهستان و رومانی با چاپ کمیک استریپ های زیرزمینی، واقیعیات جنگ جهانی دوم را برای بزرگسالان آشکار می کردند.»

سپهر افغان، از تاریخچه کمیک استریپ در ایران، اظهار بی اطلاعی کرده و می افزاید: «قبل از انقلاب اسلامی، نشریاتی مانند؛ کیهان بچه ها به انتشار داستان های تصویری دنباله دار می پرداختند که آثار آنها قوت خاصی نداشتند.»

وی تولید و انتشار کتاب های کمیک استریپ، پس از وقوع انقلاب تا پنج سال گذشته را با این تصور همراه می داند که این آثار باعث تنبلی مخاطبان در مطالعه کتاب می شوند. تصویرگر داستان «خطرات روز های خوب»، با این نظر مخالف و معتقد است: «کمیک استریپ، پل ارتباطی میان مخاطبان، به خصوص گروه سنی کودکان و کتاب است و خوشبختانه در حال حاضر، شاهد انتشار داستان های تصویری دنباله دار خوبی در ایران هستیم.»

این هنرمند تصویر ساز، در پاسخ به این سوال که آیا کمیک استریپ در دوران دفاع مقدس هم نقش خاصی داشته؟ می گوید: «به نظر من، کتابی مشابه آثار چاپ شده در جنگ جهانی دوم، در طول دفاع مقدس منتشر نشده و بعدها، تنها در نشریه ساحل کودک و نوجوان، به سفارش بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس، چندین سری کمیک استریپ درباره این مقطع تاریخی ایران منتشر کردیم که سال گذشته در قالب کتاب ماجراهای مبارزان»، توسط انتشارات هنر رسانه ای اردیبهشت به چاپ رسیدند.»

تکتاب

تیلیغا

ناشران محترم!

از این پس می توانید برای تبلیغ کتاب های خود

در بخش تازه های نشر

با شماره ۰۲۱۶۶۶۶۶۶ تماس بگیرید



نمایشگاه‌های استانی؛ رونق دوباره کتاب در ایران

همچنین از ۱۸ تا ۲۴ دی ماه نمایشگاه استانی کتاب بار دیگر در یکی از استان‌های جنوبی کشور یعنی خوزستان برگزار خواهد شد. سومین نمایشگاه استانی در دی ماه نیز در شهر بوشهر برگزار می‌شود.

استان مازندران در بهمن ماه، نخستین استانی است که میزبان نمایشگاه کتاب است. این نمایشگاه از ۱۱ تا ۱۷ بهمن ماه سال جاری در استان مازندران برگزار خواهد شد.

در دوره گذشته ۴۳۳ هزار نفر از نمایشگاه کتاب استان مازندران، بازدید کردند. این نمایشگاه با حضور ۵۰۰ ناشر و با عرضه حدود ۵۰ هزار عنوان کتاب هشتم بهمن ماه سال گذشته در مرکز نمایشگاهی ساری برپا شد.

در بهمن ماه نمایشگاه دیگری نیز از بیست و هفتم این ماه تا سوم اسفند در استان سیستان و بلوچستان برگزار می‌شود تا جنوب شرق کشور نیز سهمی در برگزاری نمایشگاه کتاب داشته باشد.

در واپسین ماه سال نیز سه نمایشگاه در سایر استان‌های کشور برگزار می‌شوند.

استان یزد از ۴ تا ۱۰ اسفند، استان ایلام از ۱۰ تا ۱۶ اسفند و در نهایت استان اصفهان به عنوان آخرین استان میزبان نمایشگاه‌های استانی کتاب از ۱۰ تا ۲۰ اسفند، این رویداد فرهنگی را تجربه خواهند کرد. نمایشگاه‌های استانی به همت موسسه نمایشگاه‌های فرهنگی ایران و اداره‌های کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان‌ها برگزار می‌شوند.

عنوان کتاب عرضه شدند که رشد حدود ۱۰ هزار عنوانی را نسبت به نمایشگاه سال گذشته نشان دادند. سرانجام، برگزاری سه نمایشگاه استانی در واپسین ماه پاییز، به شلوغ‌ترین فصل برگزاری نمایشگاه‌های استانی در تاریخ خود پایان خواهد داد.

ابتدا از هفتم تا سیزدهم آذرماه، استان خراسان جنوبی برگزاری نمایشگاه کتاب را در دستور کار خود قرار خواهد داد. سپس از ۹ تا ۱۵ آذرماه نمایشگاه کتاب به استان گلستان می‌رود و در نهایت نیز استان لرستان از ۱۴ تا بیستم آذرماه میزبان نمایشگاه کتاب خواهد بود.

چهارمین نمایشگاه بزرگ کتاب گرگان در سال گذشته با حضور ۲۵۰ ناشر داخلی از سراسر کشور و بیش از ۳۰ هزار عنوان کتاب در زمینه‌های مختلف در فضایی بالغ بر چهار هزار مترمربع برگزار شد.

زمستان و برپایی نمایشگاه‌های استانی در فصل سرما

در دی ماه، نخستین نمایشگاه استانی فصل زمستان در هرزگان از ۴ تا ۱۰ این ماه برگزار خواهد شد. دی ماه سال گذشته نیز هفتمین نمایشگاه استانی کتاب در این استان برگزار شد.

سال گذشته، بزرگ‌ترین نمایشگاه کتاب هرزگان پس از انقلاب اسلامی با حضور حدود ۷۰۰ ناشر برگزار شد و معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۵۵۰ میلیون تومان پارانه خرید کتاب در این نمایشگاه توزیع کرد.

پس از برگزاری نمایشگاه کتاب استان اراک، نمایشگاه کتاب سندج برپا می‌شود. این نمایشگاه ۱۰ تا ۱۶ تیر برگزار خواهد شد. در مرداد ماه سال جاری نیز استان سرسبز گیلان از دهم تا بیستم، میزبان علاقه‌مندان کتاب خواهد بود.

استان چهارمحال بختیاری نیز از ۲۴ تا ۳۰ شهریور ماه نمایشگاه استانی کتاب خود را برگزار خواهد کرد.

نمایشگاه دوره پیش در این استان با حضور ۴۰۰ ناشر ایرانی به مدت یک هفته در مصلا بزرگ امام خمینی (ره) شهر کرد دایر بود.

در این نمایشگاه، ناشران در ۱۵۰ غرفه، ۳۵ هزار عنوان و بیش از دو میلیون جلد کتاب را در معرض دید علاقه‌مندان قرار دادند.

پاییز و گسترش نمایشگاه‌های استانی

فصل پاییز به دلیل گشایش دانشگاه‌های کشور موجب رونق بیشتر نمایشگاه‌های استانی کتاب نیز می‌شود. به همین دلیل تعداد زیادی از نمایشگاه‌های استانی متقاضی برگزاری نمایشگاه در این فصل شده‌اند.

نخستین نمایشگاه استانی کتاب در این فصل، در آذربایجان شرقی برگزار می‌شود که با توجه به گستردگی این نمایشگاه، می‌توان آن را پس از نمایشگاه تهران، مهم‌ترین نمایشگاه استانی کتاب برشمرد.

هشتمین نمایشگاه استانی کتاب در تبریز پنجم تا یازدهم مهرماه سال جاری، در فضایی بالغ بر چهل هزار متر مربع برگزار می‌شود.

هفتمین نمایشگاه کتاب استان اردبیل نیز از سوم تا دهم مهرماه سال جاری برگزار خواهد شد. در ششمین دوره این نمایشگاه که به مدت ۶ روز برپا شد، ۲۵۰ ناشر محصولات خود را در ۱۵۰ غرفه عرضه کردند.

شمال غرب کشور، در مهرماه همچنان نمایشگاه استانی دارد و استان آذربایجان غربی، سومین نمایشگاهی است که در این منطقه از کشور برگزار می‌شود.

شهر ارومیه از روز ۱۵ تا ۲۱ مهرماه آماده پذیرایی از علاقه‌مندان کتاب خواهد بود.

در دوره گذشته این نمایشگاه، ۴۰ هزار عنوان کتاب توسط ۴۵۰ ناشر از سراسر کشور عرضه شدند. سرانجام، در پایان مهرماه نیز استان زنجان از بیست و پنجم مهرماه تا پایان این ماه، استانی خواهد بود که نمایشگاه کتاب برگزار می‌کند.

اما در آبان ماه نیز همچنان بازار برگزاری نمایشگاه‌های استانی کتاب داغ خواهد بود و در نخستین قدم، استان قزوین میزبان نمایشگاه استانی کتاب می‌شود.

۳۰ هزار عنوان کتاب از ۳۰۰ ناشر در دوره گذشته این نمایشگاه که سال گذشته در اسفند ماه برگزار شد، عرضه شدند.

دومین استانی که در آبان ماه نمایشگاه کتاب خواهد داشت، فارس است که نمایشگاه‌های استانی را به جنوب و مرکز کشور خواهد آورد.

در دوره گذشته این نمایشگاه نیز بیش از یک هزار ناشر در قالب ۷۵۰ غرفه حضور داشتند.

در استان کرمان نیز از ۲۵ آبان تا اول آذر ماه نمایشگاه استانی کتاب برگزار خواهد شد.

سال گذشته وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در آیین افتتاحیه این نمایشگاه گفت: «نمایشگاه امسال در فضایی بالغ بر ۱۳ هزار متر مربع و با حضور بیش از ۶۰۰ ناشر در ۴۵۰ غرفه برگزار می‌شود.»

در نمایشگاه کتاب استان کرمان امسال، ۷۵ هزار

برگزاری نمایشگاه‌های استانی کتاب در چند سال اخیر و همچنین رونق قابل توجه این نمایشگاه‌ها در نقاط مختلف کشور، این فرصت را در اختیار همه جامعه نشر کشور قرار داده تا شاهد رونق بیشتر بازار اقتصادی کتاب باشند و آن را تنها محدود به نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران ندانند.

مسئله اصلی در برگزاری این گونه نمایشگاه‌ها این است که با بهره‌گیری از مخاطبان گسترده کتاب در شهرهای مختلف، می‌توان به دسترسی آسان مخاطبان به آثار چاپ‌نشده در کشور دست یافت؛ رخدادی که البته در سال‌های دور چندان مورد توجه قرار نمی‌گرفت و کتاب را تنها می‌شد در کتابفروشی‌های شاخص یا نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران تهیه کرد.

موسسه نمایشگاه‌های فرهنگی کشور اما در کنار حضور در نمایشگاه‌های شاخص بین‌المللی و برگزاری نمایشگاه کتاب تهران، برپایی نمایشگاه‌های استانی را هم مورد توجه قرار داده است.

سالانه بیش از ۲۰ نمایشگاه استانی در کشور با رویکردی مخاطب‌محور برگزار می‌شوند که علاوه بر علاقه‌مندان کتاب، برای ناشران کشور نیز حائز اهمیت‌اند و بازاری تازه را برای ارائه محصولاتشان فراهم می‌کنند.

ناشران با اعطای نمایندگی به کتابفروشی‌های شهر یا استانی که نمایشگاه در آن برگزار می‌شود، و نیز با حضور مستقیم می‌توانند علاوه بر فروش بیشتر آثار و رونق کتابخوانی در شهرهای مختلف، ارتباط نزدیک‌تری نیز با مخاطبان داشته باشند.

یکی از فعالیت‌های موثری که به تعامل بیشتر ناشر، نویسنده و مترجم با مخاطبان کمک کرده است، حضور نویسندگان و مولفان شاخصی است که در نمایشگاه‌های استانی شرکت و با حضور در غرفه‌ها و نشست‌ها، مباحث نشر و ادبیات کشور را در خارج از پایتخت نیز مطرح می‌کنند. نمایشگاه‌های استانی البته هر ساله از کمیت و کیفیت‌های بیشتری نیز برخوردار می‌شوند که باید با آسیب‌شناسی اصولی و بررسی کارشناسانه، راهکارهای تازه‌ای را برای رونق بیشتر این گونه نمایشگاه‌های کتاب پیدا کرد.

برگزاری بیش از بیست نمایشگاه در یک سال

پس از برگزاری نمایشگاه کتاب تهران، خرداد ماه نخستین فرصتی بود که ناشران کشور توانستند در نمایشگاه‌های استانی شرکت کنند.

در خرداد ماه سال جاری، نخستین نمایشگاه استانی، نمایشگاه کتاب خراسان شمالی بود که با استقبال بی‌نظیر مخاطبان شمال شرق کشور رو به رو شد.

در پنجمین نمایشگاه بزرگ کتاب خراسان شمالی بیش از ۱۸ هزار عنوان کتاب به مخاطبان عرضه شد. بر اساس اعلام موسسه نمایشگاه‌های فرهنگی کشور، صد و شصت و چهارمین نمایشگاه استانی کتاب در استان مرکزی از ۳۰ خرداد ماه سال جاری به مدت یک هفته در شهر اراک برگزار می‌شود و این نمایشگاه را هم می‌توان مهم‌ترین نمایشگاه کتاب کشور در تیرماه قلمداد کرد.

در دوره گذشته این نمایشگاه ۱۶۰ غرفه داشت و ۲۶۰ هزار جلد کتاب را قالب ۲۶ هزار عنوان در معرض دید عموم قرار داد. در این دوره ۲۰۰ ناشر کشوری و ۱۰ ناشر استانی کتاب‌های خود را عرضه می‌کنند.



وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
معاونت امور فرهنگی

فراخوان
سومین دوره
جایزه ادبی جلال آل احمد

سومین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد با مشارکت معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و موسسه خانه کتاب، دوم آذر ماه ۱۳۸۹، هم‌زمان با سالروز تولد نویسنده توانا و صاحب سبک، سید جلال آل احمد، برگزار می‌شود. موضوع‌های مورد ارزیابی هیئت داوران عبارتند از:

- داستان
- نقد ادبی
- تاریخ نگاری و مستند نگاری

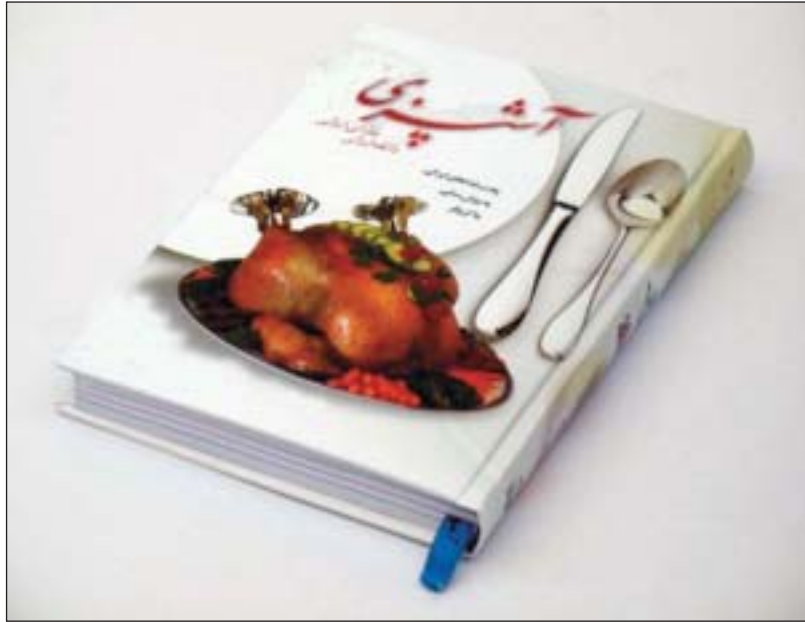
از تمامی نویسندگان، منتقدان، ادیبان، تاریخ نگاران و ناشران دعوت می‌شود، آثار خود را که در سال ۱۳۸۸ به چاپ رسیده است، تا تاریخ ۳۱ مردادماه ۱۳۸۹، به دبیرخانه ارسال کنند.

جایزه لغات برگزیده:

۱. لوح تقدیر به امضای وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی
۲. تندیس ویژه
۳. نشان ادبی جلال آل احمد
۴. ۱۱۰ سکه تمام بهار آزادی

نشانی دبیرخانه: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان فلسطین جنوبی و برادران مظفر، ساختمان شماره ۱۰۸۰، طبقه ۲ -
تلفن: ۶۶۹۶۶۲۱۴ - تلفکس: ۶۶۹۶۶۲۱۸

کتاب هایی که پخته نشده می سوزند!



یکی از انواع کتاب هایی که در حوزه آثار هنری دسته بندی می شوند، کتاب های آشپزی و شیرینی پزی اند؛ کتاب هایی که به مرور زمان از متن زندگی در قالب علم و درس درآمدند و افرادی با مهارت، و تخصص در این عرصه کوشیدند علاوه بر این که این حرفه یا هنر را به تعالی نزدیک کنند، آن را به علاقه مندان و هنرجویان هم بیاموزند. در این مسیر بود که برای از میان رفتن آموخته ها، مهارت و تجارب خود، دست به قلم بردند تا آموخته های خود را برای همیشه در حافظه تاریخ ثبت کنند.

برخلاف برخی کتاب ها که بدون داشتن پیش زمینه های علمی و آگاهانه نمی توان به سراغ آنها رفت و دست پر بازگشت، کتاب های آشپزی در شمار معدود آثاری اند که علاوه بر تعدد و تنوع مخاطبان، با دست یا شکم خالی نمی توان از تورق آنها بازگشت! در بسیاری از موارد حتی دیدن تصاویر این کتاب ها با انواع تزئینات، رنگ بندی ها و استفاده از مواد طبیعی، دعوت نامه ای برای ورود به دنیای این دسته از کتاب هاست.

طبیعی است که هر نوع تالیف و پژوهشی آسیب ها و دشواری هایی همراه دارد، این گزارش می خواهد از طریق همراهی با حرف دل برخی از آشپزان حرفه ای که نویسندگان توانمندی نیز در این عرصه اند، شیرینی، دشواری، مصائب و لذات نشانند این حرفه و هنر را بر دل کاغذ مرور کند. البته در این وادی، افرادی موفق اند که ابتدا در حوزه حرفه ای شان توانمندی خود را به اثبات رسانده باشند، سپس گام در تالیف کتاب بردارند. از این رو، نخست به گفت و گو با حمیدرضا رنجبر استاد آشپزی، مربی هتلداری، نویسنده و نقش بدل پرویز پرستویی سرآشپز سریال آشپزباشی می نشینیم که علاوه بر تسلط در حرفه خود، نویسنده ای توانمند است.

این مربی آشپزی، آموزش های کافی غذاها را در کمترین ستور و کامل ترین بیان، یکی از عوامل موفقیت اثر و کاربردی شدن آن می داند و معتقد است: «آثاری که توضیحاتی اضافی و جزئی را به خواننده می دهند، او را از اصل آموزش و هدفی که باید با پیمودن این مسیر به آن برسد، دور می سازند و تاحدی بی علاقه و عدم توانمندی را در او تقویت می کنند.»

نویسنده کتاب «آشپزخانه رنجبر» با تاکید بر این که «بالاخره باید در نوشتن کتاب های آشپزی تحولی ایجاد شود» عنوان می کند: «تا چه زمانی می خواهیم غذاها را به گونه ای آموزش دهیم که ساعت ها برای پخت آنها زمان لازم است در حالی که همان غذا را می توان با رعایت برخی اصول آشپزی نظیر نحوه برش زدن گوشت و مرغ، زمان و نحوه قرار دادن روی شعله اجاق و افزودن سایر مواد، در کوتاه ترین زمان و با کیفیت عالی درست کرد و به دیگران نیز آموخت.»

با توجه به این که در عصر تکنولوژی و سرعت زندگی می کنیم، افراد اگر چه تمایل نیز داشته باشند، فرصتی برای طبخ شش ساعته یک غذا ندارند، اکنون که حتی اغلب بانوان نیز در صحنه فعالیت های اجتماعی حضور پررنگ تری یافته اند، در صورتی که بخواهند نیز، نمی توانند فرصت کافی برای درست کردن غذاهای گوناگون داشته باشند. در چنین شرایطی است که روی آوردن به غذاهای فوری (فست فودها) گسترش می یابد و در پی آن، انواع کمبودهای غذایی و بیماری های داخلی،

گوارشی، پوستی و ... به مرور زمان رخ می نمایند. یکی از راهکارهایی که در این زمینه وجود دارد، رفتن به سوی تهیه غذایی است که با حفظ اصالت مواد اولیه، در کمترین زمان ممکن مهیا شود و مواد غذایی، ویتامین ها و مواد عالی خود را نیز حفظ کند. از دیگر راهکارهایی که در این زمینه به ذهن متبادر می شود، کمک گرفتن از متخصصان و آشپزان حرفه ای و توسعه دانش و مهارت آنها در سایه سار کتاب است.

رنجبر با انتقاد از این موضوع که «تا چند سال دیگر می خواهیم اشتباهات آشپزی گذشته را تکرار کنیم و در کتاب ها نیز به همان صورت بنویسیم؟ تا کی خورش قیمة ای را که می توان در ۴۵ دقیقه به خوبی درست کرد، در سه ساعت بپزیم و به تدریج آن را از زندگی های جدید به کناری بگذاریم؟» می گوید: «مختصر نوشتن کتاب های آشپزی نه تنها موجب کاهش سطح علمی آنها نمی شود، بلکه چون این مهارت با زبانی ساده آموزش داده می شود، مخاطبان اثر با سرعت بیشتری موفق به تهیه غذا خواهند شد.»

وی می افزاید: «زمانی که عاشق کتاب های آشپزی شدم و برای نخستین بار یکی از آنها را گشودم، با طرز تهیه غذاهایی در چندین صفحه مواجه شدم و تصور کردم در این عمری که از خداوند می گیرم، چقدر می توانم غذاهای گوناگون را یاد بگیرم؟ از این رو بود که کوشیدم با مطالعه کتاب های آشپزی ایرانی و غیر ایرانی، کار در محیط های حرفه ای و تدریس، علاوه بر آموختن این حرفه، آن را به سادگی به دیگران بیاموزم.»

مربی و منتقد حوزه آشپزی بیان این که کتاب های آشپزی باید با حذف مواد زائد غذایی، استفاده از مواد اولیه ارزان و گران قیمت (تنوع استفاده از مواد گوناگون) به تزئینات غذا، که یکی از عناصر انگیزشی به ویژه برای کودکان است، توجه داشته باشند، یادآور می شود: «افرادی نیز باید در زمینه نوشتن کتاب های آشپزی حضور یابند که خود در این حرفه تخصص و مهارت دارند تا به آموخته ها، داشته ها و آنچه مخاطبان در پی آنند، آسیبی وارد نشود.»

وی یکی از مسایلی آشپزی را دوری نسل جدید از غذاهای سنتی و گرایش آنان به غذاهای فوری (فست فودها) می داند و معتقد است: «در این راه باید با تغییر ترکیب برخی غذاها و تاحدی تغییر

موفقیتی بزرگ می داند. این مربی آشپزی اهل همدان که تمامی آثارش را از طریق انتشارات هانی که همسرش، عبدالحمید حاجیان مدیریت آن را برعهده دارد، منتشر می کند، یکی از دلایل این کار را اعتماد نداشتن به ناشران دیگر می داند و می گوید: «نخستین باری که می خواستم کتابم را از طریق همکاری با ناشر دیگری به چاپ برسانم، متوجه شدم بخش هایی از آن سرت و در قالب های دیگری به چاپ رسیده است که پیگیری این موضوع و اثبات آن، ماه ها زمان و انرژی مرا گرفت. حالا به این نکته رسیده ام تا زمانی که کتابم منتشر نشده است، درباره موضوع آن با هیچ فردی صحبت نکنم یا معرفی از کاری که در دست اقدام دارم نداشته باشم؛ چرا که هر گاه این کار را انجام دادم، اثرم به سرت رفت!»

گوهریان با بیان این که «وقتی می بینم از روی کتابم الگوبرداری شده است، از سویی خوشحال می شوم که توانسته ام نمونه موفقی در این حوزه باشم»، با ابراز تاسف می گوید: «اما از این موضوع نیز ناراحت می شوم که چرا دیگران به جای تولید به فکر سوء استفاده از تولیدات دیگرانند.»

نویسنده کتاب «سفره های هفت سین» در پاسخ به این سوال که «در این حوزه چه آثاری موفق ترند؟» می گوید: «به عنوان یک خواننده کتاب و مربی آشپزی لذت می برم وقتی کتابی را باز می کنم که مطالب آن در هیچ اثر دیگری نیستند. به عنوان مثال خورش قیمة غذایی عمومی است که در هر کتاب آشپزی وجود دارد، اما طریقه نوشتن تهیه آن غذاست که تفاوت دارد. غذای هر فردی نظیر اثر انگشت، منحصر به فرد است. تصور نمی کنم دست پخت هیچ دو نفری کاملاً شبیه به یکدیگر باشد، یعنی اگر کتاب دو نفر شبیه یکدیگر باشد، فردی از دیگری سرت کرده است.»

نویسنده کتاب «سفره های آسمانی» یکی از آثار مرجعی را که سرت های فراوانی از آن صورت گرفته است کتاب آشپزی مرحوم رزا منتظمی یکی از استادان و مربیان نامی این حوزه می داند و با اشاره به این که وکیل دختر این مربی همچنان در حال پیگیری این موضوعات است، او روند پیگیری های قضایی این حوزه را با کندی مواجه می داند و معتقد است: «این آسیب یکی از نتایج عدم وجود قانون حق مولف (کپی رایت) در ایران است چرا که نه تنها در ترجمه آثار بلکه در تالیفات داخلی نیز حقوق اصلی صاحب اثر رعایت نمی شود.»

این آسیب که اغلب کتاب ها را تهدید می کند، علاوه بر این که زمان زیادی از نویسندگان را برای احقاق حقوقشان صرف می کند، انرژی زیادی را که آنها می توانند در تالیف اثر دیگری بگذارند به خود معطوف می کند.

نویسنده کتاب های آشپزی و شیرینی پزی با بیان این که «آرزو می کنم روزی سرت ادبی و دزدیدن آثار را کنار بگذاریم، اظهار می دارد: «در نمایشگاه کتاب نیز آثاری را دیدم که از قالب تا محتوا و

دسته بندی موضوعات از بسیاری از آثار مرجع این حوزه یا کتاب های من الگو برداری کرده بودند. حاضرم سوگند یاد کنم که نیمی از پدیدآورندگان کتاب های این حوزه که به سرت ادبی می پردازند، وجود خارجی ندارند. بزرگ ترین معضل نویسندگان در این حوزه، سرت محتوای اثر است. این موضوع که قانون حق مولف هنوز در ایران جایگاهی ندارد، علاوه بر نویسندگان به مخاطبان آثار نیز از طریق تولید کتاب های کم ارزش، آسیب می زند.»

همواره اثرم به سرت رفته است!

پر یا گوهریان نویسنده بیش از ۶۵ کتاب آشپزی و شیرینی پزی، عشق را از بزرگترین محرک های پیمودن این راه می داند. او از داوران حوزه آشپزی سنتی شناخته شده و در شمار نخستین افرادی است که کتاب های آشپزی و شیرینی پزی را در قطع جیبی در ایران به چاپ رسانده است. همچنین در مسابقات خارج از کشور، رتبه چهارم را در حرفه خود به دست آورده و توان حضور در این عرصه ها را



نحف دریابندری یکی از بهترین مترجم‌های معاصر است. او با ترجمه آثاری از شاخص‌ترین نویسندگان جهان همچون مارک تواین، ارنست همینگوی، ویلیام فاکنر و دکتر ف، سهم بزرگی در معرفی ادبیات جهان به فارسی‌زبانان دارد و با ترجمه و تالیف کتابی همچون «چنین کنند بزرگان» نشان داد که در عرصه نوشتن هم قدرتمند است. هفته قبل دریابندری، برای دومین بار دچار سکنه مغزی و راهی بیمارستان شد. هرچند او چند روز بعد به خانه بازگشت، اما هنوز کاملاً سلامتی اش را بازیافته است. گفت‌وگوی زیر قبل از این حادثه با او انجام شد. این مترجم پیشکسوت، پاسخ‌های دقیقی به پرسش‌های ما داده است.

نحف دریابندری، مترجم و نویسنده:

تئوری‌ها ما را به جایی نمی‌رسانند

یعنی شما به مترجم حرفه‌ای اعتقاد ندارید؟

ما حتماً باید در عرصه ادبیات حرفه‌ای عمل کنیم، یعنی مترجم باید بابت کاری که انجام می‌دهد، حقوق دریافت کند. اما از آنجا که ادبیات یک امر ذوقی است، حتماً او باید کاری را که انجام می‌دهد دوست داشته باشد. مترجم نمی‌تواند کتابی را که هیچ ارتباطی با آن برقرار نمی‌کند ترجمه کند. البته شاید بتوان این گونه هم کار کرد، اما این به طور قطع اگر با علاقه مترجم همراه باشد، نتیجه بهتری خواهد داشت. به گونه‌ای دیگر هم می‌توان کار کرد. مثلاً ناشری که علائق و سلیقه مترجم‌رامی شناسد، می‌تواند به او پیشنهادهایی بدهد. در نهایت آنچه اهمیت دارد، نتیجه کار است.

شما در گذشته‌ای دور داستان‌های نوشتید و خیلی‌ها می‌گویند که کتاب «چنین کنند بزرگان» بیشتر به قلم شماست. چرا نویسنده نشدید؟

مهم‌ترین دلیلش ترجمه است. یعنی کار ترجمه اجازه نداد نویسنده شوم، البته نه به آن معنی که ترجمه وقت را برای نویسنده‌گی تنگ کرده باشد، بلکه از آن رو که شما وقتی آثار نویسندگان بزرگ جهان را می‌خوانی، حس می‌کنی نمی‌توانی بهتر از آنها بنویسی و دست از کار می‌کشی. من در سن خیلی کم با ادبیات انگلیسی آشنا شدم. شاید اگر در سنی بالاتر این ادبیات را می‌خواندم، اعتماد به نفسم کمی بالا می‌رفت و می‌توانستم کار کنم.

شما در گفت‌وگویی گفته بودید که در دوره دبیرستان، در درس زبان انگلیسی تجدید شدیدی. چطور شد که اینقدر به زبان انگلیسی علاقه پیدا کردید؟

متأسفانه نظام آموزش انگلیسی در ایران چندان خوب نیست، به همین دلیل خیلی از دانش‌آموزانی که می‌توانند در درسی مثل انگلیسی پیشرفت کنند، در نهایت در آن موفق نیستند. من نیز دچار همین مشکل شدم. اما خیلی سریع متوجه شدم که باید جلوی مشکل را گرفت. تمام طول تابستانی که در درس انگلیسی تجدید شدم، کار کردم و خواندم. من در طول همین سه سال، همه آنچه را که می‌خواستم آموختم. از آن به بعد همیشه بهترین نمره‌ام را در انگلیسی می‌گرفتم. اما اجرای مترجم شدنم، به همان دوران جوانی‌ام برمی‌گردد که حکومت شاه مرا دستگیر کرد و به زندان انداخت. در آنجا به ترجمه فکر کردم.

فکر می‌کنید اگر بار دیگر به گذشته برگردید، نویسندگی را انتخاب می‌کنید یا مترجمی؟

جواب دادن به این پرسش واقعا سخت است. آدم هیچ وقت نمی‌تواند با تجربه آموزش به گذشته برگردد. من اما با همین تجربه‌ای که الان دارم اگر بخوام به گذشته برگردم، باز نمی‌توانم دست از ترجمه بردارم. من همیشه فرصت داشته‌ام که نویسنده باشم. فرصت فیلمسازی هم داشته‌ام. اما فیلم دیدن را بیشتر دوست دارم. به جای نوشتن، ترجمه را هم بیشتر دوست دارم. گمان می‌کنم شاید برای ادبیات ما ترجمه بهتر باشد، چرا که ما موضوعات زیادی داریم که می‌توانیم درباره‌اش بنویسیم، اما به دلیل آنکه شاید ساختارها را نمی‌شناسیم، نمی‌توانیم این موضوعات را به خوبی پرورش دهیم. ادبیات جهان می‌تواند بهترین معلم ما باشد. بهتر است به جای خواندن تئوری‌ها، داستان و ادبیات بخوانیم. تئوری‌ها در نهایت ما را به جایی نمی‌رسانند، هرچند که خواندن آنها هم ضروری است.



یعنی مخاطب عملاً منظور نویسنده را نمی‌فهمد و آن را کنار می‌گذارد. ما نویسندگان بسیاری رداشته‌ایم که در ترجمه، چنین بلایی سرشان آمده و فراموش شده‌اند. یک نکته را هم نباید فراموش کنیم. ما در کشوری زندگی می‌کنیم که عادت کرده‌ایم مدام به هم غر بزینیم. من به شنیدن این حرف‌ها عادت کرده‌ام. شما بر چه اساسی کتابی را ترجمه می‌کنید؟ آیا تا کنون کاری را بر حسب سفارش انجام داده‌اید؟

شاید اگر شما می‌پرسیدید که کتاب‌ها را چگونه ترجمه نمی‌کنم، می‌توانستم پاسخ بهتری به شما بدهم. من هم مثل هر مترجمی، هر گاه کتابی تازه را می‌خوانم، با خودم می‌گویم که چقدر خوب است آن را ترجمه کنم. حتی بدترین کتاب‌ها هم چیزی دارند که دوستشان داری آنها به فارسی ترجمه کنی. یادم می‌آید زمانی که جوان بودم، کتاب «پیرمرد و دریا» را خواندم. خیلی دوست داشتم این کتاب را ترجمه کنم. حتی چند صفحه‌اش را هم ترجمه کرده بودم. اما به هر حال کار را ادامه ندادم. چند سال گذشت تا بر حسب کاری که برای تلویزیون انجام می‌دادم، ترجمه دوبله فیلم پیرمرد و دریا را به من سپردند. وقتی دوستان از ترجمه فیلم تعریف کردند، کتاب را هم ترجمه کردم. اما مدام با خودم می‌گفتم ترجمه این کتاب کار من نیست.

من کمتر پیش آمده ترجمه کتابی را به صورت سفارشی انجام دهم. به نظر من مترجم کتابی را که می‌خواهد ترجمه کند باید دوست داشته باشد. اگر چنین نباشد، شاید کار آنچنان که باید و شاید خوب از کار در نیاید.

به گمان من جوانان در این عرصه کمی جلوتر از ما هستند، چون آنها تماس بیشتری با جامعه دارند و همین باعث می‌شود که این تغییرات را به سرعت بیشتری در خود درونی کنند

سعدی را خوب خوانده باشد. سعدی، زبان فارسی را در این کتاب به نهایت رسانده است. باید این کتاب را خواند تا متوجه شد که زبان فارسی چه ظرافت‌ها و پتانسیلی دارد. بسیار شنیده‌ام که می‌گویند زبان فارسی، توانایی برگردان برخی از مسایل را ندارد. مثلاً برخی می‌گویند که زبان فارسی در عرصه ترجمه فلسفه توانا نیست. ما در این عرصه ضعف‌هایی داریم، اما مشکل بزرگتر ما این است که ظرفیت‌های زبان فارسی را نمی‌شناسیم. ما باید بدانیم که چطور می‌توان واژه‌سازی کرد، چطور می‌توان توصیف‌ها را به کار برد، دستور زبان فارسی را خوب بشناسیم و هضم کرده باشیم. اگر چنین کنیم در خواهیم یافت که می‌توان موفق‌تر عمل کرد. مترجمی که چنین توجهی به زبان فارسی نداشته باشد، قطعاً مدام می‌نالد و شکایت می‌کند.

البته باید همین‌جا بگویم که مترجمان جوانی را می‌شناسم که به این مسایل توجه دارند و همه در تلاشند تا فارسی ترجمه خود را چنان تنظیم کنند که مخاطب آن را متوجه شود.

برخی این انتقاد را به شما وارد می‌کنند که در ترجمه‌هایتان وفاداری را فدای زیبایی می‌کنید. خودتان در این مورد چه می‌گویید؟

وفاداری به متن، یکی از مهم‌ترین مسایلی است که یک مترجم باید به آن توجه کند. وگرنه، شما می‌توانی کتاب «پیرمرد و دریا» را در ترجمه تبدیل کنی به قصه «حسین کرد شبستری». من هم به عنوان یک مترجم همیشه به این مسایل توجه داشته‌ام و خواهم داشت. اما ما نباید یک نکته را فراموش کنیم و آن مفهوم بودن ترجمه است. برخی از مترجم‌ها دقیقاً شبیه ماشین ترجمه عمل می‌کنند. یعنی برایشان مهم نیست متنی را که ترجمه می‌کنند، کسی بفهمد یا نه. آن‌ها نعل به نعل ترجمه می‌کنند و خیلی خیلی به متن اصلی توجه ندارند. در نتیجه مخاطب فارسی‌زبان به دلیل تفاوت‌های فرهنگی متوجه نمی‌شود منظور نویسنده چیست. ما باید خود را به جای نویسنده بگذاریم و فکر کنیم که او اگر به فارسی می‌نوشت، چطور عمل می‌کرد. این گونه است که می‌توانیم عبارات او را به طور مفهوم برای مخاطب فارسی‌زبان برگردانیم.

چنانچه گفتم، برخی از دوستان به این مسایل توجه ندارند و این نکته گاهی به مرگ آن کتاب می‌انجامد.

شما به نسلی از مترجمان تعلق دارید که به جرات می‌توان گفت این هنر را در ایران نهادینه کرده‌اند. اما اکنون نسلی در ترجمه پدید آمده که با همه احترامی که به نسل شما می‌گذارد، نگاهی متفاوت به این عرصه دارد. تا چه اندازه با این دیدگاه‌ها آشنا هستید؟

من نمی‌توانم درباره همه کسانی که هم دوره‌ام بوده‌اند حرف بزنم، اما اگر بخواهم از طرف خودم پاسخی به سوال شما بدهم، باید عرض کنم که همواره کوشیده‌ام تا خودم را به عنوان یک مترجم به روز نگاه دارم. یک مترجم باید در سه جبهه خودش را به روز کند؛ نخست آنکه متوجه باشد زبانی که از آن ترجمه می‌کند چقدر تغییر کرده و در حال چه تغییری است. مثلاً ما که از انگلیسی ترجمه می‌کنیم باید حواسمان جمع باشد که چه تغییری در زبان انگلیسی ایجاد می‌شود. اتفاقاً این زبان از آن زبان‌هایی است که مدام در حال تغییر است. هر روز واژه‌های زیادی وارد آن می‌شود و مردمی که به انگلیسی صحبت می‌کنند، اصطلاحات زیادی را به کار می‌برند که باید آنها را آموخت. مترجم اگر به این مسایل توجه نکند خیلی زود توانش را از دست می‌دهد.

و آن دو ویژگی دیگر؟

مهارت دوم، یادگیری و توجه به تغییر و تحول زبان فارسی است. ما مترجم‌ها گاهی فراموش می‌کنیم که زبان فارسی تا چه اندازه مهم است. گمان می‌کنیم از آنجا که زبان فارسی، زبان مادری ما است، آن را به خوبی بلدیم. اما برای آنکه پاسخ شما را بدهم و از ماجرا دور نیفتیم باید بگویم زبان فارسی نیز مدام در حال تغییر و تحول است، مخصوصاً این روزها که واژه‌ها و عبارات زیادی وارد زبان می‌شود. ما به عنوان مترجم باید به این تغییرات توجه داشته باشیم. به گمان من جوانان در این عرصه کمی جلوتر از ما هستند، چون آنها تماس بیشتری با جامعه دارند و همین باعث می‌شود که این تغییرات را به سرعت بیشتری در خود درونی کنند. اما جوان‌ها مشکل دیگری با زبان دارند که اگر خواستید به آن هم می‌پردازیم.

اما سوئمن جبهه‌ای که یک مترجم باید در آن خود را به روز کند، توجه به نویسنده‌های معاصر است. بارها به من گفته‌اند که توجه را روی کتاب‌های نویسنده‌ای چون همینگوی متمرکز کنم و از پراکنده‌کاری بپرهیزم. مثلاً زمانی که داشتم کتابی از کازنو ایشی گورو را به فارسی ترجمه می‌کردم، خیلی‌ها به طعنه می‌پرسیدند: که این کیه؟ یا دوستی می‌گفت زاپنی یاد گرفتی؟ اما وقتی کتاب منتشر شد، استقبال خوبی از آن کردند. من معتقدم که یک مترجم باید مرتباً در رصد باشد تا نویسنده‌های جدیدی را کشف کند. البته در این عرصه می‌توان افراط و تفریط هم کرد. گاهی برخی دوستان مترجم، گمان می‌کنند هر نویسنده‌ای که تازه کار است، قابل معرفی است در صورتی که چنین نیست. ما باید نویسندگانی را معرفی کنیم که ارزش معرفی داشته باشند.

گفتید که مترجمان جوان یک ویژگی را در عرصه زبان فارسی ندارند. این ویژگی چیست؟

مترجمان جوان دو مهارت را کمتر دارند. البته به طور عمومی. اول آنکه تجربه آنها کم است و تجربه در ترجمه کارایی بسیار زیادی دارد. علاوه بر این مترجمان جوان ما توجه کمی به گنجینه‌های ادب فارسی دارند. مثلاً کمتر مترجمی را داریم که گلستان

یادداشتی بر رمان «بازمانده روز» اثر کازوئو ایشی گورو
ترجمه نجف دریابندری

شب، بهترین تکه روز



گامی دیگر از نردبان تشخیص بالا جهیده است. ایشی گورو با قرار دادن راوی استیونز در پشت نظر گاهی خاص، که در واقع ترکیبی دارد بر خوردار از سه ویژگی اغفالگر، خودآگاه و دخالتگر، ضمن حفظ همه تناسب‌ها و تعادل‌های لازم در استخوان بندی و سازماندهی داستان، به رغم نوعی تنگنای ناگزیر که روایتگری را محدود می‌کند با تاکید بیشتر بر ویژگی نظرها راوی اغفالگر از جهل و حماقت شخصیت محوری رمان، به همراه خودبینی و خودآگاهی او و ایضا مداخله‌گری‌های این راوی در جریان روایت و به پیش و پس رفتن و حاشیه‌پردازی‌ها و داوری‌ها و اظهار نظر کردن‌های مستقیم او درباره هر کس و هر چیز، به خوبی بهره می‌گیرد تا خواننده را در رابطه‌ای عجیب با راوی درگیر کند. از این رهگذر است که شخصیت راوی پیش و بیش از آن که برای خود او روشن و شناخته باشد، در منظر خوانندگان رمان روشن و شناخته و باز شناخته می‌شود. با شروع روایت، ملالی که زندگی بسته و مشغله تا حدی مسخره استیونز برمی‌انگیزد - بدون آن که این ملال و مضحکه به آهنگ و حرکت داستان رخنه کند و ادامه خواندن رمان را با کسالت و خستگی توأم سازد - خواننده راه گفته و ناگفته به تقابلی عجالتا مبهم با راوی داستان و نوع زندگی او وامی‌دارد.

تداوم این تقابل به لطف تلون و گونه‌گونی هر حلقه از زنجیره روایت که با منطق مستحکم داستانی به حلقه بعدی وصل می‌شود مخاطب را با راوی و شخصیت کمی نفرت‌انگیز و در عین حال جذاب او به گونه‌ای درگیری و ستیز نهان می‌کشاند. این راوی غیر قابل اعتماد به خودش هم دروغ می‌گوید، استعداد شگفتی برای درگیر کردن خواننده با خود، با او و با کل داستان دارد.

«آقای فارادی فرمودند: «جدی می‌گویم، استیونز درست نیست که آدم فرصت دیدن سرزمین خودش را نداشته باشد. حرف مرا گوش کن. برو چند روزی یک هوایی بخور.» همان‌طور که قطعا انتظار دارید بنده آن روز پیشنهاد آقای فارادی را ابدا جدی نگرتم؛ گفتم این هم لابد از زمره همان موارد معروف عدم اطلاع آقایان آمریکایی است از این که در انگلستان چه اموری معمول است و چه اموری معمول نیست. اما در طول چند روز بعد نظرم راجع به آن پیشنهاد تغییر کرد.

یعنی این که خیال مسافرت به وست کانتری رفته رفته بر خیالات دیگر غالب شد. علت این امر هم مسلما آن بود که - چرا پنهنان کنم؟ - نامه‌ای از میس کنتن دریافت داشتم، که اگر از کارت‌های تبریک عید کریسمس قطع نظر کنیم، اولین نامه او بود که بعد از هفت سال از گار به دستم می‌رسید. ولی اجازه بفرمایید منظورم را روشن کنم؛ می‌خواستم عرض کنم همین نامه میس کنتن باعث شد که یک سلسله خیالات مربوط به امور حرفه‌ای در این سرای دارلینگتن از خاطرم بگذرد، و قطعا به واسطه اشتغال خاطر به همین خیالات مربوط به کار و حرفه بود که پیشنهاد محبت آمیز ارباب رامجددا مطمح نظر قرار دادم. حال اجازه بفرمایید قضیه را بیشتر بشکافم. حقیقت مطلب این است که در خلال چند ماه گذشته بنده مرتکب بعضی خطب‌های جزئی در ایفای وظایف خود شده‌ام.

ادامه در صفحه ۱۳

زیبایی شناسی هنر و حقیقت، که در «بازمانده روز» به رغم محدودیت ذهن و زندگی سرد و بی‌روح راوی (استیونز) - هر چشم انداز را ابتدا زنده می‌سازد تا بعد در تپش ناگزیر هستی، اشخاص، اشیاء و وقایع را به نوعی هویت دهد و معنی کند، با این تفصیلات می‌بینیم که «بازمانده روز» اساسا زمانی متعارف نیست، و در حرکت از ساختار و شکل به مضمون و محتوا، و از محتوا و مضمون به شکل و ساخت، چند لایه به نظر می‌رسد. در سطح عادی و بیرونی داستان، زندگی و مشغله یک پیشخدمت درجه اول انگلیسی بازگو می‌شود. استیونز که خود به عنوان راوی اول شخص گشودن کلاف در هم پیچیده روایت را بر عهده دارد، سه دهه از بهترین سال‌های عمر خود را در خدمت به زعم خودش صادقانه برای یک لرد سیاست‌باز گذرانده است. او بی‌آنکه خود به درستی بداند و بخواهد بداند، به شیوه پیچیده و ریاکارانه‌ای به میس کنتن، سرخدمتکار سرای لرد دارلینگتن دل بسته بوده است. اما نوعی خویشنداری برآمده از خشک طبعی برتری طلبانه مانع از آن می‌شود که این عشق بر زبان آید، یا حتی به اشاره‌ای یا نشانه‌ای امکان بروز پیدا کند. در این میانه میس کنتن - که از ورای تکه پاره‌های روایت استیونز چهره‌ای انسانی و سرشتی نیک خواه به خود می‌گیرد - با شیوه‌هایی مألوف که در عین حال حاکی از شخصیت عاطفی و مناعت اوست، توجه و محبت خود را به استیونز بروز می‌دهد. ولی استیونز مقید به وظایف و آداب خاص یک پیشخدمت درجه اول انگلیسی که خود را متشخص یافته است، با چند خطای احمقانه و برآمده از خودبینی کوره، فرصت و بخت را از دست می‌دهد تا بعدا، پس از بیست‌سی سال که دیگر همه چیز از کف رفته است، با اندوه و حرمان فروخورده به یاد آورد که بهترین روایی همه زندگی‌اش را برای همیشه باخته است. در لایه دیگر داستان سیمای لرد دارلینگتن وضوح می‌گیرد و این واقعیت منحوس بر ملا می‌شود که جناب لرد در سال‌های قبل از شروع جنگ دوم، سنگ آلمان هیتلری را به سینه می‌زده و با طرفداری از نظام تازه به دوران رسیده آلمان نازی، به کشور و ملتش خیانت می‌کرده است. و در آن موقعیت استیونز هم به نوبه خود سخت بر این اعتقاد پی می‌فشرده و با ارائه خدمات ویژه - به عنوان یک سرپیشخدمت تمام عیار و به شدت متشخص انگلیسی، حضرت دارلینگتن را در راه هدف‌های بزرگ جهانی یاری می‌کرده است. استیونز در مسیر این سرسپردگی تا جایی پیش می‌رود که پدر پیر و از پافتاده‌اش را در بستر مرگ به حال خود رها می‌کند، مبادا نتواند به طرز شایسته به میهمانان عالیقدر اربابش خدمات برساند. او درست در شبی که یک کنفرانس محرمانه برای کمک رساندن به دوستان آلمانی لرد در خانه او برپا شده خبر از پافتادن پدرش را می‌شنود. پدر او که به نوبه خود سال‌های سال یک پیشخدمت درجه اول و متشخص در خدمت به اشرافیت امپراطوری انگلستان بوده، در اتاقت زیر شیروانی سرای دارلینگتن جان می‌سپارد اما پسرش - در فاصله چند قدمی با او - به دلیل شوریدگی در انجام وظیفه سرپیشخدمتی فرصت پیدا نمی‌کند که در آخرین لحظه‌های زندگی پدر بر بالین او بنشیند. استیونز از این بابت هم بر خود می‌بالد و با افتخار به این تلقی می‌رسد که در این حادثه هم

می‌خورد. در شب‌های بعد، استیونز ضمن بازنگری روزها و سال‌های عمر رفته، در ابهامی که خود بر خویشتن تحمیل کرده، کم و بیش به این واقعیت می‌رسد که ارباب سابقش لرد دارلینگتن، به طرز مرموز در کشور خود آلت دست سیاست‌های هیتلر بوده، و خود او هم این گمان را داشته که با خدمت تمام عیار به لرد دارلینگتن به پیشبرد امری بزرگ و سرنوشت‌ساز در اروپا و از آن فراتر، در جهان یاری می‌رسانده است. و از این رهگذر در حد یک «باتلر» شش دانگ انگلیسی به شیوه‌ای خودنمایانه و در نهان پیچیده، احساس تشخیص می‌کرده است. استیونز تنها در خلال سفر شش روزه‌اش گویا برای اولین بار مجالی برای مرور گذشته‌ها و تأمل بر وقایع رفته پیدا می‌کند و در پایان، هنگامی که به دیدار میس کنتن، یا در واقع زنی پا به سن گذاشته به نام «خانم بن» نایل می‌شود و می‌شنود که سرخدمتکار سابق سرای دارلینگتن به زودی مادر بزرگ خواهد شد، رویای تپاه شده خود را به یاد می‌آورد. او به وقت شامگاه، نشسته بر سکوی ساحلی، با حسی سنگین از دریغ و اندوه بر باقی مانده رنگ باخته هستی خود می‌آویزد، به آنچه از روز و تمه غروب بازمانده است. رمان «بازمانده روز» را شاید بتوان در جمله‌ای کوتاه، این گونه تعریف کرد: داستان فریب، خود فریبی، زوال ناگزیر و محتوم در پرهیزی از بی‌معناشدگی، و دریغ. این مضمون کهنه در موضوع‌های پیش پا افتاده، به لطف تازگی و طراوت ساخت، از گذشته‌های انسان برمی‌آید و مدار امروز را درمی‌نوردد تا شاید با رجاع به ذات نارسای هستی و سرشت مبهم بشری، راه به آینده بجوید. همه جلای این داستان بازمی‌گردد به توانایی زبانی نویسنده که با ظرفیت ذهنی و سنجدگی هنرمندانه، قابلیت‌های پنهان کلمات به ظاهر مستعمل را دریافته و در باز آفرینی داستانی آن ظرافت و حوصله به خرج داده است. ایشی گورو با به کار بردن کلیشه‌های فرسوده زبان نوکر مآب، منشی صفتانه و بی‌جان، ولی پرفلت و لعاب، کاری بسیار حساس و پرمخاطره را از سر گذرانده است. نکته اینجاست که او با تمهیدی هوشمندانه ما به ازای داستانی شده این زبان را به کار می‌برد و در تناسب با خصوصیات راوی داستان و تلفیق ویژگی زاویه دید خودآگاه، اغفالگر و دخالتگر، روایتی گیرا و جان‌دار را به پیش می‌برد. او با این شگرد از زبانی نیمه مرده و سرشار از تصنع و تاریکی، با آگاهی و سنجدگی بهره می‌گیرد و در واقع اثاث و مصالحی به غایت کهنه و فرسوده را به مثابه مصالح و اثاثیه‌ای نو در ساختمان مستحکم یک رمان خواندنی و به یادماندنی به کار می‌گیرد. طرفه‌تر این که از خلال زبان و لحن رسمی راوی غالبا عصافورت داده، نوعی شاعرانگی کمیاب جلوه‌ای نهانزا می‌یابد. این کیفیت بازمی‌گردد به

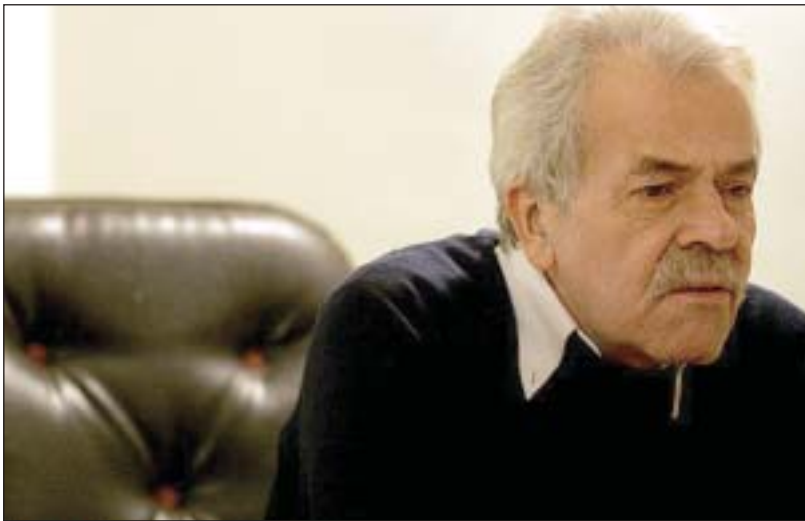


همه جلای این داستان باز می‌گردد به توانایی زبانی نویسنده که با ظرفیت ذهنی و سنجدگی هنرمندانه، قابلیت‌های پنهان کلمات به ظاهر مستعمل را دریافته و در باز آفرینی داستانی آن ظرافت و حوصله به خرج داده است

«در ابتدا کلمه بود نزد خدا بود و کلمه خدا بود.» (انجیل یوحنا - باب اول)

بی‌هیچ دلیل روشن و دم‌دستی، ولادت تنها با درنگی مسامحه آمیز بر طنزی پنهان و یکسره متفاوت با شوخ طبعی‌های رایج در بخش بیرون‌زندی انگلیسی، که ته‌رنگی ثابت بر سراسر رمان «بازمانده روز» نشانده، می‌توان گوشه چشمی به آغاز ناگهانی یکی از اناجیل چهارگانه داشت و نداشت. به اعتبار تاویلی ساده از کلمه به کلام و زبان، تکیه‌گاه اصلی کازوئو ایشی گورو در «بازمانده روز» قوت زبانی و انتخاب نظر گاه مناسب است. در این رمان، کل ساختار که در نگاه نخست چندان بداعتی ندارد، از میان سازماندهی مجموع عناصر و اجزاء سازنده‌اش، پیش و بیش از هر عنصر، بر عنصر نظر گاه و در متن آن بر زبان تکیه دارد. نویسنده ژاپنی تبار «بازمانده روز» که در بستر فرهنگ انگلیسی پرورش یافته، متکی بر تنوع و گسترده‌گی ادبیات داستانی و سنت دیرپای رمان نویسی انگلیسی، توانمندی خود را به لحاظ کاربرد زبان و لحن آزموده و در عرصه‌ای تنگ و دشوار (نوشتن از دیدگاه و زبان یک پیشخدمت خاص انگلیسی) از پس کاری بزرگ و سنگین برآمده است. تازگی و قوت کار ایشی گورو در این رمان، نه حاصل کشفی تازه است و نه چندان ربطی به درونمایه، موضوع یا موضع‌های اثر دارد. آنچه بازمانده روز را بر جستگی می‌بخشد، بر خورد نو سنجدید با عنصر زبان در استخوان بندی یک رمان امروزی و تلفیق هوشمندانه زاویه دید چند راوی در نظر گاه یک راوی اول شخص به ظاهر متعارف اما در باطن غریب و به اصطلاح چالش برانگیز است. ترکیب ذاتی راوی اغفالگر، راوی خودآگاه و راوی دخالتگر، مجالی فراهم می‌آورد برای محتمل ساختن هر واقعه، هر پندار و هر حماقت موجه و به ظاهر چاره‌ناپذیر، این راوی - در همخوانی هنری و زیباشناختی هر جزء اثر با دیگر اجزاء و در هماهنگی اجزاء با کل ساختار رمان - روایتی یادداشت‌مانند را برای مخاطبی که نهایتا خود راوی هم می‌تواند باشد، به پیش می‌برد و به سرانجام می‌رساند. پیش از پرداختن به کیفیت کاربرد نظر گاه، زبان و لحن خاص در بازمانده روز فشرده‌ای از قصه این رمان را در منظر می‌آوریم. شخصیت محوری رمان، که با زاویه دید «اول شخص مفرد» بار روایت را بر دوش می‌کشد یک پیشخدمت درجه یک و تراز اول انگلیسی است به نام «استیونز». استیونز در آستانه پیری و مدتی پس از فوت ارباب سابقش لرد دارلینگتن، همزمان با خریدار شدن سرای اشرافی لرد متوفی توسط یک ثروتمند آمریکایی به نام آقای «فارادی»، به خدمت این ارباب جدید در می‌آید. ارباب جدید به او پیشنهاد می‌کند که در غیاب وی که قصد سفری به آمریکا دارد، تن به گردشی چند روزه بدهد و نفسی تازه کند. ارباب جدید سخاوت به خرج می‌دهد و اتومبیل فوردش را در اختیار او می‌گذارد، با این گشاده دستی که پول بنزیش هم با من استیونز که اخیرا نامه‌ای از خانم «بن» - «یا میس کنتن» - سرخدمتکار سابق سرای دارلینگتن دریافت کرده، تصمیم می‌گیرد ضمن گردش در ولایاتی از مملکتش، به سراغ میس کنتن هم برود. در شب نخستین روز سفر شش روزه‌اش، به مرور ذهنی نامه میس کنتن مشغول می‌شود و به خود می‌باوراند که آن سرخدمتکار سابق سرای دارلینگتن - به رغم گذشتن حدود بیست سال از زمان ترک خدمت و عزیمت به «وست کانتری» و شوهر کردن - از زندگی خود رضایتی ندارد و حسرت دوران خدمت در سرای دارلینگتن را

نجف دریابندری و زبانی متفاوت برای ترجمه



دهه ۱۳۴۰ تنها دوره شکوفایی شعر و داستان امروز نبود. در آن سالها ترجمه نیز جان تازه ای گرفت، گستره گزینش کتاب برای ترجمه وسیع تر شد و تنوع بیشتری یافت. علاوه بر این مترجمانی پای به راه نهادند که نگاهشان به ادبیات و زبان با نگاه پیشینیان متفاوت بود. اگر چه حرکت جدید ترجمه بعد از سال ۱۳۲۰ و سقوط رضاشاه و باز شدن موقت فضای سیاسی آغاز شده بود و از جمله در دهه ۱۳۳۰ مترجمان جست و جوگر روی به ادبیات بعد از جنگ اول و دوم جهانی آورده بودند و نشانه هایی از تحولات شگفت این ادبیات را در نشریاتی چون سخن یا به صورت کتاب منتشر کرده بودند. در آن سالها چیرگی فضای سیاسی اغلب نویسندگان و شاعران را به سوی سیاست کشانده بود. از این رو بخش عمده ای از آنچه ترجمه شد انگیزه و مقصد سیاسی داشت، هر چند در آن میان برخی از آثار پرارزش ادبی نیز به چشم می خورد. پاره ای دیگر نیز در هر حال کارهایی بود پاسخگوی نیازهای آن زمانه توفانی و پرماجر.

باری، برای ما که در آن سالها نوجوانانی ۱۴، ۱۵ ساله بودیم و از سالهای دبستان (سالهای ۱۳۳۰) کتاب خواندن را آغاز کرده بودیم، آن ایام به راستی از هر حیث نشاط آور و پرتحرک و آموزنده بود. در این سالها بود که آثار نویسندگانی چون سارتر، کامو، روبر مرل، کریستین روشفور، جورج اورول، دی اچ لاورنس، اریش ماریا مارک، کازاتراکیس، استاندال، فلوربر، داستایوسکی، تورگنیف، چخوف، برشت، و بسیاری از نویسندگان دیگر اروپا با ترجمه های اغلب معتبر به بازار کتاب روانه شد و در کنار اینها ترجمه های خوبی از آثار کلاسیک جهان و نیز ترجمه های خوبی از تراژدی های یونان. در همین سالها بود که انتشارات فرانکلین کتاب های جیبی را منتشر کرد و این کتابها برای ما به راستی نعمتی بود، که از آن پس به جای پرداخت مثلا ۱۲۰ ریال برای یک جلد کتاب فقط با ۳۰ ریال صاحب کتابی می شدیم با ترجمه خوب، جلد بسیار زیبا و چاپ مناسب.

تا آنجا که به خاطر دارم اولین کتابی که با ترجمه دریابندری خواندم رمان «وداع با اسلحه» بود که کتاب های جیبی با ترجمه نجف دریابندری منتشر کرده بود و هنوز پشت جلد زیبای آن را هم به یاد دارم. اما برای من آنچه در این کتاب تجربه ای جدید به شمار

که بسیاری از اصطلاحات غیررسمی را می توان در نوشتار به کار برد و این نه تنها عیبی ندارد، که در مورد برخی رمانها تنها راه مناسب برای درآوردن زبان است. من به خصوص بر زبان محاوره تاکید می کنم یا به سخن دیگر زبان گفت و گو در رمان که هنوز بسیاری از مترجمان تفاوتی بین گفت و گو و متن روایت نمی گذارند و به همین علت زبان ترجمه ساختگی می نمایند. بگذریم از رمان هایی که اصولا ساختار و زبانی دارند که در آنها زبان رسمی به هیچ روی جا نمی افتد. این زبان خاص را دریابندری خوب می شناسد، زبانی که نه سراسر واژه شکسته است و نه ترسان از این که به جای روم، بگوید روم، یا به جای برایش، بگوید برایش، یا به جای هر کس، بگوید هر کی، و پرهیز نداشته باشد از این که بنویسد: «باری به هر جهت یک روز همین پسره بیلی خودش را بند کرده بود پشت یک اتوبوس برقی توی خیابان وبستر...» یا «گفت می خوام لای یکی از پنجره ها را واز کن پسر» یا «مگه چه کار کرده بود، تو که خیلی کشته مردش بودی».

نکته مهم دیگر در کار دریابندری مسوولیتی است که در برابر خواننده ایرانی احساس می کند. بسیاری از کتاب های او، حتی برخی از رمانها مقدمه ای دارد؛ نوشته مترجم که من در مقام خواننده باید شهادت بدهم بسیار سودمند و راهگشا بوده است. متأسفانه بسیاری از مترجمان ما نه درباه نویسنده و نه درباه مطلبی که ترجمه می کنند دانش کافی ندارند و طبیعی است که از نوشتن مقدمه شانه خالی کنند، اما دریابندری پیش از آن که مترجم باشد انسانی صاحب نظر درباره مطلبی است که ترجمه می کند و من دریغ می آید که در اینجا به طنز شیرین او اشاره ای نکنم، خواه در ترجمه کتابی چون «چنین کنند بزرگان» و خواه در برخی نوشته ها و گفت و گوهای خودش.

همواره گفته ام و نوشته ام که ما اهل قلم میراث گرانبهایی داریم که از ابوالفضل بیهقی و فردوسی آغاز می شود و به نویسندگان و شاعران و مترجمان امروز می رسد. من بر نسلی تاکید می ورزم که در همه دهه چهل دست به قلم گرفت و ما را با ادبیات و فلسفه معاصر جهان آشنا کرد و از این گذشته راه و رسم نوشتن و اندیشیدن را به ما آموخت. دریابندری بی هیچ تردید از بهترین آموزگاران ما بوده است. درود و سپاس من نثار این آموزگار فرزانه باد.

می کند. این زبان شاید برای آنان که از دشواری های تاب سوز نوشتن و به خصوص ترجمه خبر ندارند، اغواگر باشد و به این توهم بیفتند که خود نیز می توانند چنین زبانی بیافرینند. من هنوز خاطره شیرین کتاب «متفکران روس» را در سر دارم، و یادم هست که دوست نکته سنج و خوش ذوقم شادروان دکتر حق شناس در معرفی این کتاب به همین ویژگی زبان دریابندری اشاره کرد. نمونه بسیار خوب ترجمه ادبی دریابندری دو کتاب «رگتایم» و «بیلی بات گیت» است. من به راستی نمی دانم که اگر این دو کتاب فوق العاده را با آن زبان بسیار خاص و سهل و ممتنع، کسی جز دریابندری ترجمه می کرد آیا به این گیرایی از کار درمی آمد یا نه. دریابندری در این دو کتاب، به خصوص در «بیلی بات گیت»، بی آن که واژه ها را بیش از حد بشکند به زبانی درخور فضا و شخصیت های کتاب دست یافته است. او واژه ها و اصطلاحات «عامیانه» یا غیررسمی را به کار می گیرد و این انتخاب او را از شکستن بی تناسب واژه ها بی نیاز می کند. من البته از کسانی نیستم که شکستن واژه ها را گناهی ناخوشدونی می شمردند.

استفاده از این زبان شوخ و شنگ و خودمانی برای ما نسل جوان بسیار آموزنده بود. این ترجمه ها به ما آموخت که ادبیات و رمان یک زبان ندارد. ما یاد گرفتیم

کافی است. متشکر کم میس کنتن ایشان گفت: آقای استیونز این اتاق واقعا مثل زندان می ماند. کافی است یک تختخواب کنارش بگذاریم، آن وقت به خوبی می شود تصور کرد که محکوم دارم آخرین ساعت هایش را در اینجا می گذرانم.» در پیشبرد معناها برای ساخت یک کلیت، نشانه ها و کنایه هایی از این دست، به گونه ای نرم و جافتاده و همراه و آمیخته با کنش داستانی و متناسب با کل اثر، در «بازمانده روز» باز هم دیده می شود.

هر یک از این نشانه ها به شکلی نهانی به سوی مفهوم متمرکز داستان حرکت می کند. در اینجا اظهار نظر سر راست میس کنتن با یک ارجاع گسترش یابنده ذهنی، موقعیت سرد، خاموش و بسته استیونز را آشکار می کند، اما استیونز که در این موقعیت مستحیل شده و معتقد است که «محل کار پیشخدمت از لحاظ بنده دفتر بسیار حساسی است و به ستاد سردار و سرلشکر در موقع جنگ بی شباهت نیست.» موضوع را در نمی یابد. او بیست سی سال بعد می گوید: «شاید بنده چیزی هم در جواب این حرف گفتم. نمی دانم؛ به هر جهت سرم را از کتابی که می خواندم برداشتم و چند لحظه ای منتظر شدم که میس کنتن عذر بخواد و برود.»

در پایان داستان، استیونز که در آستانه پیری و زوال قابلیت های خودش را در تنهایی بازیافته، به رغم

دریغ بر عمر تلف شده و چه درباره یک عشق خفقان گرفته و بر زبان نیامده، در کیفیتی روحی که شاید ناشی از غرور حرفه ای اوست پس می زند. این خودفرینی گویا محور موجودیت او طی سی سال خدمتگزاری در کسوت یک «باتلر» بسیار متشخص انگلیسی بوده است. به همین علت حال که به فکر دیدن و بازیافتن میس کنتن افتاده، باز هم به رغم گذر سالیان و بر باد دادن عمری که می شد خیلی بهتر، انسانی تر و با معنا تر گذراندش، با دغل بازی غریبی کورسوی امید به بازیافتن عشق را که آمیخته به حزن و حرمان در او سر بر آورده، به روی خود نمی آورد و وانمود می کند برای انجام وظیفه و احتمالا بازگرداندن میس کنتن (خدمتکار اسبق!) به سرای دارلینگتن قصد سفر به شهر او را دارد. استیونز ضمن مرور گذشته در جایی دیگر می گوید: وقتی میس کنتن وارد محل کار بنده شد، بنده مشغول کارهای حرفه ای نبودم. یعنی طرف های آخر وقت کار روزانه در یکی از هفته های آرام بود و یک ساعتی را صرف استراحت می کردم. همان طور که عرض شد، یقین ندارم که میس کنتن با گلدان وارد شد، ولی مسلما به خاطر دارم که گفت: «آقای استیونز اتاق شما شب از روز هم دلگیر تر است. این چراغ برق ضعیف است. برای چیز خواندن مناسب نیست و بنده گفتم: «کاملا

ادامه از صفحه ۱۲

البته گفته باشم، این خطها به خودی خود اهمیت ندارند، ولی یقینا ملتفت هستید. برای کسی که عادت به ارتکاب این نوع تقصیرات نداشته باشد، وقوع همچون اموری خالی از تشویش خاطر نیست؛ این بود که خرده خرده انواع نگرانی در خصوص علت آنها به بنده دست داد...»

باتعمیق بردن به این عبارت پردازی های منشی صفتهانه و نوکر ما بانه، بفهمی نفهمی دغل کاری و خودفریبی استیونز احساس می شود. او به نامه میس کنتن اشاره می کند و انگیزش و خارخاری را که پس از گذشت سالها برای دیدن او به جانش افتاده در معنا و جهت حقیقی به جان نمی آورد.

به همین دلیل، با نوعی دوگانگی، گرایش برای سفر به وست کانتری و دیدار با میس کنتن را در چارچوب انجام وظایف پیشخدمتی می گنجاند و به خود می قبولاند که شاید بتواند میس کنتن را به سرای دارلینگتن بازگرداند تا امور خدمتکاران زن را به او بسپارد. و بعد به خطهای جزئی ای که در ایفای وظایف خود داشته اشاره ای گذرا می کند. بدون آن که بخواهد حقیقت زوال قابلیت هایش را به عنوان پیشخدمت درجه اول قبول کند. او حس دوگانه خود را چه در زمینه از دست دادن فرصت ها و



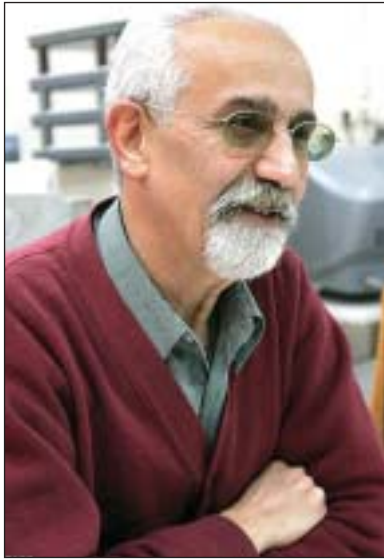
دریابندری خود بازمانده روز است

قلم استاد.

طبعاً بعضی ترجمه‌های ایشان را نخوانده‌ام (حسرت خواندن متفکران روس هنوز به دلم مانده) و ترجمه چاپ اول «گوربه‌گور» هم چندان به دلم نشست و از انتخاب نام تا شکسته ترجمه کردن با استاد اختلاف سلیقه دارم. نمی‌دانم در بازبینی و اصلاح بعدی چه کرده‌اند، اما به هر حال آن هم کار ارجمندی است. «رگتایم» دکتروف هم به نظرم در همین مقوله جا می‌گیرد. اما انتظار این که همه کارها در یک سطح باشند، نامعقول است. همه انسانیم و الخ...

خبرنگاری در مصاحبه‌ای به یکی از همکاران لقب مترجم صاحب سبک داد و ایشان در پاسخ به درستی گفت مترجم صاحب سبک معنا ندارد و نویسنده صاحب سبک است و مترجم تابع اوست و در بهترین حالت باید اصل را از صافی ذهن خود بگذراند و به بهترین نحو در زبان مقصد ارائه دهد. اما درباره استاد دریابندری می‌توان گفت نثری استوار و برخوردار از روشنی کلام دارند. آرزو داشتم «نام سایر» شاهکار دیگر مارک تواین را هم با ترجمه ایشان بخوانم.

استاد خود بازمانده روزی است که امیدوارم به درازی بپاید و سایه بال گستر پیرمردشان بر سر ما باشد و ترجمه مجموعه داستان‌های کوتاه همینگوی را که چند سالی خبرش را داریم و آثار دیگر را به قلم ایشان بخوانیم.



دیگری موجود است و علاقه‌مندان می‌توانند از مقایسه آن دو دریابند ترجمه یعنی چه و چطور ترجمه‌ای می‌تواند زمانی را زمین بزند (خفه کند!) یا برعکس، آن را برکشد. همچنین است ویرایش جدید «وداع با اسلحه» (که چاپ قدیمی سازمان جیبی آن را با آن جلد دوست داشتی هنوز دارم) و «پیرمرد و دریا»، هر دو از همینگوی و دومی با مقدمه‌ای بلند و جانانه به

رفته (به ویژه در نیمه دوم عمر) بخته‌تر می‌شود، تا می‌رسد به ترجمه رشک انگیز «هکلبری فین»، از مارک تواین و به همان درجه، بلکه چند گام بلندتر از آن، «بازمانده روز»، از کازوئو ایشیگورو (چون در اینجا به خلق زبان درخور اثر، یا به قول امروزی‌ها ورژن تازه‌ای از آن در زبان فارسی دست یافته‌اند).

یادم می‌آید ترجمه «هکلبری فین» که در آمد، من که هر دو ترجمه قبلی (ترجمه سال‌ها پیش ابراهیم گلستان و ترجمه بعدی هوشنگ پیرنظر) را هر کدام بیش از یکی. دو بار خوانده بودم، تصور نمی‌کردم نکته تازه‌ای گیرم بیاید و با توجه به این که ۵-۶ سالگی خودم هم شده بودم مترجم حرفه‌ای، ترجمه را با نگاه خرده‌گیرانه خواندم و الحق در هر صفحه زبان به تحسین استاد گشودم.

در این مختصر هرگز نمی‌توان حق ایشان را به گردن نسل ما و زبان و ادبیات فارسی ادا کرد. اما باید بگویم از خواندن ترجمه «تاریخ سینما»، آرتور نایت (که الان قطعاً کهنه و قدیمی شده، اما در آن زمان تازگی و طراوت داشت) چه لذت‌ها بردم، همچنین است «تاریخ فلسفه غرب» برتراند راسل و «معنی هنر» هربرت رید که تنهایی و جمعی می‌خواندیم و تحلیل و تفسیر می‌کردیم. و چه غشغش‌های خنده‌ای سر دادیم از خواندن «چنین کنند بزرگان» که از شیوایی و روانی هنوز هم شک دارم از تراوشات قلم استاد است، یا ترجمه، از «بیلی باتگیت» دکتروف هم ترجمه

اولین بار که ترجمه‌ای از نجف دریابندری خواندم، داستان بلند «بیگانه‌ای در دهکده»، نوشته مارک تواین بود، در «کتاب هفته» شماره ۳، مهرماه ۱۳۴۰، در آن زمان به سرپرستی دکتر محسن هشترودی. [کتاب هفته جنگی بود به قطع رقی که از داستان کوتاه، تا مقالات ادبی و هنری و حتی شطرنج در آن چاپ می‌شد و هر هفته از سوی روزنامه کیهان آن زمان در تیراژ وسیع پخش می‌شد. آپس چیزی قریب به پنجاه سال از قلم استاد بهره‌مندیم.

در آن روزگار نوجوانی بودم ۱۵-۱۴ ساله و کرم کتاب که هر چه به دستم می‌رسید می‌بلعیدم و در جست‌وجوی چیزهای تازه بودم که «کتاب هفته» و کمی بعدتر سلسله کتاب‌های سازمان جیبی [کتاب‌های ارزان و زیبا] به دستم رسید و کتابخانه‌ام رونق گرفت.

اولین نکته‌اشناپی که در نام دریابندری بود، با توجه به این که در شهر خودمان، لنگرود، خانواده بندری خانواده بزرگ و مشهوری بودند. رابطه دریا و بندر است که در چند کیلومتری شهر ماست، اما نجف برایم معمایی بود تا مصاحبه اخیر استاد (گفت‌وگو با نجف دریابندری، مهدی مظفری ساوجی، انتشارات مروارید، ۱۳۸۸) برایم روشن کرد. باید بخوانید.

در نگاهی به ترجمه‌های استاد دریابندری آنچه جلب نظر می‌کند این است که عمده ترجمه‌های رمان متعلق به ادبیات آمریکاست و ترجمه‌ها رفته

مردی برای تمام فصول ترجمه

مواردی پیش می‌آید که نویسنده برای این گونه‌خورت و پرت‌هاممکن است جان تازه‌ای بگیرند و به صورت مصالح نو در ساختمان یک داستان به کار روند. مترجم دریابندری، امیدوار است که ترجمه «بازمانده روز» یکی از این موارد باشد. (ص ۲۰-۱۸)

بدین ترتیب نجف دریابندری از زبان به عنوان ماده خامی که می‌تواند اثر را به کیفیتی والا برساند، بهره‌می‌گیرد. بحث در مورد زبان‌نوشتار این نویسنده و مترجم زبردست نیازمند فرصت و دقتی بسزاست که امید است نگارنده در فرصتی دیگر بدین کار بپردازد. کارنامه مترجم بسیار فراتر از این حرف‌هاست. او در حوزه فلسفه «تاریخ فلسفه غرب» برتراند راسل و «عرفان و منطق» همین مولف، «افسانه دولت» ارنست کاسیرر، «متفکران روس» ایازابرا لین، در مقوله هنر «سیری در هنر ایران از دوران پیش از تاریخ تا امروز» آرتور اپهام پوپ را برای شرکت انتشارات علمی-فرهنگی و «معنی هنر» هربرت رید را برای کتاب‌های جیبی انتشارات امیرکبیر و رمان‌های برجسته‌ای نظیر «برف‌های کلیمانجارو» از همینگوی، «یک گل سرخ برای امیلی» و «گوربه‌گور» از ویلیام فاکنر برای نشر نیلوفر و نشر چشمه، «رگتایم» و «بیلی بات گیت» از دکتراف را برای انتشارات خوارزمی و «بیگانه‌ای در دهکده» اثر مارک تواین را برای انتشارات امیرکبیر به شکلی ستودنی به فارسی درآورد و سرانجام باید از «کتاب مستطاب آتشی‌زی از سیر تا پیاز» او برای نشر کارنامه یاد کرد که در حوزه‌ای به کلی متفاوت به بازار عرضه شد و شگفتی که مورد توجه علاقه‌مندان قرار گرفت که پیش‌تر کتاب «هنر آتشی‌زی» خانم رزا منتظمی را در این زمینه برمی‌پسندیدند. دریابندری در مجلاتی نظیر «کتاب امروز» انتشارات امیرکبیر، «خوشه»، و... مطالب قابل‌تاملی نوشته است.

در پیشگفتاری که برگرداننده به قلم آورده، ضمن اشاره‌ای به دشواری برگردان اثر، ظرافت و نکته‌سنجی و ریزبینی را به اعلاترین درجه رسانیده است. «حقیقت این است که خود من هم پس از خواندن «بازمانده روز» درآوردن آن را به زبان فارسی آسان نمی‌دیدم. مشکل در پیدا کردن «صدا»یی بود که بتواند جان‌نشین صدای راوی داستان بشود و من به زودی به این نتیجه رسیدم که چیزی بسیار نزدیک به این صدا از لابه‌لای سفرنامه‌ها و خاطرات و مکاتبات دوره قاجار به گوش می‌رسد. البته در آنچه از زبان ارباب‌ها و نوکرها و پیشخدمت‌های آن دوره در خاطره‌ها مانده است. همین که این صدا پیدا شد، روند ترجمه در عمل نه تنها به آسانی پیش رفت، بلکه باید بگویم دنبال کردن آن بسیار لذت‌بخش شد.

اما گذشته از زبان کمابیش فراموش شده قاجاری، زبان «عادی» امروز ما هم سرشار از کلیشه‌های مستعمل و مکرر است. ما هم معمولاً «نسبت به» فلان کار «اقدام می‌کنیم»، یا «به انجام آن مبادرت می‌ورزیم»، یا «از انجام آن خودداری می‌کنیم»، یا «آن را به عهده تعویق می‌اندازیم»، یا «در آن تعجیل روا نمی‌داریم» یا می‌داریم، یا «آن را در طاق نسبیان می‌گذاریم»، یا «از آن درس عبرت می‌گیریم»، یا با آن «موافقت نشان می‌دهیم» یا «مخالفت می‌ورزیم»، یا «از عهده آن برنمی‌آییم» یا می‌آییم، یا «آن را به عهده دیگری محول می‌کنیم»، یا خودمان «آن را تقبل می‌کنیم»، یا «آن را در شأن خودمان نمی‌دانیم» یا می‌دانیم، یا «با کمال میل از آن استقبال می‌کنیم»، یا «آن را به ضرر س قاطع رد می‌کنیم»، یا «مورد تامل قرار می‌دهیم»، یا «در قبول آن تردیدی به خود راه نمی‌دهیم»... اینها و صدها عبارت دیگر مانند اینها به نظر بسیاری از ما مشتق «خرت و پرت» کهنه و فرسوده است که باید دور ریخته شود، ولی گاهی

برای تمام فصول» بتوان برشمرده که در مقوله ادبیات و ترجمه همواره در یادها باقی خواهد ماند. «بازمانده روز» اثر کازوئو ایشی گورو بازپسین برگردانی است که از او خوانده‌ام. کتاب که به شکلی شایسته توسط نشر کارنامه به زیر چاپ رفته، به گمانم دوران زوال و انحطاط امپراتوری بریتانیا و جایگزینی قدرت نوپای آمریکا پس از جنگ جهانی دوم را از زبان پیشخدمتی بازمی‌گوید که در پی مرگ ارباب دیر سال اشرافی‌اش به خدمت آقای نوکیسه آمریکایی درمی‌آید و بی‌توجه به دل‌بستگی همکارش در آنزوایی خودخواسته روزگار می‌گذراند و روایتگر تاریخی از یادرفته است. نثر برگرداننده در برخی بخش‌های کتاب از تیزبینی و درک ادب پارسی لبالب است.



امیر کاوس بالازاده: درست به خاطر ندارم که از کی با آثار «نجف دریابندری» آشنا شدم. با ترجمه «انتیگونه» سوفوکلش، که «انتشارات آگاه» منتشر کرد یا «وداع با اسلحه» ارنست همینگوی با آن جملات کوتاه، سنجیده، تاثیرگذار و حساب شده در برگردان فارسی‌اش، اما بی‌تردید «چنین کنند بزرگان»، که برخی «ویل کاپی» نویسنده ظاهری کتاب را اسم مستعار دریابندری می‌دانند، بیشترین تاثیر را روی من دانشجوی تاریخ آن زمان دانشگاه شهید بهشتی گذاشت. آن طنز سرشار از لطافت‌های زبانی و تقریباً الهام‌گونه اثر، ضمن این که لحظاتی را نه به خنده که به قهقهه وامی‌داشت، گاه به تامل و تدبری شایسته نیز فرا می‌خواند. داستان نرون و مادرش شاید جذاب‌ترین و به یادماندنی‌ترین این طنزهای تاریخی باشد. به نظر می‌رسد دریابندری با شوخ طبعی خاصی فلاکت و ادبار پادشاهان مستبد و مفلوک تاریخ بشر را عریان می‌ساخت. کتاب آنقدر جذاب و خواندنی می‌نمود که برخی از اهل قلم را به صرافت تقلید از آن بیندازد و آثار مشابهی که خلق شد، هیچ‌یک ظرافت و بازیگری بی‌نی و درعین حال ژرف‌نگری «چنین کنند بزرگان» را پیدا نکرد.

بعد دست تقدیر زمانی دراز مرا از آثار شیرین دریابندری محروم کرد، اما او همچنان خبرساز بود. وقتی در مصاحبه‌ای آثار هدایت و به خصوص «یوف کورش» را به باد انتقاد گرفت، گرچه با او همدل نبودم، لیکن پرخاشگری‌های شیفتگان هدایت را هم برنمی‌پسندیدم و شگفتی که بعد سراغ اسطوره رفت و در گفت‌وگویی نظراتی بحث‌انگیز ارائه کرد که به چاپ کتابی در این زمینه انجامید. همیشه بر این باور بودم که با دقتی ستودنی آثاری گرانسنگ و ارجمند را برای برگردان برمی‌گزیند و انتخاب هایش همه حساب شده‌اند. از این رو، وی را شاید «مردی

افسانه‌های هزار و یکشب

نویسنده: گودول/ ترجمه: رویا خوئی
انتشارات محراب قلم/ چاپ اول ۱۳۸۸
۱۲۰ صفحه/ ۱۸۰۰ تومان



کتاب حاضر که نویسنده آن فرانسوی است و در قسمت فیبای آن هم ذکر شده که اثر مربوط به افسانه‌های کشور فرانسه است! دربرگیرنده سیزده قصه کوتاه است که عناوین آن بدین شرح است:

شهرزاد، شاهزاده‌ای که میمون شد، جسد دست و پاگیر، ساریان کوچک حیل‌گر، سه سیب، داستان شیرینی عسلی با گلاب، قصر مدفون شده، شوهر، زن و طوطی، مردی که همسرش را درون یک بطری زندانی کرد، خلیفه و خر، صندوقچه پرنده، شاهزاده خانمی با چشم‌های مثل غزال و برج هزار غم.

البته به نظر می‌رسد نویسنده کتاب که نام کامل او مشخص نیست یا اسم مستعار او «گودول» است این داستان‌ها را بر اساس هزار و یکشب ایرانی نوشته است. هزار و یکشب نام کتابی است که مجموعه داستان‌های افسانه‌ای قدیمی را دربرداشته و به زبان‌های متعددی منتشر شده است. اکثر ماجراهای هزار و یکشب در بغداد و ایران می‌گذرد و داستان‌های آن را از ریشه ایرانی دانسته‌اند که تحت تاثیر آثار هندی و عربی بوده است. این که داستان‌های هزار و یک شب مشخص و روشن باشند و تعداد آنها دقیقاً هزار و یک باشد چندان واقعی به نظر نمی‌رسد اما داستان‌های زیادی زیر نام هزار و یک شب نوشته شده است.

نخستین ترجمه هزار و یکشب به زبان‌های اروپایی در قرن شانزدهم میلادی به دست آنتوان گالان به فرانسه درآمد و در سال ۱۷۰۴ میلادی منتشر شد. سر ریچارد برتون نخستین ترجمه انگلیسی این کتاب را در ۱۸۸۵ عرضه کرد. بورخس، نویسنده نامدار آرژانتینی همه آثارش را مدیون هزار و یکشب می‌دانست و تاثیر آن بر بسیاری از نویسندگان معروف جهان از جمله کسانی چون جیمز جویس، نویسنده ایرلندی انکار ناپذیر است. در سال ۲۰۰۴ که سیصدمین سال ترجمه کتاب به زبان‌های اروپایی بود، یونسکو جشن و همایشی در فرانسه و آلمان برگزار کرد.

بیست بیست

بیست داستان از بیست نویسنده برنده

جایزه نوبل ادبیات

ترجمه: اسدالله امرایی/ نشر گل آذین/ چاپ اول ۱۳۸۹



۲۸۶ صفحه/ ۵۵۰۰ تومان
این کتاب چنانچه از نامش پیداست دربرگیرنده ترجمه فارسی بیست داستان کوتاه از بیست نویسنده برنده جایزه ادبی نوبل است و علاوه بر این، مقدمه بسبوطی هم از گابریل گارسیا مارکز دارد که به نوعی منتقد این جایزه بود.

ارنست همینگوی، ژان پل سارتر، پولاگر کوسیت، دوریس لسینگ، نادین گوردیمر، هاینریش بل، گونتر گراس، میگل آنخل آستوریاس، ایساک بشویس سینگر، جان اشتاین بک، کنزا بورواوند، گائوسین جیانگ، و.س. نایپول، میخائیل شولوخوف، آلکساندر سولژنیستین، سائول بلو، گابریل گارسیا مارکز، رابیندرانات تاگور، ژان ماری گوستاو لوکلزیو و هرتا مولر بیست نویسنده‌ای هستند که بین سال‌های ۱۹۰۱ تا ۲۰۰۹ جایزه نوبل را درافت کرده‌اند و اکنون از هر یک از آنها داستانی در این کتاب منتشر شده است.

اسدالله امرایی در مقدمه مترجم می‌نویسد: «... این بار سراغ نویسندگان برنده جایزه نوبل ادبیات آمده‌ام. از نسل‌های متفاوت، نویسنده‌ها نام‌های آشنایی هستند و عده‌ای هم گمنام. یا رفته‌ام سراغ داستان‌هایی که

کمتر مورد توجه بوده‌اند؛ از نوبل برده‌های قدیمی مثل پولاگر کوسیت، شولوخوف، تاگور تا ژان ماری لوکلزیو و تازه‌ترین‌ها را هم شامل سعی کرده‌ام به گرایش خاصی نپردازم. اگر کاری از شولوخوف آمده، خواننده ایرانی از سرلژیستین هم بی‌نصیب نماند. البته پسند شخصی را هم باید به این عوامل اضافه کرد. شاید نتوانم برای همه انتخاب‌هایم علتی بترشم، اما هدفم در وهله اول این بوده است که خواننده را در لذتی که خودم برده‌ام شریک کنم. این را هم اضافه کنم که واقعا در بررسی بعضی از آثار این نویسندگان که عده‌ای از آنها به تاریخ پیوسته‌اند، یافتن داستانی که خودم را راضی کند دشوار بود. از مقاله مارکز که اتفاقاً به کاستی‌های جایزه نوبل می‌پردازد بهره گرفته‌ام. مقاله مارکز با عنوان بزرگانی که نوبل نبردند نخستین بار در مجله گرانا چاپ کوبا منتشر شده بود.

بیست نویسنده را به مهمانی دعوت کرده‌ام و هر کدام گلی آورده‌اند. بوی گل‌هایشان هم فرق دارد عمرشان هم، تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

روانشناسی رشد

ابعاد تحول آدمی در گستره حیات

منصور حاج حسینی/ انتشارات جهاد دانشگاهی واحد تربیت معلم/ چاپ اول ۱۳۸۹/ ۲۸۲ صفحه/ ۴۵۰۰ تومان



پریش‌های بسیار درباره ماهیت تحول آدمی، علل وقوع و چگونگی رخداد آن، پیوسته دانش پژوهان را با چالش‌های نوینی مواجه ساخته و زمینه‌ساز آفرینش‌های خلاق دیگر و گشایش افق‌های جدید شده است.

از آنجایی که زندگی ایستانیست و دائماً رویدادهای جدید رخ می‌گشایند فرصت‌هایی برای بهره‌گیری از تبیین‌های پیشین و ارائه تبیین‌های بهتر تحول به وجود می‌آید و نظریه پردازی درباره تحول همچنان ادامه دارد. در این راستا، کتاب حاضر دربرگیرنده هشت فصل است؛ رشد چیست؟ چگونه می‌توان بهترین سهم از نظریه‌های مختلف را در فهم بهتر ماهیت یا فرایند رشد به دست آورد؟ بنیان تحول چیست؟ ژن یا فرهنگ؟ رشد شناختی چیست؟ رویکردهای گوناگون نظری تحول شناخت را چگونه می‌بینند؟ تحول در بعد شناختی اجتماعی، اخلاقی چگونه است؟ و محدودیت‌های مطالعه آن چیست؟ چگونه ارتباطات اجتماعی - عاطفی در طول زندگی تغییر می‌یابند؟ و این تغییرات چگونه در توانایی‌های هیجانی ظهور می‌کنند؟ چیستی و چگونگی تحول جنسی، خود، چگونه شکل می‌گیرد و چگونه تحول می‌یابد؟ دیگران در این فرآیند چه نقشی دارند؟ و اساساً، چگونه است تحول در شخصیت و ابعاد پیرامون آن؟ و آخرین چالش تحول چیست؟ و چگونه افراد در مراحل مختلف، بان مواجه می‌شود؟ عناوین هشت فصل این کتاب هستند. متأسفانه این کتاب دانشگاهی مانند بسیاری از آثار همتای خویش بهره‌ای از ویرایش ادبی نبرده است و خوب است مدرسان دانشگاه پیش از انتشار پژوهش‌هایشان اثر را به دست ویراستار بسپارند تا سرشار از اغلاط نگارشی و ویرایشی و جملات نامفهوم نباشد.

یک دل سیر خنده و یازده کتابچه دیگر

سمیه لاری/ تصویرگر/ امیر محسن خواه

انتشارات ادب و دانش/ چاپ اول ۱۳۸۹/ ۱۵۰۰ تومان



یک خنده دل سیر همراه یازده کتابچه دیگر، داستان‌واره‌های کوتاهی است برای کودکان که می‌تواند جنبه آموزشی هم داشته باشد. پیک نیک، زلزله در ورزشگاه، الو، اورژانس، مهمان فسراری، آمپول

نوش جان کنید، شیخ سرگردان، مسافرت با قطار، هدیه تولد، وقتی کسی در خانه نیست، یک مهمونی درست و حسابی و مردم‌آزادی عنوان هر یک از این کتابچه‌ها

هستند. در بخشی از داستان «یک دل سیر خنده» آمده است: «شیطانک‌ها استاد خرابکاری و ریخت و پاش و آزار بودند. آنان در هر موقعیتی برای شیطنت و بدجنسی و بازیگوشی به طور خودکار کوک می‌شدند و همیشه، در هر موقعیتی طرح تازه‌ای برای دسته گل به آب دادن به فکرشان می‌رسید که باعث شگفتی و البته ناراحتی دیگران می‌شد. آن روز مادر چهارقلو‌ها مجبور شده بود به خاطر تهیه سوپی که قولش را به آنها داده بود، برای خرید میوه و سبزیجات به اتفاق بچه‌ها به بازار برود...»

آوای آلاباما

ژیل لوروا/ ترجمه: سعید بوغری/ انتشارات افراز
چاپ اول ۱۳۸۸/ ۱۸۴ صفحه/ ۴۰۰۰ تومان



ژیل لوروا، نویسنده فرانسوی متولد ۲۸ دسامبر ۱۹۵۸ دارنده جایزه گنکور ۲۰۰۷ است. او پس از گرفتن دیپلم و ورود به دانشگاه تحصیل را رها می‌کند و به سفر و ادبیات ژاپن روی می‌آورد و به تهای، به مطالعه آنها می‌پردازد. او در آثار پر شمار خود، بخش بزرگی را به بیان زندگی اش اختصاص می‌دهد تا به قول منتقدان، مسیر زندگی خود را میان قرن، بهتر به مخاطب بنمایاند.

وقتی زلدا «زیبای جنوب» با ستوان اسکات فیتز جرالید دیدار می‌کند، زندگی اسکات دستخوش دگرگونی مهمی می‌شود و او سوگند یاد می‌کند نویسنده شود، نخستین رمان او با موفقیت پرسروصدایی مواجه می‌شود و این زوج به شهرت می‌رسند؛ اما آنها هنوز کودکند و آتش این شهرت بال‌هایشان را می‌سوزاند.

ژیل لوروا به زیر پوست زلدا می‌خزد تا به شادی‌ها و اندوه‌هایش نزدیک‌تر شود. تا سرنوشته او را که به دست همسر نویسنده‌اش نابود شده به تصویر بکشد و نیز جنگ او را برای بقای جسم و جانش... لورا «رمان آمریکایی» همش را با تلفیق واقعیت و تخیل خلق کرده است.

زخم و نمک

سید عبدالجواد موسوی، انتشارات سوره مهر، چاپ اول ۱۳۸۸، ۲۰۰ صفحه، ۳۵۰۰ تومان.



کتاب حاضر مجموعه شعرهای کوتاه سید عبدالجواد موسوی، شاعر متولد سال ۱۳۵۳ است. بر این کتاب سه مقدمه جداگانه را به ترتیب دکتر رضادوری اردکانی، علی معلم دامغانی و یوسفعلی میرشکاک نوشته‌اند.

یوسفعلی میرشکاک در بخشی از یادداشتی که بر این مجموعه شعر نوشته آورده است: «سراینده جوان روزگاری سخت شتابزده بود و در پی همین شتابزدگی سال‌ها پیش از عطای سوفا گذشت و شعر را رها کرد... سال‌ها رفت و شتابزدگی اندک اندک جای خود را به تحمل و تأمل سپرد... ایلیا که آمد عطای سوفا از سر گرفته شد، چندان که من به شگفت آمدم. سوفا همواره با کودکان خود همراه است، زیرا گواه عصمت اویند... سراینده همراه با کودک خود کودکی از سر گرفت تا بتواند در ساخت سوفا بندگی کند... این دفتر نخستین حاصل آشتی سوفا با سراینده است... گاهی اشعار این دفتر گواهی می‌دهند که سوفا دیدار نموده و برهیز کرده است و سراینده با سماجت «مصرع نخست» را تبدیل به غزلی کرده با... اکنون سراینده به درویشی و درد درویشانه گردن نهاده است و از آنجا که می‌داند و می‌بیند برترین قلندران و درویشان کودک‌کنند، بیشتر به بندگان سوفا نزدیک‌تر می‌شود و کمتر با فریب خوردگان جهان سایه‌ها می‌نشیند... سراینده اکنون می‌داند تا شاعری دیوانه نباشد کودک نمی‌شود و تا کودک نباشی از شعر حقیقی خبری نیست. اکنون سراینده نیمی کودک و نیمی دیوانه، که گاه یاد روزگار شتابزدگی خود می‌افتد و روزکی چند در پوستین خود و دیگران... اما رشته کار در دست سوفاست، در کودک

می‌نگرد و سخن خود را در گوش جان دیوانه زمزمه می‌کند و...»

کبود رو به مرگ، زیر تیغ، تقدیر خاموشی، از درون چاه و صراط مستقیم عناوین بخش‌های این مجموعه شعرند که در هر بخش شعرهایی منتشر شده است.

بخور و نمیر

پل استر/ ترجمه: مهسا ملک مرزبان/ نشر افق
چاپ اول ۱۳۸۹/ ۱۶۸ صفحه/ ۳۰۰۰ تومان



«بخور و نمیر» مجموعه‌ای است از خاطرات جذاب و اغلب طنز آمیز پل استر از اوایل جوانی اش و دورخیزهای او برای نویسنده شدن. شرحی است از سرگشتگی‌ها و ناکامی‌هایش. تلاش باورنکردنی اوست برای بقای خود و آزمون شغل‌هایی عجیب و غریب. حکایت خطر کردن، روی آب ماندن و غرق شدن، از خیابان‌های نیویورک و دوبلین و پاریس گرفته تا روستای دورافتاده در مکزیکو...

بخور و نمیر در ایران با معادل تحت‌اللفظی دست به دهان معرفی شده است. داستان این کتاب چنین شروع می‌شود: «اواخر بیست سالگی و اوایل سی سالگی ام، دوران چندساله‌ای را از سر گذراندم که در آن به هر چیزی دست زدم به شکست و ناکامی انجامید. ازدواجم به طلاق رسید، نویسنده‌ام در گل ماند و مشکلات مالی مرا در خود غرق کرد. از کمبود مقطعی یا سنگ به شکم بستن ادواری حرف نمی‌زنم، بلکه از فقدان مدام، جانکاه و نفس‌گیر مالی صحبت می‌کنم که روحم را تابه ساخت و مرا به وحشی بی‌پایان مبتلا کرد.»

رساله منطقی - فلسفی (ویراست دو زبانه)

لودویگ ویتگنشتاین/ پارسی از: میر شمس‌الدین ادیب
سلطانی/ انتشارات امیرکبیر/ چاپ اول ۱۳۸۸



۳۲۴ صفحه/ ۹۵۰۰ تومان
لودویگ ویتگنشتاین در سلوک فلسفه خود دو مرحله را درمی‌نوردد. رساله منطقی - فلسفی نماینده مرحله نخست اندیشش فلسفی اوست. مرحله دوم اندیشش فلسفی او در کتاب مهم دیگر

وی، زیر عنوان پژوهش‌های فلسفی (یا: «بازجویی‌های فلسفی»، یا «تحقیق‌های فلسفی») بازنموده می‌شود. نوشتن این اثر در ۱۹۴۵ به پایان رسید، ولی نخست به سال ۱۹۵۳ یعنی دو سال پس از مرگ ویتگنشتاین بیرون آمد. ویتگنشتاین در این اثر فلسفه‌ای را باز می‌نماید که هر چند به یک تعبیر فرگشت رساله‌ای منطقی - فلسفی است، ولی فلسفه‌ای است در بُن دیگر سان با فلسفه رساله منطقی - فلسفی، و هم ارزانه دارای اهمیت و ارزش.

در پایان ترجمه فهرستی از نام‌های افرادی که در متن رساله یاد شده‌اند، و نیز یک واژه‌نامه چهارزبانه آلمانی، انگلیسی، فرانسه، فارسی از واژه‌ها و اصطلاح‌های رساله منطقی - فلسفی، همراه با فهرست راهم‌ای واژه‌های انگلیسی فرانسه و فارسی، تنظیم شده است.





کاس بلازاده

کتاب و نشریه در مطالعات علمی - آکادمیک دوش به دوش و شانه به شانه هم پیش می‌روند. بسیاری از مطالب انتشار یافته در نشریات تخصصی نه تنها ثمره آخرین یافته‌های پژوهشی را بازمی‌تابند، که کتاب‌های تازه در زمینه‌های مورد بحث را نیز به خوانندگان می‌شناسانند. در تاریخ مطبوعات ایران نشریاتی نظیر «هنر و مردم»، «رودکی»، «سخن»، «نشر دانش»، «معارف»، «باستان‌شناسی و هنر ایران» و امثال آن سهم بزرگی در آشنایی مردم با مطالعات ایرانی داشته‌اند. شاید از این روست که سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مقالات نشریاتی نظیر هنر و مردم و رودکی را منتشر می‌کند. برخی پژوهشگران بر این باورند که گاه یک مقاله تخصصی ارزشی بالاتر از چند کتاب دارد، زیرا مولف نه تنها هنگام نوشتن بر ده‌ها کتاب چشم داشته بلکه محصول فکر و اندیشه خود را نیز بر نوشتارش افزوده است. حسین تقوی در فاصله ۱۷ سالگی که «موسسه گنجینه نشریات ایران» را سامان بخشیده، راهی بس دراز پیموده و به یکی از جدی‌ترین مراکز کتاب و به ویژه نشریه بدل شده است. نگارنده در این گفت‌وگو به هیچ وجه سر آن ندارد که به تبلیغ این چهره بپردازد، بلکه بیشتر مایل است چشم‌اندازی از دشواری‌های گردآوری و اهمیت نشریات ادواری در ایران را مقابل نظر خوانندگان بگشاید. با این امید که این وجه از شاخصه‌های چاپ و نشر را نیز مد نظر قرار دهند.

گفت‌وگو با حسین تقوی مدیر مؤسسه گنجینه نشریات ایران

نشریات ادواری و اهمیت علمی - پژوهشی آنها

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی آنها را در چند جلد به زیر چاپ برد. به هر حال، متأسفانه اکثر دانشگاه‌های آزاد و دولتی فاقد این نشریاتند و واحدهایی که دانشجوی بسیار دارند، جایی برای نشریات ندارند و خیلی از استادان آگاه و دلسوز که بدین امر واقفند، با تأسف نمی‌دانند دانشجویانشان را برای کارهای پژوهشی سراغ چه کسی بفرستند. برخی از مسوولان هم از این امر چشم پوشیده و در نمایشگاه‌ها برای کتابخانه‌هایشان این منابع را نمی‌خرند.

جز شما، چه کسانی دیگری نشریات ادواری خرید و فروش می‌کنند؟

به گسترده‌گی کار من کسی نیست، ولی برخی دوستان نظیر آقای شهبازی، آقای ملک یا آقای تبریزی، در این پاساژ - صفوی - یا جاهای دیگر در این زمینه فعالند و گرچه منابع را به تعداد زیاد ندارند، اما همین که زحمت می‌کشند، کارشان قابل تقدیر است. پیش‌تر آقای قاسمی هم در این کار بودند که مجموعه نشریات ایشان را خودم خریدم و علاوه بر آن، باید از آقای گلچین نیز یاد کرد. از پژوهشگران، آقای محمد گلبن را باید نام برد که مجموعه خود را به کتابخانه آستان قدس رضوی دادند و آقای دکتر رادفر و علی اکبر علایی و بسیاری از علاقه‌مندان به صورت خودجوش در گوشه منازلشان بدین کار اهتمام می‌ورزند که زحماتشان را نمی‌توان نادیده انگاشت.

به نظر شما چرا کتابخانه‌های مهم و مراکز دانشگاهی فاقد این نشریات هستند؟

به گمانم مهم‌ترین علت این است که تخصص برخی از روسای کتابخانه‌ها کتابداری نیست و اگر هم باشد، متأسفانه به این کار علاقه ندارند و به قصد گذران زندگی کار می‌کنند. چون اگر کسی عاشق باشد، پس از همفکری با مدیران گروه‌ها، معاونان پژوهشی و استادان دلسوز هیات علمی به تهیه این منابع می‌پردازد تا آنها را در اختیار دانشجویان قرار دهد. چون دانشگاه‌ها بودجه تجهیز کتابخانه دارند و باید از آن برای این امر بهره بگیرند. همان‌طور که در رشته‌های فنی به لابراتوار و کارگاه نیاز است، در رشته‌های علوم انسانی برعکس بر منابع نوشتاری اعم از نشریات قدیم و جدید و کتاب‌های مورد نیاز تکیه می‌شود. دیده شده که برخی معاونان پژوهشی که از رشته‌های فنی به این مقام نائل آمده‌اند، با کم‌توجهی از کنار نشریات و کتاب‌ها می‌گذرند. اگر دانشگاه‌های ما کتابخانه‌هایشان را به روز کنند، منابع موجود به جای این که راهشان را به دانشگاه‌های خارج بگشایند، در داخل کشور باقی می‌مانند.

شما اصل مجلات را می‌فروشید یا آنها را تکثیر (کپی) می‌کنید و به فروش می‌رسانید؟

مجلات ما عموماً اصل هستند، اما گهگاه برخی از محققان یا کتابخانه‌ها به صورت جسته و گریخته برای ارزان‌تر تمام شدن، افست می‌خواهند و شما خودتان دیده‌اید که با چه دقتی این کار را انجام می‌دهیم، به نحوی که گاهی مجلات افست مطبوعاتی پارس از اصل بهتر به نظر می‌رسند. ولی در هر حال ۹۹ درصد نشریات موسسه اصل هستند، اما در دهه بعد می‌خواهیم برای حفظ و از میان نرفتن این اسناد



است و به ناچار به صورت میکروفیلم یا زیراکس عرضه می‌شود و شاید همین امر بر ارزش و اعتبار آنها نزد پژوهندگان بیفزاید.

بنابراین، می‌بینید که بسیاری از نشریات مربوط به عهد قاجار یا دوره پهلوی اول در هیچ کتابخانه‌ای از جمله مجلس شورای اسلامی، آستان قدس رضوی و کتابخانه ملی و کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به چشم نمی‌خورند. البته من مدعی نیستم که همه آنها در مطبوعاتی پارس وجود دارند، اما به هر حال اینجا چیزهایی داریم که در کتابخانه‌های یادشده نیستند و تصمیم دارم آنها را اسکن کرده‌یابه صورت پی‌دی.اف در اختیارشان قرار دهم. امیدوارم در همه دانشگاه‌ها این مسأله جابجفتد که ارزش برخی نشریات از کتاب‌های مشابه بالاتر است. مقالات مجله «هنر و مردم» و «رودکی» آنقدر با ارزش بودند که انتشارات

دایرةالمعارف اسلامی، دکتر اشرف زاده، دکتر سریر و بسیاری دیگر از چهره‌های مهم علم و ادب ایران. **حدوداً چند عنوان نشریه دارید؟**

هزار و پانصد دوره مجله داریم که تعدادی از آنها فهرست شده که برای کتابخانه‌ها ارسال می‌شود و امیدواریم این تعداد را در آینده نزدیک به دو هزار عنوان برسانیم.

قدیم‌ترین مجله‌ای که دارید، متعلق به چه دوره‌ای است؟

نشریات قاجاری است که بعضی را به صورت دوره‌های کامل و برخی را تک شماره داریم که در نمایشگاه‌های مختلف در معرض بازدید عموم قرار می‌دهیم، نظیر صور اسرافیل، ادب، روح القدس و نشریات چاپ سنگی و چاپ سربی.

کتاب یا نشریه به نظر شما کدام یک معتبرترند؟

هر دو. در کارهای تحقیقاتی و مطالعاتی هر دو مورد نیازند و ایران‌شناسان و محققان به یکسان از آنها بهره می‌گیرند، اما ارزش نشریات شاید بدان دلیل کمی بیشتر باشد که یک پژوهشگر برای نوشتن یک مقاله کتاب‌های بسیاری می‌خواند و در واقع حاصل مطالعاتش را با عقایدش درمی‌آمیزد و به خواننده عرضه می‌دارد. اینجاست که یک مقاله علمی و آکادمیک اعتباری بیش از کتاب می‌یابد. از سوی دیگر، چون تعداد نشریات تخصصی در ایران زیاد نیست و تیراژ آنها کم است و مثلاً از یک نشریه گاه چهار هزار شماره انتشار یافته، اگر تاریخ چاپش به نیم قرن قبل برسد، سخت نایاب و دور از دسترس

از چه سالی به گردآوری نشریات ادواری ایران پرداختید؟

از سال ۱۳۷۲ به این کار وارد شدم و اکنون حدود ۱۷ سال است که «مطبوعاتی پارس» شکل گرفته است.

پیش از شما چه کسانی به این کار مشغول بوده‌اند؟

قبل از من، آقایان ابوالحسن باستانی و قدرت‌الله آذری نشریات ادواری را جمع‌آوری و دوره‌ها می‌کردند. لازم به ذکر است که آقای آذری در «انجمن کتاب» کارمند آقایان یارشاطر و ایرج افشار بود و با راهنمایی ایشان به این کار پرداخت و دوره‌های مجلات را کامل می‌کرد و برای دانشکده‌های اروپا و آمریکا می‌فرستاد و فکر می‌کنم قرار است در آینده‌ای نزدیک بزرگداشت نامه یا ویژه‌نامه‌ای در یکی از نشریات به ایشان اختصاص یابد. آقای آذری در طبقه دوم پاساژ صفوی مغازه داشت - که البته بنده هم الان آنجا هستم - او پس از تعطیل انجمن کتاب با راهنمایی آقای ایرج افشار این مغازه را باز کرد. وی در سال ۱۳۷۱ از دنیا رفت و پس از درگذشت او مغازه واگذار شد. باید اضافه کنم که دانشگاه هاروارد و حتی کنگره آمریکا از آقای آذری خرید می‌کردند.

آقای باستانی نیز کارمند بانک بود و از دهه ۲۰ به این کار پرداخت و ابتدا در میدان توپخانه سابق (امام خمینی‌ره) بساط می‌کرد و پس از مدتی در طبقه پنجم ساختمانی در اوایل خیابان فاطمی دفتری گشود و چون ارتباط‌های لازم را با مراکز پژوهشی داخل و خارج نداشت، مجله‌هایی را که دوره‌ها می‌کرد، و البته بیشتر به کشور ژاپن و مراکز فرهنگی داخل کشور فرستاده می‌شد، در کتابفروشی پیام می‌گذاشت. وی در سال ۱۳۸۲ درگذشت.

علت علاقه شما به نشریات ادواری چه بود؟

بعد از فوت آقای آذری، یک روز به پاساژ صفوی مراجعه کردم و دیدم مغازه ایشان بسته و ایشان از دنیا رفته است. آن موقع کتابفروشی می‌کردم - گرچه اکنون هم همراه مجلات، گاه کتاب‌های گوناگونی خریداری می‌کنم - فکر کردم فردی باید این شغل را ادامه بدهد تا نشریاتی که به دردمحققان و پژوهشگران می‌خورد، گردآوری و نگهداری شود. پس از آغاز به کار تجربیات زیادی به دست آوردم و بایگویی‌هایی که داشتم بسیاری از کتابخانه‌های داخل و خارج مرا شناختند و کتاب‌ها و مجلات مورد نیازشان را از من می‌خرند.

مثل کدام کشورها و دانشکده‌ها؟

آمریکا، انگلیس، ژاپن و آلمان و دانشگاه‌های واشنگتن، آکسفورد و تویویون کوزاپن و امثال آن. **از ایران‌شناسان و محققان داخلی و خارجی با چه کسانی آشنا هستید؟**

پروفیسور لوفت، آقای مارزلف، دکتر ایرج پارسی‌نژاد، استاد ایرج افشار، دکتر شفیعی کدکنی، دکتر باستانی پاریزی، مرحوم دکتر احمد تفضلی، دکتر آموزگار، دکتر علی اشرف صادقی، دکتر فتح‌الله مجتبیایی، دکتر محمدجعفر یاحقی، دکتر قاسم انصاری، دکتر طهماسبی، دکتر عطاءالله کوپال، دکتر عقدايي، دکتر بزرگ خالقی، دکتر رسول جعفریان، رییس کتابخانه مجلس، آقای بجنوردی، رییس

اگر دانشگاه‌های ما کتابخانه‌هایشان را به روز کنند، منابع موجود به جای این که راهشان را به دانشگاه‌های خارج بگشایند، در داخل کشور باقی می‌مانند

ارزشمند، آنها را به صورت پی.دی.اف در آوریم و به کتابخانه‌ها ارائه دهیم.

نحوه تهیه کتب و مجلات شما به چه شکل است؟
نشریات و کتاب‌هایمان را از منزل استادان قدیم در گذشته و کتابخانه‌های شخصی افرادی که مهاجرت می‌کنند، یا به پول نیاز دارند یا خدای ناکرده از دنیا می‌روند و ورثه آنها را برای فروش به ما ارائه می‌دهند، تهیه می‌کنیم و بعد از صحافی مناسب در اختیار کتابخانه‌های داخل و خارج قرار می‌دهیم. البته من چند هزار مجله از آقای ابوالحسن باستانی از نخستین مجله‌فروش‌های کشور و همین‌طور آقای قاسمی، که ادبیات خوانده بود و به جمع‌آوری و دوره‌کردن نشریات عشق می‌ورزید، خریداری کرده‌ام. برخی از کتابفروشی‌های دست دوم هم، بعد از خرید کتابخانه، چون مجلات موجود در آن را نمی‌توانند بفروشند، به ما مراجعه می‌کنند.

مشتاخان خرید نشریات چه کسانی‌اند؟

کتابخانه‌ها و مراکز فرهنگی - تحقیقاتی، سازمان‌های دولتی، استادان، محققان و علاقه‌مندان به مطبوعات سده اخیر ایران مشتری ما هستند.

چرا بعضی شماره‌های مجلات کمتر پیدا می‌شود و دوره کردن نشریات را دشوار می‌سازد؟

چون در شروع چاپ هر نشریه، تیراژ آن کم است تا سلیقه و علاقه مردم و مخاطبان توسط مسوولان و نویسندگان درک شود. به همین دلیل شماره‌های سال‌های نخست اکثر نشریات بسیار کمیابند. البته شماره‌های بالا و وسط مجلاتی هم به اقتضای زمان و تاریخ ناپایند، مثل مجله «خواندنی‌ها» که سال‌های ۳۰ تا ۳۲ آن (دوران دکتر مصدق) یا نشریه «کتاب هفته» - از مجله‌های دهه ۴۰ روزنامه کیهان - که شماره‌های ۹۰ تا ۱۰۴ آن کمتر قابل دسترس است.

نحوه قیمت‌گذاری نشریات به چه صورت است؟
ما نشریاتمان را به صورت دوره‌های کامل و صحافی شده با عطف چرمی آماده می‌سازیم تا افراد بیشتری از آنها بهره‌گیرند. از این رو، هنگام ارزش‌گذاری، قیمت نشریه، مدت زمان چاپ، تعداد شماره‌های انتشار یافته و صحافی لحاظ می‌شود. نکته جالب توجه این‌که هر سال در خردادماه در لندن کتابفروشی‌های دست دوم، یا به تعبیری عتیقه‌فروشان کتاب، گردهم می‌آیند و قاعدتاً ما هم باید در آنجا حضور پیدا کنیم، چون بسیاری از مجموعه‌هایمان در کتابخانه‌های جهان دست به دست می‌شود و امیدوارم این امکان برایمان فراهم آید. زیرا ادبیات فارسی آنقدر ارزشمند است که به قول گوته، برای درک و دریافت غزلی از حافظ، ارزشمند است فارسی بیاموزیم و اکنون بر ماست که در این راستا گام برداریم.

پیشنهاد شما برای ارتقای این کار چیست؟

به گمانم مهم‌ترین کاری که شهرداری تهران به دلیل اهمیتی که برای کار فرهنگی در جامعه قائل است می‌تواند انجام دهد، راه‌اندازی کتابخانه ویژه تخصصی نشریات به نام «شهر مجلات» است. البته بسیاری از کتابخانه‌های مهم کشور نظیر مجلس، ملی و دانشگاه‌ها و فرهنگستان زبان و ادب مجلات خوبی را گردآورده‌اند که کارشان دست‌میزاد دارد، اما از آنجا که این مراکز بیشتر به دانشجویان سرویس می‌دهند، شهر مجلات شهرداری می‌تواند عموم مردم و علاقه‌مندان را به مطالعه برانگیزد. در صورتی که چنین مکانی به وجود آید حاضرم بسیاری از نشریاتم را به صورت تک‌تک به قیمت بسیار نازل در اختیار دانشجویان رشته‌های مختلف ادبیات و علوم انسانی، تاریخ، فقه و الهیات، معماری و هنر قرار دهم تا مردم به مطالعه خوب بپردازند، زیرا همه حالتی نوستالژیک نسبت به نشریات قدیم دارند و به وجود آمدن «شهر مجلات» یا «موزه نشریات» در این زمینه راهگشاست. ما اکنون موزه جواهرات و ساعت و ماشین را داریم که با استقبال قابل توجهی مواجه‌اند. از آنجا که جزو نخستین کشورهای صاحب مطبوعات هستیم، می‌توانیم نشریات ایران را از دوره قاجار تاکنون به صورت کتاب درآورده و با توضیحات لازم در اختیار شهرداری قرار دهیم تا با تأسیس مرکزی، علاقه‌جویان را به تاریخ و فرهنگ خود برانگیزد.

گفت‌وگو با فرید دهقان: مترجم و گردآورنده کتاب «معماری اماکن مذهبی»

توجه به تاریخچه ادیان در معماری اماکن مذهبی

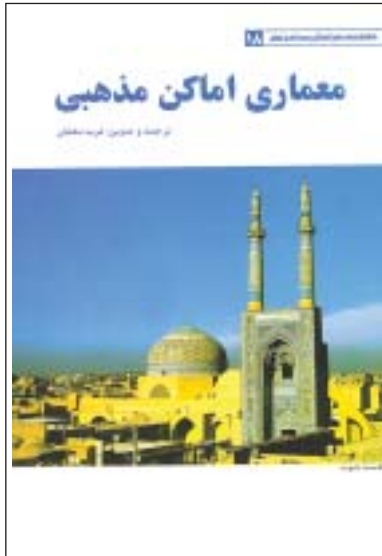
بدهم. مترجم خودش را در مرحله‌ای ندانسته که بخواهد وارد ماهیت این اماکن بشود. فقط هر یک را جداگانه در فصل‌های مختلف توصیف کرده‌ام. بدون اینکه بخواهم بگویم این خوب است یا آن بد است. فقط یک جور اطلاع‌رسانی انجام داده و قضاوتی نکرده‌ام.

یک معمار برای آنکه ساختمان عبادتگاهی را طراحی و برای ساخت آن اقدام کند، باید به جای توجه بیشتر به جنبه‌های دیگر معماری، بر مسأله سنت و عقاید مربوط به آن دین متمرکز شود. حفظ فضای روحانی و اصالت بنا، نکته‌ای است که پیروان هر یک از مذاهب درباره عبادتگاهشان به آن اهمیت می‌دهند و این نکته‌ای نیست که یک معمار بتواند آن را نادیده بگیرد. یعنی معمار باید سابقه تاریخی و اعتقادی را که در باورهای مردمان پیرو هر یک از مذاهب وجود دارد، در نظر داشته‌باشد و آن را در طراحی و ساخت عبادتگاه، مبنای اساس کارش قرار بدهد.

در کتاب «معماری اماکن مذهبی» سعی کرده‌ام شاخص‌ترین و مهم‌ترین ویژگی‌های مرتبط با اماکن مذهبی شامل مسجد، کلیسا و کنیسه را مورد بررسی قرار دهم و سبک‌های مختلف همراه تصاویر مربوط به معماری آن بنا را هم در کنار توضیحات کلی تر بیاورم. در واقع قصد این بوده که کتاب راهنمایی برای معماران جوان باشد.

در کتاب از نقشه‌ها و پلان‌ها هم استفاده کرده‌اید. آیا تصاویر را از اصل کتاب‌ها انتخاب کرده‌اید؟ درباره تصاویر مربوط به معماری مساجد چطور؟
استفاده از پلان‌ها و مقیاس‌ها برای چنین کتابی ضروری بود. در واقع برای اینکه بتواند دید بهتری به خواننده بدهد، در کنار مطالب آورده شده‌اند. از آنجایی که کتاب «معماری اماکن مذهبی» یک کتاب آموزشی است لازم است که با مستندات مثل نقشه‌ها و پلان‌ها همراه باشد تا معمارانی که کتاب‌رامی‌خوانند بتوانند استفاده کاربردی هم از آن داشته‌باشند.

اغلب عکس‌ها و پلان‌ها هم از کتاب‌های اصلی و منابع مطالب انتخاب شده‌اند. البته عکس‌ها و نقشه‌های مربوط به معماری‌های اسلامی که اغلب مساجدند، از کتاب‌های ایرانی و پلان‌های موجود استفاده شده و نیازی نبوده که از روی کتاب اصلی اسکن شوند. عکس‌های روی جلد کتاب هم که تصویری از مسجد جامع یزد است، همان عکسی است که روی اسکناس‌های بیست تومانی قدیم هم بود و شاهکار مهندسی ایران و یک معماری بی‌نظیر است. برای همه کسانی که به یزد می‌آیند بازدید از این مسجد یکی از اولویت‌ها است.



عنوانی مانند «معماری اماکن مذهبی» بسیار گسترده به نظر می‌آید. از طرف دیگر، شما مقایسه معماری اماکن مذهبی سه دین بزرگ را در نظر گرفته‌اید آن هم در کتابی با این حجم کم. آیا نکته ویژه‌ای وجود دارد که تأکیدتان بر آن بوده‌است؟ در واقع چه وجهی از معماری این اماکن مدنظرتان بوده‌است؟
این کتاب بیشتر می‌خواهد به معماران جوان، محدودیت‌ها و الزامات معماری اماکن خاص را یادآوری کند. اماکن مذهبی در معماری به عنوان یکی از اماکن خاص مطرح است که ویژگی‌های منحصر به خودش را دارد. این مکان‌های خاص در معماری می‌توانند استادیوم‌ها، هتل‌ها، رستوران‌ها و... باشند که برای معماری‌شان باید کارکرد و ویژگی‌هایشان را مورد نظر قرار داد. یعنی این اماکن خاص، معماری‌های خاص خودشان را هم دارند. این کتاب بیشتر یک کتاب آموزشی برای دانشجویان و علاقه‌مندان رشته معماری است که محدودیت‌ها و نقاط قوت این اماکن را در معماری به طور مختصر مورد بحث قرار داده‌است. این کتاب خیلی هم ادعای کامل بودن را ندارد و بسیار خلاصه است.

آیا در مقایسه‌ای که کتاب از اماکن مذهبی ادیان مختلف انجام داده، قرار است ویژگی‌های مشترکی بینشان پیدا و معرفی شود؟ آیا اصولاً کتاب مبنا را بر مقایسه نوع معماری این اماکن قرار داده‌است. در کل اینکه هدف از این گردآوری چه بوده‌است؟
ببینید من سعی نکرده‌ام مقایسه تطبیقی بین معماری اماکن مذهبی در مذاهب مختلف انجام

دسمیه مومنی: «مجموعه کتاب‌های طراحی فراگیر ساختمان» مجموعه آثار مربوط به معماری اند که به صورت موردی به مشخصات فنی و عناصر تشکیل‌دهنده یک ساختمان می‌پردازد. دلیل آنکه در مجموعه حاضر، تمرکز بر موضوعی خاص از معماری مورد نظر قرار گرفته، ایجاد تخصص و امکان بررسی دقیق‌تر برای خواننده بوده‌است. انتشارات «یزدا» با ترجمه و انتشار نخستین کتاب این مجموعه «معماری اماکن مذهبی»، که ترجمه و گردآوری آن را فرید دهقان به عهده داشته‌است، در صدد افزودن کتاب‌های مرتبط دیگری به این مجموعه است. در گفت‌وگویی با فرید دهقان درباره این کتاب و مباحثی که در آن مورد بررسی قرار گرفته‌اند به صحبت نشستیم. حاصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

این کتاب عنوان «ترجمه و تدوین» را بر روی جلد دارد. برای تدوین این کتاب چگونه دست‌به‌انتخاب منابع زدید؟

همان‌طور که اشاره کردید، این کتاب بر اساس ترجمه و تدوین گردآوری شده‌است. یعنی من کتاب واحدی را ترجمه نکرده‌ام و به دنبال موضوعی خاص، منابع مختلف را مورد بررسی قرار داده و بخش‌هایی را انتخاب کردم. کتاب «معماری اماکن مذهبی»، در پنج فصل ارائه شده و مبنا و اساس آن هم بررسی خلاصه و کوتاه معماری کلی اماکن مذهبی بوده‌است. البته من در این کتاب تنها معماری‌های مربوط به سه دین بزرگ یعنی اسلام، مسیحیت و یهودیت را مورد بررسی قرار داده‌ام. در معماری اماکن مذهبی هر یک از این ادیان، الزامات خاصی وجود دارد. یعنی هر یک بر اساس اعتقادات و باورهای مذهبی خود، نقشه‌وپلان‌ساختمان را طراحی می‌کنند. مثلاً در دین اسلام، نمازگزار باید در موقع عبادت رو به قبله بایستد و همین مسأله در معماری بنای مسجد، که مهم‌ترین مکان مذهبی مسلمانان است، نقش بسیار مهمی را بازی می‌کند. همین‌طور است درباره بقیه ادیان. این کتاب بر اساس ویژگی‌ها و الزامات منحصر به فردی که معماری هر یک از این ادیان دارند، تنظیم شده‌است.

ضمن اینکه بخشی از کتاب هم به معماری اماکن مذهبی مسلمانان در مالزی اختصاص دارد. دلیل آن هم تفاوت این معماری با معماری سنتی است که از مساجد می‌شناسیم. یعنی طیف خاص و شکل ویژه‌ای داشته‌و به همین دلیل بررسی جداگانه‌ای روی معماری مساجد در این کشور مسلمان انجام شده‌است.

نگاهی به کتاب «موسیقی جهان»

بررسی آثار کهن موسیقی بین‌النهرین

«موسیقی را می‌توان محصول و زاییده نوع انسان دانست، تاریخ‌شان می‌دهد که انسان به هر نقطه‌ای پا گذاشته، موسیقی نیز در آن مکان پدید آمده‌است. به قول فوکس کمتر زمانی از دل تاریخ می‌توان مکانی یافت که موسیقی به آن راه نیافته باشد. با این همه، بدون داشتن شناختی عمیق از گونه‌های مختلف موسیقی، نمی‌توان به تنهایی از موسیقی سخن گفت.»

این گفته‌ها بخش‌هایی از مقدمه دکتر محمد مهدی لیبی رییس پژوهشکده مردم‌شناسی، زبان‌کتبی‌ها و متون بر کتاب «موسیقی جهان» نوشته محسن حجاریان است. کتاب حاضر که چاپ نخست آن بهار امسال و توسط انتشارات کتابسرای نیک و پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری وارد کتابفروشی‌ها شده، در شمارگان ششصد جلد و در دو جلد سی و پنج صفحه عرضه شده‌است. این کتاب شامل مقالاتی درباره موسیقی بین‌النهرین باستان موسیقی مصر و بابل و... و مقالات و نوشته‌های گردآوری شده‌ای درباره موسیقی ملت‌هایی چون اندلس، چین، ژاپن، هند، کامبوج و اندونزی است.

مترجم در توضیحاتی دلایل اهمیت مطالعه آثار باستانی بین‌النهرین را با وجود عدم تطابق آن با فرهنگ کنونی ما ایرانیان بر می‌شمرد. او یافتن دلیلی برای این مسأله را در مطالعه دقیق چنین آثاری نهفته می‌داند و معتقد است شناخت ریشه‌های مشترک قسمت‌هایی از موسیقی دور دست سرزمینمان در

گرو دانستن همین مقولات و شناخت ابزار موسیقایی کهن بین‌النهرین، عیلام و شوش است. به گفته محسن حجاریان، موسیقی‌شناس، همان اندازه که بخش‌هایی از اساطیر معماری و مجسمه‌سازی ایران باستان با فرهنگ کهن بین‌النهرین گره خورده‌است، بی‌تردید بخش‌هایی از موسیقی ایرانی - حتی اگر از زاویه سازشناسی هم باشد - با موسیقی بین‌النهرین در ارتباط بوده‌است. مقاله «موسیقی سامر و بابل» از کتاب تاریخ ابزار موسیقایی نوشته کورت زاکس به عنوان نخستین مقاله کتاب «موسیقی جهان» انتخاب شده‌است. زاکس آثار ارزشمندی در شناخت مسائل تاریخ موسیقی و موسیقی‌شناسی تطبیقی تالیف کرده‌است. مقاله دیگر با عنوان «موسیقی بین‌النهرین باستان» نوشته جرج فارمر و انتخاب شده از کتاب تاریخ موسیقی آکسفورد است. مقاله سوم هم در اصل کتابچه مستقلی است به نام تحقیقات جدید بر موسیقی خاور نزدیک که توسط سه باستان‌شناس و موسیقیدان دانشگاه کالیفرنیا به نام‌های کیلمر، کروکر و براون نوشته شده‌است. پس از هر مقاله، منابع و مآخذ مورد استفاده، به انگلیسی آورده شده‌اند.

در بخش‌های دیگر هم ضمن اشاره به زمینه‌های اجتماعی، مذهبی، جغرافیایی و سیاسی کشورها تأثیر آنها را بر موسیقی این ملت‌ها بیان کرده‌است. به طور مثال در بخش مربوط به موسیقی ژاپن، زمینه‌های تاریخی موسیقی شناختی این سرزمین مورد بررسی قرار گرفته‌است. نویسنده این مقاله معتقد است که تاریخ موسیقی ژاپن را اساساً بر پایه دوره‌های سیاسی اقتصادی ژاپن دسته‌بندی می‌کنند و سپس به توضیح این پنج دوره تاریخی در موسیقی ژاپن می‌پردازد.



از چهارشنبه تا سه شنبه با سرای اهل قلم خانه کتاب

قرآن؛ گل سرسبد سرا بود

سرای اهل قلم خانه کتاب با برگزاری نشست های نقد، بررسی و معرفی کتاب و همچنین ایجاد فضایی مناسب برای گفت و گو و تبادل نظر اهل قلم، زمینه رشد و اعتلای فرهنگی کشور را مهیا کند. در نشست هایی که هفته گذشته در سرای اهل قلم برگزار شد، کارشناسان و منتقدان حوزه قرآن و ادبیات در جلساتی جداگانه به بحث و گفت و گو نشستند که برگزاری دو جلسه با محور موضوعات قرآنی، کلام خداوند متعال را بار دیگر گل سرسبد سرای اهل قلم ساخت.

به کارگیری مباحث زبان شناسی و نشانه شناسی تبصر ویژه ای کسب کرده است، نشانه شناسی و فهم متن به ویژه در حوزه کتاب های مقدس مانند قرآن کریم بسیار دشوار و مورد توجه است. من عنوان 'حیات نص' را بیشتر برای این نوشتار می پسندم، زیرا نص و متن دارای حیانتند و خواننده با این عنوان ارتباط بیشتری پیدا می کند. با وجود این که نویسنده این کتاب از دانش های زبان شناسی و فلسفه استفاده کرده، اما تمرکز بر نشانه شناسی به ویژه ارتباط با تفسیر قرآن کریم بیشتر است. در این کتاب بر چند حوزه نظام معنایی قرآن کریم به عنوان کتاب مقدس و کشف آن و همچنین یافتن سازوکارهای تکثیر معنای قرآن کریم تاکید شده است. نکته اساسی این است که در آثاری با موضوع نشانه شناسی بیشتر مثال ها به حوزه ادبیات و رمان اختصاص دارند و مسایلی نظیر تفسیر قرآن کریم مورد اعتنا و عنایت قرار نگرفته است. یکی از نکات مثبت در نگارش این نویسنده، بی توجهی به شک و شبهه های موجود نسبت به تفکر غرب است. خوشبختانه نویسنده این کتاب با تئوری ها از این جهت که شبهه ای وارد و نقد کند، مواجه نشده، بلکه با آنها همدلی و از برخی نکات تئوری های غربی استفاده و برخی که جایگاهی در قرآن کریم نداشته اند را تفکیک کرده است.



از مباحث غربی و سنتی است. در عنوان این کتاب سعی شد تا ترکیبی از غرب و سنت حفظ شود. همچنین بر اساس مدل مطرح شده، واژه ها همانند سلول هایی اند که در فضای متون گوناگون به لحاظ دلالت و معنا رشد و دلالت های جدیدی پیدا می کنند. لفظ بیولوژی در عنوان کتاب به معنای اتخاذ گرایش نشانه شناسی ویژه است.

دکتر عبدالله نصری، عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی و پژوهشگر حوزه فلسفه و گفتمان های فلسفی - فکری: قضاوت درباره نکات مثبت و منفی این نوشتار نیازمند چند شرط مانند آشنایی با دانش های زبان شناسی، فلسفه زبان و هرمنوتیک است. با توجه به این که نویسنده کتاب سالیان متمادی در این حوزه فعالیت کرده و در

مشکل است. این روزنامه نگار به دنبال نقاشی به نام کامینسکی می رود تا زندگی نامه او را بنویسد و تلاش می کند با دست یابی به رازهای زندگی شخصی او و مطرح کردن دوباره اش، خود به موفقیت در ژورنالیسم نزدیک شود اما در این راه شکست می خورد.

سعید فیروزآبادی، مترجم زبان آلمانی رمان 'من و کامینسکی': این کتاب از آن آثار زودگذر و سطحی نیست. هر چند نویسنده آن جوان است و هنگام نوشتن این کتاب هم زیر ۳۰ سال سن داشته است، اما کتابش قابل تفکر و قابل بحث است و آثار این نویسنده در فهرست ۱۰ کتاب برتر سال آلمان قرار گرفته اند. قالب 'زمان هنرمندان' از زمان گوته در ادبیات آلمان آغاز شده و هنوز رواج دارد. در این نوع رمان ها، پرداختن به زندگی یک هنرمند بهانه ای می شود برای بحث درباره هنر و بررسی وجوه مختلف آن. به عنوان مثال رمان 'مرگ در ونیز' اثر توماس مان در این گونه ادبی است. این قالب قواعد خاصی دارد و در واقع زیرمجموعه رمان آموزشی

نشانه های جدید برای تشریح تفسیر قرآن

نشست نقد و بررسی کتاب 'بیولوژی نص: نشانه شناسی تفسیر قرآن' با حضور دکتر عبدالله نصری مولف و پژوهشگر حوزه فلسفه، دکتر علیرضا قائمی نیا، استاد فلسفه دانشگاه تربیت مدرس و یاسر هدایتی، دبیر نشست در سرای اهل قلم خانه کتاب برگزار شد.

دکتر علیرضا قائمی نیا، مولف کتاب 'بیولوژی نص': نشانه شناسی تفسیر قرآن و استاد فلسفه دانشگاه تربیت مدرس: نشانه شناسی جدید تاکنون در مطالعات دینی و تفسیر کتاب های مقدس جایگاه خود را نیافته است. یکی از اهدافم از تالیف این نوشتار، تشریح مباحثی در معرفت دینی و تفسیر قرآن کریم با استفاده از دستاوردهای نشانه های جدید بود.

اگرچه عنوان این کتاب بر تفسیر قرآن کریم اشارت دارد، اما بیشتر مباحث آن در باب نظریات متون دینی تدارک دیده شده است. مباحث این نوشتار از جمله دغدغه هایم از سال های اخیر بوده است. مباحث نشانه شناسی از قرون وسطی و یونان باستان مطرح بوده، اما از قرن بیست تاکنون نشانه شناسی به عنوان دانشی جدید مطرح شده است. فلسفه پیشنهادی من در این نوشتار، کمک گرفتن

اثری قابل تحسین از دنیای غرب

نقد و بررسی کتاب 'زیفایتهای قرآن کریم' با حضور امید حدائق، کارشناس قرآنی و پژوهشگر حوزه فلسفه و کلام، با دبیری دکتر بخشعلی قنبری، نویسنده دینی و کارشناس ادیان در سرای اهل قلم برگزار شد.

دکتر قنبری: با وجود این که کتاب حاضر نتایج پژوهش هایی است که سال ۱۹۹۰ در انگلستان انجام و با تاخیر به زبان فارسی برگردانده شد، اما اثری است که جای تامل دارد. این مجموعه در ۱۳ مقاله و سه بخش، مباحثی را در بررسی قرآن کریم و ویژگی های آن ارائه می کند. از آنجایی که نام کتاب 'زیفایتهای قرآن کریم' است، در مطالعه آن انتظار می رود بانوعی نگرش درباره قرآن کریم مواجه شویم، در حالی که برخی از مقالات به هیچ وجه این گونه نیستند و تنها به بررسی ارتباط میان دو موضوع یا تحلیل بخشی از یک سوره اختصاص دارند.

امید حدائق، قرآن پژوه و مدرس حوزه فقه و فلسفه: با توجه به این که تلاش بسیاری در یافتن متن اصلی این اثر کردم و موفق به یافتن نسخه لاتین آن نشدم، اما این گونه به نظر می رسد که پدیدآورنده این اثر (ویراستار انگلیسی آن) باید در راستای یکدست کردن مقالات ارائه شده تلاش بیشتری می کرد، چرا که ساختار و شکل هر مقاله تا حدی متفاوت از سایر مقالات است که علاوه بر دشواری هایی در مطالعه کتاب، بی علاقه گی نیز در خواندن آن ایجاد می کند.

با توجه به این که مدت زمان زیادی از تالیف نسخه اصلی مقالات در دو دهه گذشته، سپری شده و اغلب نگارندگان آنها دیگر در قید حیات نیستند، در برخی مقالات به نکاتی توجه شده که موجب شگفتی است.

باید به غربی ها تبریک گفت که هر یک از مقالاتشان در این اثر با وجود برخی از نقایص، نشان از مطالعه فراوان و دقت زیادشان در این حوزه دارد. آنان تسلط فراوانی بر آثار کهن این حوزه داشته اند و با متدلوژی وارد ادبیات قرآنی شده اند، اما در برخی مباحث نیز خروج از مطالب اصلی در آنها دیده می شود. همچنین آنها در این قرآن پژوهی تنها به منابع اهل سنت مراجعه کرده اند و جای خالی استفاده از آرای علمای شیعی در تکمیل دیدگاه ها و دستاوردهایشان به چشم می خورد. حق این بود که منابع شیعی را هم مطالعه می کردند تا گاه دچار برداشت های واژگون نشوند.

هجویه های بر ژورنالیسم عجول

رمان 'من و کامینسکی' اثری از دانیل کلمان، نویسنده جوان آلمانی در سرای دائمی اهل قلم با حضور سعید فیروزآبادی، مترجم اثر، علی عبداللهی، مترجم زبان آلمانی و احسان عباسلو، منتقد ادبی، بررسی شد.

عباسلو، منتقد و دبیر جلسه: جوایز گوناگونی که از سال ۲۰۰۳ تا همین پارسال به این نویسنده آلمانی تعلق گرفته، نشان از وی دارد و این که او نویسنده ای قابل اعتناست. این رمان سرگذشت یک روزنامه نگار و منتقد ۳۱ ساله است که به دنبال موفقیت و کامیابی در روزنامه نگاری است. خواننده متوجه می شود که او انسان موفقی نبوده و در تحصیلات دانشگاهی هم شکست خورده است. همچنین پی می برد که این شخصیت هرچند فردی است بسیار جاه طلب، اما در رسیدن به موفقیت ناآگاه است و راه پیروزی را نمی داند، همچنین همواره با دیگران دچار چالش و

برگزین ترین و فروخته ترین نام کتاب ایرانی، ج. فجر، ساختن فجر، بلاک ۷
تلفن: ۸۸۴۱۸۶۵۳-۸۸۴۲۹۸۵

خانه کتاب منتشر کرد



نوبیای چشم جان
تحلیل موضوعی عبرت
از نگاه مولانا در منوی معنوی

تألیف: دکتر محمد کاظم یوسف پور
تعداد صفحات: ۲۲۲
قیمت: ۴۸۰۰۰ ریال
جلد: شومیز



شهود حسین
عزیزی و نهر به ریبا نگری

تألیف: مرزده احمدزاده هروی
تعداد صفحات: ۲۰۰
قیمت: ۲۹۵۰۰ ریال
جلد: شومیز



سویه های تاریخ نگاری انقلاب اسلامی

به اهتمام: خانه کتاب
تعداد صفحات: ۵۱۲
قیمت: ۷۵۰۰۰ ریال
جلد: شومیز



ایران و سیاست جهانی در آغاز قرن بیستم

زیر نظر: دکتر داریوش رحمانیان
به کوشش: منیر قادری
تعداد صفحات: ۴۶۲
قیمت: ۷۹۰۰۰ ریال
جلد: شومیز



عباس سلیمی نمین، پژوهشگر و مدیر دفتر مطالعات و تدوین تاریخ ایران است. این مورخ چندی پیش کتاب "ورای نموده‌ها و نمادها" را با همکاری مسعود رضایی منتشر کرده است که انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری اسلامی ایران را از زاویه سه‌نامه و سه پاسخ، بررسی می‌کند. به مناسبت ۲۲ خرداد، سالگرد دهمین انتخابات ریاست جمهوری، گفت‌وگویی با سلیمی نمین انجام داده‌ایم و با او درباره چگونگی نوشتن تاریخ این انتخابات و کتابی که در این زمینه نوشته، سؤالاتی را مطرح کرده‌ایم. سلیمی نمین در عین این که معتقد است ضرورت تاریخ‌نگاری انتخابات دهم بیشتر از گذشته حس می‌شود، اما می‌گوید: هنوز زمان تاریخ‌نگاری این رخداد فرا نرسیده است. او همچنین معتقد است که برای نوشتن کتاب حاضر، به منابع مختلفی رجوع کرده است.

گفت‌وگوی کتاب هفته با عباس سلیمی نمین

هنوز زمان تاریخ‌نگاری انتخابات دهم نرسیده است

مقدمه‌ای است برای نگاه عمیق‌تر به موضوع. این کتاب تاریخ‌نگاری نیست بلکه دعوتی است به اینکه در هر گروهی که هستید جزم‌اندیش نباشید و به صورت دوجانبه به موضوعات نگاه کنید و تصور نکنید که تنها منابعی که شما آنها را قبول دارید و موافق نظر شماست درست و معتبرند.

این که هر یک از جریانات سیاسی چه سهمی در بروز خطاها داشتند که مرزبندی‌ها را به ویژه میان نیروهای سیاسی داخلی و بیگانه در هم ریخت، موضوع بحث این اثر نیست و در این کتاب تأکید ما بر آن است که در شرایط ویژه‌ای مانند شرایط بعد از انتخابات دهم برای تشخیص حقیقت باید اولاً از قطعی تصور کردن اظهارات غیرمستند به طور جدی اجتناب کرد، ثانیاً بهترین راه دستیابی به حقیقت مواجه ساختن اظهارنظرهای معارض با یکدیگر است؛ لذا در کتابی که نوشته شده ابتدا استدلال نیروهای شاخص داخلی که به روند انتخابات (قبل و بعد از رأی‌گیری) معترض بودند انعکاس یافته و سپس به نقد آنها پرداخته‌ایم.

قصد نوشتن کتاب دیگری درباره تاریخ‌نگاری انتخابات دهم را ندارید؟

الان باید بیشتر گردآوری منابع کرد و ماهم کارهایی در این زمینه در دفتر مطالعات انجام می‌دهیم.

قطعاً. ما در قالب یک کتاب این یادداشت‌ها را منتشر کرده‌ایم. البته تفاوت این کتاب با سایر آثاری که در این زمینه منتشر شده، این است که در این کتاب تنها یک روایت منتشر نشده است بلکه روایت‌های گوناگون را منتشر کرده‌ایم. روایت آقای میر حسین موسوی، آقای هاشمی، آقای کدیور... همه در این کتاب آورده شده است. اینها یک طرف بحث‌اند و پاسخ‌هایشان را هم آورده‌ایم. ما نیامده‌ایم یک روایت را به سمع خوانندگان برسانیم بلکه همه را گفته‌ایم تا خواننده قضاوت کند. مثلاً نامه آقای هاشمی و جواب آن آمده است.

کتاب "ورای نموده‌ها و نمادها" که از سوی دفتر مطالعات و تدوین تاریخ ایران منتشر شده، با دیگر آثار مشابه چه تفاوت‌هایی دارد؟

من در مورد کتاب‌های دیگری که در این زمینه چاپ شده‌ام نمی‌توانم قضاوت کنم، اما روش آنها با این کتاب متفاوت است. این کتاب دوجانبه‌نگری را آموزش می‌دهد و به هیچ وجه یک دیدگاه را منتشر نکرده است. نظریات کسانی که معتقد بوده‌اند در انتخابات تقلب شده آمده و جواب داده شده که آیا استدلال آنها منطقی بوده است یا نه؟ البته این کار حرکتی در جهت تاریخ‌نگاری نبوده است بلکه نورافکندن بر یک بحث پیچیده تاریخ معاصر بوده و



آیا می‌شود برای این تاریخ‌نگاری به منابع بیگانه هم رجوع کرد؟

نه اینکه می‌شود، بلکه قطعاً باید به منابع بیگانه هم رجوع کنیم. البته در تاریخ‌نگاری رجوع به منابع بیگانه، با علم به این است که ممکن است این منابع گرایشی به دشمنان داشته یا دارای جهت‌گیری‌های خاص باشند. ولی در تاریخ‌نگاری هیچ منبعی از قلم نمی‌افتد و شناختی در کنار آن موضع‌گیری شکل می‌گیرد و ما می‌فهمیم که این منبع چه گرایش‌های اقتصادی و سیاسی دارد. در واقع ما از منابع خارجی با علم به همه این چیزها و جهت‌گیری‌های مالی این منابع استفاده می‌کنیم. حتی در مورد روایان دیگر هم نباید تسلیم راوی بشویم، بلکه روایت‌های مختلف باید تقاطع داده شوند.

مهم‌ترین تفاوت این انتخابات با انتخابات قبلی چیست که ضرورت نوشتن تاریخ آن به صورت ویژه رخ می‌نماید؟

در این انتخابات پیچیدگی‌های بیشتری نسبت به انتخابات دیگر وجود داشت. این انتخابات لایه‌های مختلفی دارد که ما یکسری از این لایه‌ها را دیدیم و یکسری را ندیدیم. طبیعی است که فتنه در شرایطی صورت می‌گیرد که یکسری از لایه‌ها از دید مردم پنهان شوند و تشخیص حقیقت برای آنها سخت شود. در این یک سال برخی سرمایه‌گذاری‌ها برای تشویش جامعه صورت گرفت تا آن منابع کشف نشوند دست‌هایی که بدخواه ملت بودند از کاندیداها استفاده کردند تا در جامعه تنش ایجاد شود. حالا آیا این ارتباطات با کاندیداها به صورت مستقیم بوده است؟ یا نتیجه تمایلات نخبگان زیاد خواه بوده است؟ یا ارتباطاتی میان برخی عناصر نزدیک به کاندیداها و آن دست‌های پنهان وجود داشته است؟ قطعاً در مورد جریانی که اختلاف در مورد آن بیشتر است، هر جریان و گروهی اقدام به تاریخ‌نگاری می‌کند تا مسئله را به نفع خودش رقم بزنند. در این مورد به دلیل اختلاف نظر، تاریخ‌نگاری می‌کنند تا دیدگاه و عملکرد خود را به کرسی بنشانند و خود را حق‌نشان دهند. مسلماً وقتی سرمایه‌گذاری از سوی هر یک از جریان‌ها صورت بگیرد، تشخیص حقیقت نیز سخت‌تر می‌شود.

خود شما یادداشت‌هایی در این زمینه دارید که بعدها بتوان از آن در نوشتن این تاریخ این رویداد از آن استفاده کرد؟

آقای سلیمی نمین، ابتدا بفرمایید که آیا پس از گذشت یک سال از انتخابات دهم ریاست جمهوری، ضرورت نوشتن تاریخ این انتخابات محسوس است یا خیر؟ تاریخی که بتواند به طور جامع به تمامی قضایای پیدا و پنهان این انتخابات بپردازد.

مسائل تاریخی زمانی به نگارش درمی‌آیند که به صورت منطقی، زمان قابل توجهی از آن رخداد گذشته باشد. قبل از سپری شدن این زمان، تاریخ‌نگار نمی‌تواند کار قابل اعتنایی در این زمینه ارائه بدهد. البته افراد می‌توانند روایت‌های خودشان را بگویند، بعد باید این روایت‌ها با هم تقاطع داده بشوند و سپس به یک استنباط درست نزدیک بشویم. این کار زمان می‌خواهد تا همه واقعیات و آنچه مطلعان در جریان آن بوده‌اند بیان شود و ملاحظات نیز رعایت نشود. چون تاریخ‌نگاری نوشته می‌شود که ملاحظات به حداقل برسد. آن موقع تاریخ‌نگار یک رخداد به نگارش درمی‌آید و فضا برای کشف حقیقت باز می‌شود. مسلماً در مورد وقایع سال گذشته، امسال بهتر از ارسال و سال آینده بهتر از امسال می‌توانیم تحلیل کنیم، اما فقط تحلیل و نه تاریخ‌نگاری. برای تحلیل قطعاً فضا خوب است، اما زمان تاریخ‌نگاری این رخداد هنوز فرا نرسیده است. مسلماً ما اکنون به مرحله تاریخ‌نگاری یک قدم نزدیک شده‌ایم ولی هنوز به زمان آن نرسیده‌ایم.

اگر زمان لازم برسد و نویسنده‌ای بخواهد تاریخ‌نگاری انتخابات دهم ریاست جمهوری را انجام بدهد، آن مورخ چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟

نویسنده باید قطعاً انسان منصفی باشد. انصاف به معنی موضع نداشتن نیست، قطعاً همه اهل نظر و فکر دارای موضع‌اند، اما نباید مواضع خود را در بیان نظرات مختلف و در جمع‌بندی‌های دخالت بدهند. اگر ما اهل نظر و قلمی را در این زمینه داشته باشیم که بتواند بدون موضع‌گیری شخصی به بیان رخدادها بپردازد، به تجربیاتی در زمینه این رخدادها دست خواهیم یافت تا همه افراد با گرایش‌های مختلف بتوانند به این تجربیات دست یابند. من معتقدم نخستین ضرورت در این قضیه، بحث انصاف است. ممکن است ما به عنوان تاریخ‌نگار با کسی موافق نباشیم، اما نباید با او در تاریخ‌نگاری ناعادلانه برخورد کنیم. حرف درست را بپذیریم و در برابر حرف غلط موضع بگیریم. البته به ندرت این اتفاق در تاریخ‌نگاری رخ می‌دهد و اغلب تاریخ‌نگاران نمی‌توانند از موضع فردی خود فاصله بگیرند، اما همیشه آن تاریخ‌نگاری برد بیشتری دارد که پایبندی به اصول را داشته باشد. این اصول راهکاری را پیش روی ما قرار می‌دهد. این اصول که بحث آن خیلی طولانی است شامل دیدن منابع مختلف است و بعد باید هر منبعی را به تناسب روایت‌کننده منبع آن ببینیم. اینکه آیا راوی خودش در صحنه حضور داشته است یا نه؟ اگر نداشته به عنوان منبع دست دوم، مستقل عمل می‌کند؟ آیا راوی راست‌گوست؟ یک اصولی در تاریخ‌نگاری وجود دارد که مورخ باید به آن پایبند باشد که اگر نباشد می‌تواند منابع غیرموقتی یا منابع سست یا مانیعی را که دست اول نیستند، استفاده کند. مورخ باید اول به کسانی مراجعه کند که در آن حادثه نقش داشته‌اند و از نزدیک شاهد آن بوده‌اند. بعد به منابعی رجوع کند که آدم‌های صادق به نقل از منابع دست اول می‌گویند.

پنجمین جشنواره کتاب برتر کودک و نوجوان

۳ تا ۱۱ آبان ماه

به مناسبت هجدهمین دوره هفته کتاب

بیستمین سالگرد تأسیس انجمن فرهنگی ناشران کتاب کودک و نوجوان

مهلت ارسال آثار: ۱۳۸۹/۴/۱۵

فقط کتاب‌های چاپ اول ۱۳۸۸

دبیر خانه جشنواره: کریم خان زند، ابتدای خیابان حافظ، کوچه هور چهر

شماره ۱۳ - طبقه ۳ - تلفن: ۸۸۹۱۸۸۳۶-۸

انجمن فرهنگی ناشران کتاب کودک و نوجوان



نگاهی به آثار منتشره درباره فتنه پس از انتخابات ریاست جمهوری

واکنش مکتوب اهل قلم به رویدادی غیر فرهنگی

تبیین جایگاه انتخابات در نظام مردم سالاری دینی

کتاب «انتخاب سبز» توسط معاونت آموزشی-پژوهشی سازمان تبلیغات اسلامی درباره بایدها و نبایدهای انتخابات از منظر آیات و روایات منتشر شد. این کتاب تلاشی برای تبیین جایگاه انتخابات در نظام «مردم سالاری دینی» و معیارهای انتخاب در آن است. کتاب «انتخاب سبز» در شش فصل جایگاه خطیر مسولیت در اسلام، شرایط نامزد انتخاباتی از منظر اسلام، اخلاق انتخاباتی، اخلاق انتخاباتی نامزدها در زمان انتخاب، اخلاق انتخاباتی هواداران در زمان انتخابات و اخلاق انتخاباتی بعد از پیروزی در انتخابات تألیف شده است.

آثاری با محوریت فتنه

بسیاری از آثار منتشر شده، با این نگرش که حوادث رخ داده، از وقوع فتنه توسط برخی افراد و گروه‌ها حکایت می‌کنند، بررسی تاریخی فتنه و فتنه‌گری را محور اصلی خودشان قرار داده‌اند.

از جنگ جمل تا جنگ نرم

یکی از این کتاب‌ها کتاب «موج فتنه؛ از جنگ جمل تا جنگ نرم» نوشته احمدحسین شریفی بود که به چاپ هجدهم نیز رسید. این کتاب که از سوی کانون اندیشه جوان منتشر شده، با تکیه و تأکید بر سخن و سیره امام علی (ع) ابعاد گوناگون بحث فتنه را به اختصار می‌کاود. نخستین چاپ این کتاب آذر ماه سال ۸۸ منتشر و چاپ هفدهم آن نیز ۲۲ بهمن ماه سال گذشته روانه بازار نشر شد. هجدهمین چاپ این اثر نیز از سوی سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی به زودی راهی بازار کتاب می‌شود و مجموعه‌شمارگان این اثر را به ۲۵۰۰۰ نسخه می‌رساند.

گر دباد فتنه، آمد

از دیگر آثاری که بعد از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در سال گذشته منتشر شد، کتاب «گر دباد فتنه» بود.

این کتاب به کوشش همت سهراب پور از سوی انتشارات سلمان فارسی روانه بازار نشر شد.

این اثر پژوهشی، عوامل شکل‌گیری فتنه، نمونه‌های تاریخی و زمینه‌های ظهور آن را همراه شناخت ویژگی‌های فتنه‌گران در بردارد و می‌کوشد حقایق اسلام را به عنوان دینی که برنامه‌های روشنی برای اداره جامعه دارد، معرفی کند.

موضوعاتی نظیر معنای فتنه و ریشه‌های آن، زمینه‌های ظهور فتنه‌گران، نمونه‌هایی از فتنه‌های تاریخی، نشانه‌های فتنه‌گران و شیوه‌های مبارزه با فتنه‌گران، فصول پنج‌گانه این نوشتار را رقم می‌زند. همچنین کتاب «فتنه؛ خاستگاه‌ها، عوامل و راهکارها در کلام مقام معظم رهبری» از جمله کتاب‌های قابل تامل در این حوزه بود که از سوی سازمان ملی جوانان استان قم منتشر شد. این کتاب برای نخستین بار در بهمن ماه سال گذشته به بازار نشر آمد.

سکوت نابجا

یکی دیگر از این آثار کتاب «فتنه و فتنه‌گران: با نگاهی به نهج البلاغه امام علی (ع)» بود که به همت مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت منتشر شد.

در این گفتار با توجه به گستره وسیع ابعاد فتنه و ضررهای آن برای جامعه اسلامی و این که سکوت دیگران در فتنه باعث مظلومیت حق و اقتدار باطل می‌شود و چنانچه به یاری باطل هم بشتابند، پیروزی مضاعفی برای جبهه باطل پیش می‌آید، به شناخت فتنه و نشانه‌های فتنه و فتنه‌گران و راه‌های مبارزه با آن پرداخته شده است.



توسط مرکز اسناد انقلاب اسلامی منتشر شدند. این کتاب با تدوین فرشاد مهدی پور به شبهات مطرح شده با عنوان تقلب پرداخته و با توجه به مبادی قانونی و بدون جهت‌گیری خاص، به آنها پاسخ داده است. کتاب «تقلب بزرگ» توسط مرکز اسناد انقلاب اسلامی منتشر شده است.

حوادث «شنبه بعد از انتخابات»

کتاب «شنبه پس از انتخابات» نیز با نگاهی به انقلاب‌های رنگین کشورهای جهان، در قالب تاریخ‌نگاری به بررسی حوادث پس از انتخابات دهم ریاست جمهوری پرداخته است. این کتاب که با اهتمام محمد سعید کاوه و توسط مرکز اسناد انقلاب اسلامی منتشر شده است، به بررسی حوادث روزهای قبل و بعد از انتخابات دهم ریاست جمهوری و بازتاب‌های آن از ۲۱ خردادماه تا ۱۱ تیرماه ۱۳۸۸ می‌پردازد.

کتاب «شنبه پس از انتخابات» به چاپ رسید.

منشور انتخابات با تکیه بر کلام رهبر

کتاب «منشور انتخابات، راهبردها و رهیافت‌های رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت الله خامنه‌ای»، کاری از شب‌نم نادری است. این کتاب مآخذ مهم و کاملی از بیانات رهبر معظم انقلاب است که در قالب چارچوبی منظم و منطقی مباحث مربوط به انتخابات را ارائه کرده است. کتاب «منشور انتخابات» برای نخستین بار در بهار سال جاری به همت انتشارات اهل قلم و یاری مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی منتشر شد.

دادگاه هشتاد و هشت» در بازار کتاب

بعد از حوادث رخ داده پس از انتخابات ریاست جمهوری در سال گذشته، برخی افراد برای محاکمه به دادگاه‌ها فراخوانده شدند.

کتاب «دادگاه هشتاد و هشت» هم حاوی متن کامل کیفرخواست‌های دادستان و دفاعیات متهمان و قایع پس از انتخابات توسط مؤسسه خبرگزاری فارس منتشر شده است.

کتاب مذکور مستندی است از سیر حوادث و اتفاقات قبل و پس از انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۸.

این کتاب در دو جلد به انضمام تصاویر مربوط، شرح تفصیلی جریان رسیدگی به اتهامات متهمان حوادث پس از انتخابات را در معرض دید خوانندگان قرار می‌دهد.

خامنه‌ای (مدظله‌العالی) منتشر شد.

کالبدشکافی یک فتنه

«کالبدشکافی فتنه هشتاد و هشت» شامل نمایه بیانات رهبر معظم انقلاب از اول فروردین سال جاری در حرم امام رضا (ع) تا سخنانشان در جمع مبلغان مذهبی در آستانه ماه محرم است.

این کتاب در قالب نمودار درختی در پنج فصل تنظیم شده که در فصل اول شاهد سخنان رهبری پیش از انتخابات هستیم که در آن به وظیفه مردم، نامزدها، چالش‌های پیش رو و آسیب‌های احتمالی پرداخته شده است. فصل دوم، مواضع، تحلیل‌ها، آسیب‌شناسی، توصیه‌ها و هشدارهای ایشان در فاصله انتخابات تا نماز جمعه تاریخی ۲۹ خرداد را در بر می‌گیرد.

ماجرای فتنه و جوانب آن و همچنین راهکارهای رهبری برای خروج از فضای فتنه، فصل سوم این کتاب را تشکیل می‌دهد. فصل چهارم به موضوع بصیرت توجه دارد و فصل پنجم به جنگ نرم و بازی بازیگرانش می‌پردازد.

با مطالعه این اثر، خواننده می‌تواند به یک درک جمع‌بندی شده و نظام‌مند از مواضع، تحلیل‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی در برابر این فتنه دست پیدا کند؛ خطوط اصلی تحلیل ماجرا را به دست آورد؛ ارزیابی جامعی از عوامل موثر در ماجراهای پس از انتخابات داشته باشد و جایگاه، نقش و وظایف خود را در افق آینده مشخص کند.

از دیگر آثار منتشر شده در این حوزه می‌توان به کتاب «تحلیلی بر انتخابات دهم ریاست جمهوری و حوادث پس از آن» اشاره کرد.

این کتاب از سوی مؤسسه پژوهشی مطالعاتی انصارالحسین (ع) منتشر شد.

کتاب «تحلیلی بر انتخابات دهم ریاست جمهوری و حوادث پس از آن» به عنوان یک کارمقدمانی و اولیه در راستای تحلیل سیاسی انتخابات و مسائل بعد از آن است.

از طنز تا نگاه مستند

دو کتاب «جنبش سبز مخملی» و «شورش اشرفیت بر جمهوری» در تبیین طنزگونه و دیگری مستند و تحلیلی حوادث پس از انتخابات سال گذشته است. کتاب جنبش سبز مخملی حاوی کاریکاتورهایی از مازیار بیژنی است.

کتاب «شورش اشرفیت بر جمهوری» از نخستین کتاب‌هایی است که به موضوع انتخابات دهم ریاست جمهوری و حوادث پس از آن می‌پردازد. نویسنده و ناشر این کتاب حمیدرضا اسماعیلی است.

در این اثر که از ۹ فصل تشکیل شده، ریشه‌های ایدئولوژیک، سیاسی و اجتماعی حوادث پس از انتخابات بررسی شده است.

کتاب‌های «تقلب بزرگ» و «شنبه پس از انتخابات»

پس از این حوادث که از

بیست و سوم خرداد ماه

سال ۱۳۸۸ آغاز شد، برخی از

اهالی قلم نیز به فکر افتادند

تا از زوایای مختلف به این

مسائل نگاه کنند و

نگرششان را در قالب چند

عنوان کتاب درآوردند

در هنگامه تبلیغات نامزدهای دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری کشورمان در سال گذشته، شور و هیجان خاصی بر کشور حاکم شد که متأسفانه پس از اعلام نتیجه انتخابات، این شور هیجان روند دیگری به خود گرفت و در بسیاری از موارد کنش و واکنش‌هایی در سطح جامعه پیش آمد که بسیاری از آنها هرگز درخور جامعه فرهنگی ایران اسلامی نبودند.

پس از این حوادث که از بیست و سوم خرداد ماه سال ۱۳۸۸ آغاز شد، برخی از اهالی قلم نیز به فکر افتادند تا از زوایای مختلف به این مسایل نگاه کنند و نگریشان را در قالب چند عنوان کتاب درآوردند. این گزارش، نگاهی اجمالی دارد بر برخی آثاری که با موضوع حوادث بعد از انتخابات دهم ریاست جمهوری و مسایل مرتبط با آن به رشته تحریر درآمده‌اند.

آثاری با محور انتخابات و حوادث بعد از آن

گروه نخست از این آثار، کتاب‌هایی بودند که مستقیم به بررسی حوادث بعد از انتخابات ریاست جمهوری و علل رخ دادن آنها پرداختند.

روند پژوهشی تا مطالبات غیرقانونی

روناپذیری دهمین انتخابات ریاست جمهوری» به قلم محمد جعفر محمدزاده منتشر شد.

این کتاب سیر تحولات سیاسی کشور از نخستین روزهای شروع فعالیت‌های انتخاباتی تا انتخابات دهم و روزهای پس از آن را در معرض قضاوت می‌گذارد.

در صفحات این کتاب جریان شناسی انتخابات دهم، ائتلاف‌های پیدا و پنهان در احزاب سیاسی و سیر تحولات انتخابات و گزیده دیدگاه‌های سیاسی صاحب‌نظران و گزارش روزانه اخبار دهمین انتخابات ریاست جمهوری، همراه چکیده مطالب مهم مطبوعات در برهه انتخابات، بررسی شده‌اند.

به نظر می‌رسد با توجه به روزنگاری و مستند بودن عمده مطالب و یادداشت‌های این اثر می‌توان از آن به عنوان نخستین کتاب رونداپژوهی انتخابت دهمین دوره ریاست جمهوری نام برد.

محمد جعفر محمدزاده در زمان انتخابات دهم ریاست جمهوری، معاون ارتباطات و اطلاع رسانی دفتر رییس جمهور بود.

کتاب «روزهای انتخاب» از سوی مؤسسه انتشاراتی روزنامه ایران منتشر شده است.

همچنین کتاب «مطالبات غیرقانونی» تألیف گروهی از محققان مؤسسه انتشارات قدر ولایت به انتشار رسید.

این اثر وقایع قبل و بعد از انتخابات دهم ریاست جمهوری را بررسی می‌کند.

تعامل پژوهشی رفتار انتخاباتی

کتاب «نظریه‌های رفتار انتخاباتی در ایران، الگوها و نظریه‌ها» تألیف دکتر علی دارابی بود. این کتاب یکی از جدیدترین و کامل‌ترین کتاب‌ها در حوزه تحلیل رفتار انتخاباتی با رویکرد علمی پژوهشی به حساب می‌آید که دکتر علیرضا ازغندی از استادان علوم سیاسی ایران بر آن مقدمه‌ای نگاشته، مشتمل بر یک پیشگفتار و چهار بهره که هر یک دارای چندین فصل و بخش است نتیجه‌گیری، فهرست منابع و مآخذ و ضمائم مورد استفاده را در خود جای داده است.

کتاب «رفتار انتخاباتی در ایران» از سوی انتشارات سروش منتشر شده است.

کتاب «کالبدشکافی فتنه هشتاد و هشت» از سوی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی

گل می نویسیم، سلامتی می خوانیم

چاپ می شوند.

رضا احمدی، مدیر عامل نشر علم کشاورزی، در این باره می گوید: «با پیشرفت جوامع امروزی از جمله ایران به سمت آپارتمان نشینی، بسیاری از مناطق طبیعی ما مثل باغ ها، مراتع و مزارع تغییر کاربری داده شده اند و به مجتمع های مسکونی تبدیل می شوند. این پدیده در بسیاری مناطق شامل دربند، درکه و کن و سولقان در تهران به خوبی مشاهده می شود. مردم ما نیز برای بهره مندی از طبیعت به پرورش گل و گیاه در آپارتمان های خود بسنده می کنند و در این باره به اطلاعاتی در این حوزه نیاز دارند. به همین دلیل، بسیاری از کتاب هایی که در سال های اخیر چاپ می شوند، درباره پرورش گل های آپارتمانی بحث می کنند. موضوع قابل تذکر در این باره این است که ناشران در حالی این کتاب ها را برای عموم مردم تولید می کنند که به چاپ منابع مکتوب برای آگاهی مسولان از عاقبت ناخوش از بین بردن طبیعت و گل و گیاه توجهی ندارند. بسیاری از این گیاهان که در آپارتمان های ما نگهداری می شوند، از کشورهای دیگر به این مرز و بوم وارد شده اند و به تدریج توانسته اند با شرایط ایران سازگاری پیدا کنند. اگرچه این گلها وارداتی اند، اما استفاده از آنها در مقایسه با گل های مصنوعی که در بعضی منازل نگهداری می شوند، ارجحیت دارند، لذا ما هم ناچاریم از پرورش گل های آپارتمانی در کتاب ها صحبت کنیم.»

دکتر جمشید حکمتی، استاد دانشگاه و مولف کتاب های کشاورزی در این باره می گوید: «با توجه به پیشینه علاقه ایرانی ها به گل و گیاه، قطع رابطه آنها با طبیعت امری محال است. با گسترش زندگی شهری، مردم ما گلدان های کوچک را در منازل خود نگهداری می کنند و در این وضعیت ما مولفان باید راه و روش نگهداری این نوع گیاهان را که از کشورهای دیگر به ایران آمده اند، در کتاب هایمان به آنها آموزش دهیم. این گل ها و گیاهان معمولاً مختص مناطق گرمسیری و نیمه گرمسیری اند که به تدریج در گلخانه ها با شرایط ایران سازگار می شوند. در نتیجه اگر ما با تولید کتاب های آموزشی عمومی در این باره صحبت نکنیم، مردم مابه گل های مصنوعی پناه می برند که هیچ خاصیتی ندارند.»



گیاه شناسی داریم، اما همچنان فضاهای سبز شهری از فقدان گیاهان متنوعی که در سراسر ایران می رویند، رنج می برند و شاید بانگاهی به پارک ها و بوستان های اطراف محل کار یا منزلتان به این باور رسیده باشید اما بسیاری از کارشناسان علت این امر را کمبود اطلاعات حاصل از تحقیق درباره کشت و پرورش گیاهان در فضای سبز عنوان می کنند. دکتر مظفریان در این باره می گوید: «متأسفانه اطلاعات ما در حوزه کشت و پرورش، تکثیر و معرفی گونه گیاهانی که می توان از آنها در فضای سبز استفاده کرد، بسیار محدود است و آنچه درباره کاشت و مشخصات گونه های گیاهان در فضاهای سبز می خوانیم، برگرفته از دیگران است و در این حوزه به مطالعات جدی نیاز داریم.»

فقدان فضاهای سبز و طبیعی شهری سبب شده است تا مردم به پرورش گل و گیاه در خانه هایشان بسنده کنند، خانه هایی که امروز تبدیل به آپارتمان هایی با مساحت محدود شده اند و نگهداری از گیاهان در آنها به شرایط ویژه ای نیاز دارد. یکی از راه های آگاهی از این شرایط، مطالعه کتاب هایی است که توسط ناشران تخصصی حوزه کشاورزی

مختلف گیاهی ایران را به زبان فارسی برای متخصصان گیاه شناسی معرفی می کند. همچنین آثار مکتوب دیگری درباره گیاهان خودروی ایران داریم که از جمله آنها کتاب «رستنی ها» نوشته دکتر مبین یا «فلور رنگی ایران» تالیف دکتر قهرمان هستند.

اما همه گیاهان در ایران خودرو نیستند و بسیاری از درختان و درختچه هایی اند که از کشورهای دیگر آمده و در ایران کاشته شده اند و بومی سرزمین ما نیستند، اما چون در کشور ما وجود دارند، باید آنها را بشناسیم. به همین دلیل کتاب هایی به معرفی این گونه های گیاهی می پردازند که متخصصان گیاه شناس آنها را گیاهان کاربردی می دانند.

دکتر مظفریان در این باره می افزاید: «در مناطق مختلف ایران مثل خوزستان، بندرعباس یا حتی پارک ها و حیات منازل در تهران، بسیاری از درختان و درختچه هایی کاشته شده اند که بومی ایران نیستند. من در کتابی به همه این گونه ها اشاره کرده ام و نوشته ام که هدف ما شناخت گیاهان ایران است و باید بگوییم ایران علاوه بر گیاهان خودرو، تیره های گیاهی دیگری هم دارد.»

اگرچه ما منابع علمی خوبی در حوزه های مختلف

طبیعت چنان نقش مهمی در سلامت روحی و روانی افراد ایفا می کند که مسولان برای یادآوری این مهم ۲۵ خرداد هر سال را با عنوان گل و گیاه نامگذاری کرده اند. متخصصان علوم روانی و اجتماعی ارتباط با طبیعت و کاشتن گل و گیاه را از مهم ترین راه های رسیدن به آرامش می دانند که متأسفانه امروزه در زندگی شهری به فراموشی سپرده شده است.

تکنولوژی و زندگی شهری با رشد سریع خود، نه تنها طبیعت و منابع سرسبز آن را با سرعت هرچه بیشتر نابود می کند، بلکه فرصت اندیشیدن به گل و گیاه را هم از انسان ربوده است. این مشکل ویژه یک منطقه، شهر یا کشور نیست، بلکه همه دنیا را فراگرفته است، زیرا صنعتی شدن از اهداف اصلی همه جوامع دنیاست که در این راستا لحظه ای درنگ به منزله شکستی بزرگ در راه پیشرفت جهانی به شمار می آید. ایران نیز به عنوان کشوری در حال توسعه از این قاعده جهانی مستثنی نیست و با همین سرعت به سمت صنعتی شدن پیش می رود، با این همه اوضاع جغرافیایی و طبیعت ایران، عوامل مناسبی برای رشد و نمو بسیاری از گیاهان را فراهم کرده اند.

دکتر ولی الله مظفریان، عضو هیات علمی موسسه تحقیقات جنگل ها و مراتع کشور، یکی از این کارشناسان است که درباره گیاهان خودرو و منابع علمی آن در ایران می گوید: «حدود هشت هزار گونه گیاهی به صورت خودرو در ایران می رویند که به دلیل این تنوع، گیاه شناسی کار بسیار دشواری است. از سال ها قبل افراد بسیاری در این باره مطالعه کرده اند و آثار مکتوب خوبی از آنها به جامانده است. نخستین کتاب ها در این باره توسط خارجی هایی نوشته شدند که روی گونه های گیاهان ایران تحقیق می کردند. از مهم ترین آنها «فلورا ایرانیکا» نوشته رشنگر است که فردی اتریشی بود و با تحقیق روی گونه های گیاهی ایران این کتاب را سال ۱۹۶۳ نوشت. این اثر از ارزشمندترین کتاب هایی است که در اختیار گیاه شناسان قرار دارد، اما بعد از این، ما ایرانی ها نیز بیکار ننشستیم و با تأسیس موسسه تحقیقات جنگل ها و مراتع کشور، کتاب ها و نشریات مختلفی از گونه های گیاهی ایران تولید کردیم. در این باره می توانم به ۶۵ جلد کتابی اشاره کنم که تیره های

کمبود اعتبار؛ مانعی سر راه تولید کتاب برای کشاورزان

نشریات می تواند پاسخگوی بسیاری از مشکلات روستاییان باشد و توانایی مهارت آنها را در امر کشاورزی و دامداری افزایش دهد.»

آمارها نشان می دهند که در سال گذشته ۵۴ عنوان کتاب در حوزه کشاورزی چاپ شدند که شاید تنها ۹ عنوان آنها به امر آموزش کشاورزی، آن هم تنها به متخصصان این حوزه می پردازند. به نظر می رسد جای کتاب های ترویج و آموزش کشاورزی به زبان ساده برای روستاییان در این میان بسیار خالی است.

دکتر جهان پناه می گوید: «ما در بخش تولید منابع مکتوب کشاورزی فعالیت های چشمگیری داشته ایم. سال گذشته ۱۲۰ عنوان نشریه ترویجی استانی و نزدیک به ۵۷ عنوان نشریه، بروشور و کتاب ملی برای کشاورزان چاپ کرده ایم.»

وی می افزاید: «این منابع علمی مکتوب که به موضوع های مختلف در حوزه کشاورزی و دامداری می پردازند، در اختیار روستاییان قرار داده شده اند. از آنجا که این نشریات و کتاب ها برای روستاییان نگارش می شوند و مخاطبان دیگری ندارند و بخش خصوصی نیز رغبتی برای سرمایه گذاری در این حوزه ندارد، بنابراین در بخش منابع مکتوب نیازمند اعتبارات مالی بیشتر از طرف وزارتخانه ایم تا بتوانیم آنها را به تعداد مطلوب تولید کنیم.»

صورت مکتوب، توسط مسولان وزارت جهاد کشاورزی به کشاورزان انتقال داده می شوند.

دکتر بیژن جهان پناه، سرپرست دفتر امور ترویج و بهبود نظام های ترویجی معاونت ترویج و آموزش وزارت جهاد کشاورزی، در این باره می گوید: «وظیفه بخش تحقیقات در وزارت جهاد کشاورزی، تولید علم است و این بخش تولیداتش را در قالب منابع علمی مکتوب به بخش ترویج و آموزش می سپارد تا به کشاورزان انتقال داده شوند. ما در این دفتر یافته ها را که بیشتر جنبه علمی تخصصی دارند، با شرایط کشاورزان در روستاها تطبیق می دهیم و در قالب مطالب ساده علمی نشریات ترویجی، برای آنها بیان می کنیم.»

وی در پاسخ به این سوال که «چرا مطالب حوزه کشاورزی به صورت کتاب در اختیار کشاورزان قرار نمی گیرند؟» می افزاید: «کتاب ها معمولاً حاوی مطالب تخصصی کشاورزی اند که برای کشاورزان قابل فهم نیستند. مخاطبان ما کشاورزانی بعضاً بی سواد یا کم سوادند که که باید یافته های روز کشاورزی را که توسط محققان در آزمایشگاه ها حاصل آمده اند، بدانند. به همین دلیل ما این مطالب تخصصی را در نشریات یا کتابچه هایی کم حجم همراه با متنی ساده و تصاویری مرتبط می گنجانیم و در اختیار آنها قرار می دهیم. متن این

هستی فروزان: امنیت غذایی جامعه و ابعاد اقتصادی تولید در گرو کشاورزی است و این علم در همه دنیا جایگاه ویژه ای دارد. اهمیت کشاورزی در ایران نیز سبب شده تا ۲۵ خرداد هر سال را با عنوان روز جهاد کشاورزی نامگذاری کنند.

در سالگرد چنین روزی باید توجه داشته باشیم که متناسب با پیشرفت علوم و همچنین فناوری ها و تکنولوژی های جدید، کشاورزی نیز بسیار متحول و از حالت سنتی خود خارج شده است. محققان و متخصصان، این علوم نوین را راهی برای افزایش تولید و بهره وری در کشاورزی می دانند که هرچه سریع تر باید به کار گرفته شوند.

اما در حال حاضر به کارگیری کشاورزی نوین بر عهده کشاورزانی است که معمولاً از سطح دانش پایینی برخوردارند و فهم مسایل تخصصی برایشان سخت است. کشاورزان در این باره سوالات فراوانی دارند که پاسخ آنها را محققان حوزه کشاورزی می دهند.

بنابراین، برقراری ارتباط میان محققان و کشاورزان امری ضروری به نظر می رسد که دو سال است با تصمیم وزارت جهاد کشاورزی، ترویج، تحقیق و آموزش کشاورزی در یک مجموعه فعالیت می کنند. در این مجموعه با نیازسنجی از روستاییان، مسایل و مشکلات کشاورزی در آزمایشگاه ها با محققان مطرح می شوند و پاسخ های مربوط به



نگاهی به رمان «دو پرده فصل» نوشته فرشته مولوی

زیر و بم‌های اثر یک نویسنده با تجربه

گرچه نویسنده شخصیت عیسی را آنچنان پر حجم تصویر کرده که از ساخت و ساز شخصیت‌های دیگر غافل مانده است، اما این را هم باید گفت که ذات پرورش همین یک شخصیت در بسیاری از جاها روایت را از درافتادن در حس ملال نجات داده است.

به هر شکل به نظر می‌رسد رمان «دو پرده فصل» نیاز به یک بازنویسی داشته باشد و یک ویراستاری حرفه‌ای هم شاید بتواند بر زیبایی‌های آن بیفزاید. فرشته مولوی در این کار حوصله و بی‌حوصلگی را در جای جای کار به شکلی صد در صد به کار گرفته که ردپای هر دو در سطر سطر اثرش نمایان است، زیبایی‌های کار این نویسنده گاهی به آنجا می‌رسد که خواننده را مجبور می‌کند یک یا چند صفحه را بارها بخواند و جاهایی هم هست که مخاطب هیچ راهی جز نادیده گرفتن زحمات نویسنده ندارد. این افت و خیزها شاید در کار یک نویسنده طبیعی باشد، اما مولوی نویسنده تازه کاری نیست و خواننده به هر حال بایک پیش زمینه ذهنی مثبت سراغ کارش می‌رود. نویسنده این اثر می‌توانست در حجمی صد صفحه‌ای هم کارش را انجام دهد و همه زیاده‌گویی‌ها را نادیده بگیرد، همان نکته‌ای که خواننده با تمام شدن کار به شکلی نامحسوس با کتاب برخورد می‌کند و پذیرفتنی‌ها را می‌پذیرد و زیاده‌گویی‌ها را دور می‌ریزد.

رمان «دو پرده فصل» سال ۱۳۸۸ در شمارگان ۱۱۰۰ نسخه و قیمت ۳۵۰۰ تومان توسط نشر افراز منتشر شده است.

به راهی گذاشته که می‌تواند در آینده حامل پیشنهادی تازه به ادبیات داستانی کشور باشد.

وجه خرافی شخصیت‌های تاریخی و واقع‌نگری شخصیت‌های مدرن می‌توانست در صورت بست بیشتر موفقیت‌های کار را دوچندان کند که البته این اتفاق نیفتاده است، پراکندگی کار که به آن اشاره شد از آن جهت است که مولوی در جاهایی در هیبت یک نویسنده سخت‌گیر ظاهر می‌شود و در جاهایی دیگر فقط و فقط دارد به گونه‌ای روایت را ادامه می‌دهد و در این رهگذر از تمامی ریزه کاری‌ها فاصله می‌گیرد.

ضرب‌بانه‌گی که در آغاز کار با آن مواجهیم، ضرب‌بانه‌گی اصولی است که نشان از یک آغاز عالی دارد: «همین عصر بود که کتاب در دست در ایوان نشسته بود و خواننده بود؛ آمدند و کشیدند و سوختند و کشتند و بردند و رفتند... حالا آسمان دریایی از آب‌های روشن. ماه قایقی وارونه میان آب...» اما این ضرب‌بانه‌گی خیلی زود از ریتم می‌افتد تا جایی که هم روایت به چند پارگی دچار می‌شود و هم زبان کار به لغزشی غیر قابل مهار دچار می‌شود.

اشاره به این نکته ضروری است که چند شخصیت در این کار به عنوان وزنه‌های نجات بخش ظاهر شده‌اند که از میان آنها می‌توان به شخصیت عیسی اشاره کرد. نوع برخورد نویسنده با این شخصیت و معرفی شاعر گونه اوبه‌گونه‌ای است که خواننده از این پس او را به رسمیت می‌شناسد و نگاهی مهربانه به او دارد.

چند مسیر مختلف راهنمایی کند؛ همان اتفاقی که در کار مورد بحث افتاده است.

کتاب آخر مولوی یک کار شلوغ است؛ یک شلوغی بی‌هوده که هم زحمت نویسنده را هادر داده و هم موجبات سردرگمی خواننده را فراهم می‌آورد. شیوه نویسنده‌گی که در این اثر به کار رفته گرچه نشان از کنج‌کاوای نویسنده برای دیگر گونه نوشتن دارد، اما این را هم باید گفت که هر نویسنده‌ای به هر حال باید چارچوبی خاص را دنبال کند، منظور آن است که هیچ نویسنده‌ای تاکنون نتوانسته با یک گونه هرج و مرج روایتی موفق به خلق یک اثر درخشان شود.

فرشته مولوی اگر در این کار به همان رفت و آمدهای تاریخی‌مانور می‌داده‌ویت بیشتری به شخصیت‌هایش می‌بخشید، یعنی این که سرگشتگی‌ها و هویت در حال کمرنگ شدن آنها را بهتر به مخاطب منتقل می‌کرد، رویارویی شخصیت‌هایی مانند عالم‌تاج با نصرالله خان یا عیسی و جمع شدن آنها در یک کادر روایتی جذاب از کار درآمده، اما زمانی که نویسنده سعی در ادغام ذهنیت آنها دارد یک نوع پریشانی در پرداخت داستانی را شاهدیم.

در پرده دوم این کار شاهد شخصیت‌هایی هستیم که به گونه‌ای تداوم شخصیت‌های تاریخی هستند، اما تلاش دارند از این واقعیت پنهان فرار کنند، آنچه در این گیر و دار درونی شخصیت‌ها اتفاق می‌افتد یک نوع لذت‌زیر پوستی است که از نکات غایب ادبیات داستانی ما به شمار می‌رود، نویسنده در این زاویه از اثرش گام

فرشته مولوی تاکنون نشان داده که نویسنده‌ای جست‌وجوگر است، اما این حس جست‌وجوگری تا آنجا گسترش نیافته که بتوان از او به عنوان یک نویسنده مستقل یاد کرد. مولوی در چند کار اخیرش سمت و سوهایی را برای نوشتن انتخاب کرده که پهلوی به زیاده‌نویسی می‌زند، یعنی این که او بر اساس روحیات هریک از شخصیت‌هایش می‌خواهد اثری تازه خلق کند که همین امر اغلب کارهای او را با یک گونه تکرار در نوشتن درگیر کرده است؛ نکته‌ای که از نویسنده‌ای چون او انتظار نمی‌رود.

البته فرشته مولوی در کار آخرش به سوهایی تازه‌ای در ادبیات داستانی سرک کشیده و خارج از حوزه انصاف است که بخوایم شیطنت‌های روایتی‌اش را در این کار نادیده بگیریم. همان طور که گفته شد، این نویسنده توانایی این را دارد که با کم حجم‌ترین شخصیت‌ها به عنوان یک وزنه روایتی برخورد کند، یعنی اینکه درایت او در نفوذ به عمق شخصیت‌ها در مقایسه با نویسندگان امروز مثال‌زدنی است.

چند شخصیتی که در این کار حضور دارند همگی می‌توانند به عنوان شخصیت نخست داستان در ذهن خواننده جا باز کنند به این معنا که هریک از آنها با کمی زیر و بم قابلیت جذب مخاطب را دارند. این گونه نگاه به روایت داستانی و ساختن و پرداختن شخصیت‌ها اگر چه شکر دی بکر محسوب می‌شود، اما این خطر را هم به دنبال دارد که نویسنده قدرت آن را نداشته باشد که تسلسل ذهنی خواننده را در

گزارش آماری هفته

«گزارش آماری هفته» از سوی بخش کتابداری و اطلاع‌رسانی «خانه کتاب» و براساس اطلاعات ثبت شده در بانک اطلاعات این موسسه ارائه می‌شود. از شنبه ۸/۳/۸۹ تا چهارشنبه ۱۲/۳/۸۹، ۱۳۲۱ عنوان کتاب در بانک اطلاعات خانه کتاب ثبت شده است. بیشترین تعداد کتاب‌ها در موضوع ادبیات و سپس کودک و نوجوان بوده است. پس از آن به ترتیب موضوعات علوم عملی، علوم اجتماعی، دین و سایر موضوعات قرار دارند.

گزارش آماری کتاب‌های منتشره در هفته گذشته (به تفکیک موضوع)

ردیف	موضوع	تعداد کل	تالیف*	ترجمه	چاپ اول	تجدید چاپ	تهران	شهرستان	شمارگان متوسط	متوسط صفحه
۱	کلیات	۲۵	۱۹	۶	۱۴	۱۱	۲۵	۰	۲۲۶۷	۳۶۶
۲	فلسفه و روانشناسی	۶۱	۱۹	۴۲	۳۵	۲۶	۵۴	۷	۲۶۳۳	۲۱۶
۳	دین	۱۰۲	۸۹	۱۳	۶۳	۳۹	۷۵	۲۷	۳۶۶۳	۲۴۰
۴	علوم اجتماعی	۱۱۷	۹۳	۲۵	۷۵	۴۲	۱۰۸	۹	۱۹۳۲	۳۶۵
۵	زبان	۳۰	۳۶	۴	۱۸	۱۲	۲۷	۳	۳۲۲۹	۳۶۸
۶	علوم طبیعی و ریاضیات	۴۵	۲۳	۲۲	۲۳	۲۲	۳۸	۷	۲۱۵۸	۳۵۱
۷	علوم عملی	۱۵۳	۱۰۵	۴۸	۹۰	۶۳	۱۳۰	۲۳	۲۴۶۴	۲۷۴
۸	هنر	۳۴	۲۰	۱۴	۲۳	۱۱	۳۳	۱	۱۹۰۰	۱۸۵
۹	ادبیات	۲۹۴	۲۰۲	۹۲	۱۵۸	۱۳۶	۲۷۴	۲۰	۲۱۸۵	۲۸۹
۱۰	تاریخ و جغرافیا	۵۰	۴۴	۶	۲۵	۲۵	۴۰	۱۰	۲۱۹۱	۳۲۹
۱۱	آموزشی و کمک درسی**	۶۸	۶۸	۰	۲۸	۴۰	۴۴	۲۴	۲۵۱۶	۲۲۵
۱۲	کودک و نوجوان	۲۴۲	۱۳۳	۱۰۹	۱۷۵	۶۷	۲۰۷	۳۵	۴۶۱۳	۴۳
	جمع بندی	۱۲۲۱	۸۴۰	۳۸۱	۷۲۷	۴۹۴	۱۰۵۵	۱۶۶	۲۶۶۶	۲۵۴

* «تالیف»، به تمامی آثاری اطلاق می‌شود که ترجمه نباشد. آثاری چون تصحیح، تدوین، گردآوری، تحقیق، شعر و نظایر آن.
** منظور از موضوع «آموزشی و کمک درسی» کلیه کتاب‌هایی است که به نحوی با مواد درسی و برنامه‌های آموزشی تمام مقاطع تحصیلی ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان مربوط هستند و مخاطبان آنها دانش‌آموزان از پیش‌دبستانی تا دبیرستان هستند.

شاخص‌های آماری کتاب‌های کودک و نوجوان

شاخص‌ها	مقدار	مشخصات کتاب‌ها
گزارش‌ترین کتاب و بیشترین صفحه	۹۰۰۰۰ ریال و ۵۷۶ صفحه	به سوی دویش؛ تونی ایت‌پریسا همایون‌روز؛ ناشر: قدیانی؛ چاپ ۱: ۱۰۰ نسخه
بیشترین توبت چاپ	۱۷ مرتبه	عمو زنجیرباف؛ حسین احمدی؛ ناشر: برقا؛ ۱۲ صفحه؛ ۵۰۰ نسخه؛ ۴۰۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۳۰۰۰۰ نسخه	هنرآموز نقاشی حمید برای بچه‌ها؛ حسینعلی مویدپردازی؛ ناشر: حمید؛ چاپ ۱: ۳۲ صفحه؛ ۵۵۰۰ ریال
کمترین شمارگان	۱۰۰۰ نسخه	جنگل پر ماجرا؛ مصطفی خانی‌پور؛ ناشر: رستم و سهراب؛ چاپ ۱: ۱۴ صفحه؛ ۱۵۰۰۰ ریال

در هفته گذشته از نظر انتشار کتاب‌های چاپ اول، انتشارات پنجره با سی و هفت عنوان کتاب پرکارترین ناشر؛ محمدرضا حسامی با چهارده عنوان پرکارترین مولف؛ و مرجان حجازی‌فر با ده عنوان پرکارترین مترجم بوده‌اند.

شاخص‌های آماری کتاب‌های بزرگسال

شاخص‌ها	مقدار	مشخصات کتاب‌ها
ارزاترین کتاب و بیشترین تیراژ	۲۰۰۰ ریال و ۱۰۰۰۰۰ نسخه	هیچ‌جده سوره از قرآن کریم؛ مهدی الهی‌قمشه‌ای؛ ناشر: گلی؛ چاپ ۱۷: ۱۹۲ صفحه
گزارش‌ترین کتاب	۲۹۵۰۰۰ ریال	کتاب راهنمای تعمیرات گوشی‌های موبایل (سامسونگ)؛ ناشر: مهرآب قنات‌باری؛ چاپ ۱: ۷۲ صفحه؛ ۵۰۰۰ نسخه
بیشترین توبت چاپ	۷۸ مرتبه	قانون مجازات اسلامی؛ حدود - قصاص - دیات - تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده - جرائم رایانه‌ای با آخرین اصلاحیه‌ها و الحاقات همراه با قانون تعزیرات...؛ ناشر: دیدار؛ ۳۵۲ صفحه؛ ۵۰۰۰ نسخه؛ ۲۵۰۰ ریال
کمترین شمارگان	۶۰ نسخه	شناسایی گلوگاه‌های فساد در دستگاه‌های اجرایی استان زنجان (گزارش نهایی)؛ مهرداد علیپور؛ ناشر: استانداری زنجان، معاونت برنامه‌ریزی؛ چاپ ۱: ۲۱۴ صفحه
بیشترین صفحه	۱۴۸۲ صفحه	ده نفر قزلباش؛ حسین مسرور؛ ناشر: هرمس؛ چاپ ۴: ۳۵۰۰ نسخه؛ ۳۰۰۰۰ ریال
کمترین صفحه	۸ صفحه	شبه‌های تقویت هوش نوزاد ۱۲ - ۹ ماهه؛ اشیا تغییر شکل نمی‌دهند؛ بنا تریس میلتز؛ طاهره طالع‌ماسوله؛ ناشر: با فرزندان؛ چاپ ۱۶: ۵۰۰۰ نسخه؛ ۷۵۰۰ ریال

شاخص‌های آماری کتاب‌های کمک‌درسی

شاخص‌ها	مقدار	مشخصات کتاب‌ها
ارزاترین کتاب	۱۲۰۰۰ ریال	سوالات کنکور دانشگاه سراسری رشته‌ی تجربی ۱۳۸۷ همراه با پاسخ تشریحی؛ ناشر: راه اندیشه؛ چاپ ۲: ۴۸ صفحه؛ ۳۰۰۰۰ نسخه
گزارش‌ترین کتاب	۱۱۰۰۰۰ ریال	عربی به زبان ساده شامل: ۹۵ تمرین و ۱۷۵۰ سوال چهارگزینه‌ای، لغات و ترجمه‌های مهم کتاب‌های درسی، درک مطلب و تحلیل صرفی، آزمون‌های...؛ ایاد فیلی؛ ناشر: پیشروان؛ چاپ ۱۳۳: ۵۵۲ صفحه؛ ۳۰۰۰ نسخه
بیشترین توبت چاپ	۱۵۱ مرتبه	زبان عربی: ۱۹۹۰ سوال شامل مفهوم‌ها و کاربردها، نکات آموزشی،... مشاوره‌ی درس و...؛ سیدعلی بنی‌هاشمی؛ ناشر: کانون فرهنگی آموزش؛ ۳۲۲ صفحه؛ ۵۰۰۰ نسخه؛ ۱۰۰۰۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۳۰۰۰۰ نسخه	سوالات کنکور دانشگاه سراسری رشته‌ی تجربی ۱۳۸۷ همراه با پاسخ تشریحی؛ ناشر: راه اندیشه؛ چاپ ۲: ۴۸ صفحه؛ ۱۲۰۰۰ ریال
کمترین شمارگان	۱۰۰۰ نسخه	مجموعه سوالات طبقه‌بندی شده الکترونیک خلاصه دروس - تست‌های تالیفی طبقه‌بندی شده تست‌های کنکور سراسری از سال ۱۳۸۱ به بعد با پاسخ تشریحی...؛ محمود حسینی؛ ناشر: فاتح؛ چاپ ۱: ۴۹۴ صفحه؛ ۱۰۴۰۰۰ ریال

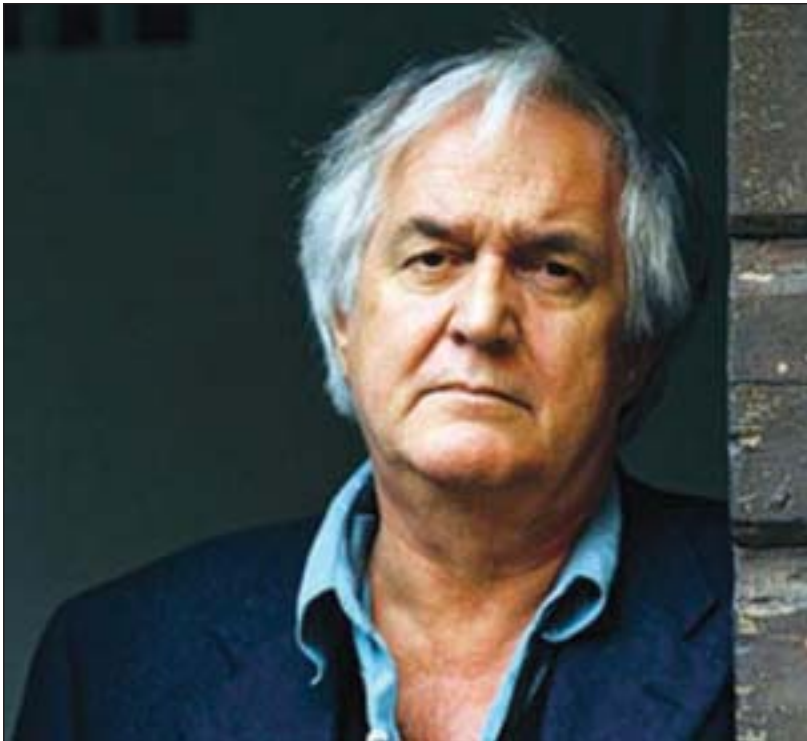
تعداد ناشران در این هفته	تعداد پدیدآورندگان		تعداد کتاب‌های افست
	مرد	زن	
۴۱۰	۱۶۶	۷۴۳	۶

* مؤلف: تمامی پدیدآورندگان (مانند نویسنده، شاعر، گردآورنده، مصحح و...) به جز مترجم.



هنینگ مانکل بر عرشه کشتی آزادی

هراس صهیونیست ها از نویسندگان «کارآگاه والاندر»



نویسنده ای ۶۲ ساله، دو روز را با نگرانی و تعقیب و گریز از دست پلیس قبرس می گذراند. اما در نهایت به کشتی حاوی کمک های اولیه برای مردم غزه می پیوندد. این کشتی ها که برای حمایت از مردم غزه راهی آب های آزاد بودند ۱۰ هزار تن مواد غذایی و ده ها فعال صلح را حمل می کردند. اما حضور چند نفر از اتباع سوئد نیز در این کشتی ها برای مردم این کشور و اروپاییان، قابل توجه بود. «درور فیلر» هنرمند مشهور یهودی سوئد، یک نماینده زن مجلس سوئد و چند دکتر و پروفیسور دانشگاه های سوئد و یک نویسنده ۶۲ ساله، فردی که نامش از آن هشت نفر دیگر شناخته شده تر بود و می گویند حضورش باعث هراس صهیونیست ها شده بود.

مسوولان این کشتی ها به تمام ماموران آب های آزاد اجازه بازرسی از کشتی را داده بودند، اما نیروهای نظامی رژیم صهیونیستی با حمله به این کشتی هاسعی کردند مانع شکسته شدن محاصره سه ساله غزه شوند. در این حمله حداقل ۹ نفر کشته و ده ها تن زخمی شدند. هرکس هم که زنده ماند، اسیر شد. هنینگ مانکل، همان نویسنده ۶۲ ساله سوئدی، از این اشخاص بود. رژیم صهیونیستی زیر فشار شدید نهادهای بین المللی مجبور شد این نویسنده را همراه دیگر فعالان حقوق انسانی و صلح، در کمتر از ۷۲ ساعت آزاد کند.

«هرید کوریگان مگوایر» برنده جایزه صلح نوبل و از حامیان جنبش غزه آزاد نیز در این کشتی حضور داشته است. وی می گوید: «نیروی نظامی رژیم صهیونیستی نخست به ما حمله هوایی کردند و بعد از آن یکی پس از دیگری روی دیگر کشتی ها آتش گشودند. مانکل روی عرشه بود و خیلی خوش شانس بود که از این حمله هوایی جان سالم به در برد.»

«هنینگ مانکل» نویسنده ای پرانرژی است. عینک ظریف و نزدیک بین اش را بیشتر اوقات بر چشم می زند و اطرافش را با نگاهی تیز بین از بالای عینک زیر نظر دارد. مردم سوئد او را یکی از بهترین نویسندگان داستان های جنایی می دانند که گاهی هم از استعدادش بهره می گیرد و برای کودکان نیز می نویسد. مانکل، خالق شخصیت پرماجرا «کارآگاه کرت والاندر» است. شخصیتی داستانی که اخیرا با ترجمه چند اثر به فارسی، در ایران نیز به شخصیتی شناخته شده تبدیل شده است.

وی چیزی حدود ۲۰ سال پیش نخستین اثرش را از مجموعه کتاب های «کارآگاه والاندر» منتشر کرد. این مجموعه داستان در ۳۳ کشور اروپایی در فهرست پر فروش ترین کتاب ها قرار گرفت. این گونه که مانکل درباره داستان هایش می گوید، هیچ گاه حتی تصورش را هم نمی کرده که این آثار بدین گونه مورد استقبال قرار گیرد. این مجموعه داستان که از سال ۱۹۹۱ میلادی

منتشر شده، به عنوان «امپراطوری مجموعه داستان های جنایی سوئد» معرفی شده است. روث رندل از منتقدان سوئدی درباره سبک نوشتاری این نویسنده می گوید: «دیگر زمان آن گذشته که جنایی نویسان، داستان پیرزنی ثروتمند را که در خانه اجدادی اش به قتل رسیده، بازگو کنند. دنیا مدرن شده و مانکل توانسته به خوبی زوایای مدرنیسم را در داستان هایش پیاده کند. قصه های مانکل چیزی فراتر از یک داستان جنایی است.»

مانکل نیز خود در تایید این منتقد گفته است: «نوشتن برای من مثل این است که هنگام نوشتن داستان های پلیسی -جنایی آینه ای به دست می گیرم و انعکاس قصه ام را در آن می بینم. بدیهی است که در انعکاس آینه در داستانم شاهد جامعه اطرافم نیز هستم.» او معتقد است که آن دسته از داستان های جنایی به چشم می آیند که دراماتیک باشند. مانکل علاوه بر نوشتن داستان های جنایی، ذوق خاصی نیز در نوشتن نمایشنامه و قطعات کوتاه اجرایی روی صحنه نمایش دارد. سیاهه بلند و بالای نمایشنامه هایی که تاکنون از وی منتشر شده، مهر تاییدی است بر این مطلب. ذوق و شوق نوشتن نمایشنامه از دوران نوجوانی با وی بود اما از هنگام ازدواجش با دختر اینگمار برگمن، کارگردان، نویسنده و تهیه کننده مشهور سوئدی، این علاقه به اوج خود رسید.

هنینگ مانکل سفرهای بسیاری به آفریقا کرده و بسیاری از نمایشنامه هایش متأثر از زندگی و آداب و رسوم آنجاست. هنگامی که تصمیم گرفت در آفریقا مستقر شود، زمانی بود که نوشتن مجموعه داستان های «کارآگاه کرت والاندر» را آغاز کرد. این نویسنده سوئدی هنگام سکونتش در آفریقا لحظه ای از کمک به آفریقایی هایی که به ایدز مبتلا شده اند، دست برنداشت. توجه مانکل به بیماران آفریقایی تا حدی است که چندی پیش تصمیم گرفت مجموعه داستانی با توجه به قربانیان ایدز در این قاره بنویسد. وی خود در این باره می گوید: «هنگامی که در آفریقا بودم، روزی دخترکی به سمت آمد؛ دفترچه کوچکی در دستانش بود. از لابه لای برگه های زرد شده آن، پروانه آبی را بیرون کشید و به من گفت: «مادرم عاشق پروانه های آبی بود.» همانجا بود که احساس کردم مهمترین کتاب زندگی ام را در چند دقیقه خواندم.»

این نویسنده سوئدی قبل از آن که بخواهد به مجموعه کشتی های کمک رسان به غزه بپیوندد، در مصاحبه اش با رادیو سوئد گفته بود: «من معتقدم وقتی کسی صحبت از حمایت به میان می کشد، باید بداند که هر تصمیمی که می گیرد، سرنوشت خود را نیز بر اساس آن تغییر می دهد و حمایت کردن از یک فکر یا نظریه هم مستثنی از این قاعده نیست. با همین عمل هاست که ما نشان می دهیم آماده ایم تا از آنچه

به آن معتقدیم حمایت کنیم و این بسیار مهم است.» حالا در کنار تمام کشاکشی که صهیونیست ها برای مانکل پیش آورده اند، این نویسنده آخرین کتابش را از سری داستان های کارآگاه کرت والاندر منتشر کرده است. کتابی که قرار است آخرین کتاب از این مجموعه باشد. این رمان که با عنوان «دشمن در سایه» در دست خوانندگان قرار گرفته، در ۵۹۲ صفحه منتشر شده و توانسته در همان روزهای ابتدایی انتشارش دومین رمان پرفروش بازار کتاب آلمان شود. پیش از دستگیری مانکل توسط رژیم صهیونیستی وی در مصاحبه اش با نشریه «سایت» گفته است: «از این که با والاندر خداحافظی می کنم، ناراحت نیستم. خوانندگان این مجموعه در هر حال برای نبودن این کارآگاه و نویسنده اش تاسف خواهند خورد. اما برای من والاندر تنها یک پروژه کاری بود و شاید این نشانه خوبی است که والاندر جاییش برای مردم خالی باشد.»

در حالی که بسیاری از سایت ها و نشریات در حال طرفداری از آثار مانکل بودند، سایت های طرفدارش در برابر اثر آخر وی موضع گرفتند و معتقد بودند که مانکل هدف خود را از نوشتن مجموعه کارآگاه والاندر گم کرده و به همین دلیل است که اثر آخرش بی محتواست. این در حالی بود که جدول فروش این اثر در اینترنت گویای چیز دیگری بود. اما تعدادی از منتقدان نیز معتقدند که مانکل دیگر توانسته خلاقیت بیشتری درباره مجموعه والاندر داشته باشد. شاید به همین دلیل مجموعه اش را تمام کرد.

هنینگ مانکل در سال ۱۹۹۵ دست به نوشتن مجموعه داستان دیگری به نام «سوفیا» زد که با استقبال قابل توجه کودکان و نوجوانان مواجه شد. وی خود در سایت رسمی اش این گونه می نویسد: «نزدیک به ۱۵ سال پیش دخترکی را دیدم که در بیرون بیمارستان مایوتو، پایتخت موزامبیک روی صندلی چرخدار زنگ زده ای نشسته بود. فکر کنم حدودا ۱۰ ساله بود و پاندا داشت. وقتی از کنارش می گذشتم چند لحظه ای مکث کردم و چند کلمه با او حرف زدم. صدایش آرام بود و تقریبا مزه مزه می کرد. اما می دانم که نامش سوفیا بود. در راه بازگشت به خانه می دانستم در آستانه خلق داستان تازه ای هستم.»

از این نویسنده حدود ۱۴ اثر در ایران به چاپ رسیده است که از میان آنها می توان «بازگشت معلم رقص» که در سال ۲۰۰۴ میلادی توانست به عنوان بهترین رمان جنایی اروپا نام خود را جلودانه کند، «پسری که روی تختی پر از برف خوابید»، «پنجمین زن»، «سگی که به سوی ستاره ای می دود»، «راه اشتباهی»، «راز آتش»، «قاتلین بدون چهره»، «قتل در چله تابستان» و «مردی که لبخند می زد» را نام برد. بهمن رستم آبادی، هانی بنایی و مهناز رعیتی از مترجمان آثار هنینگ مانکل در ایران هستند.

ناشران محترم!

از این پس می توانید برای تبلیغ کتاب های خود

در بخش تازه های نشر

با شماره ۰۲۱۶۶۹۶۶ تماس بگیرید

تبلیغ کتاب



فرناز میری

روایت اول شخص

حدیث نفس در شعر

■ دره دادجو، شاعر و نویسنده



مجموعه داستان کوتاه با عنوان «آبی فیروزه‌ای» آماده انتشار است. این مجموعه از سه اپیزود تشکیل می‌شود و هر اپیزود داستان‌هایی را در برمی‌گیرد که هر یک مستقل هستند. اما به نوعی به یکدیگر تپیده می‌شوند و در قصه بعدی ادامه می‌یابند. ویژگی این مجموعه بار معنایی و فضا و فرم مشخص برای هر اپیزود است. اما این روزها یک رمان بلند با عنوان «فرصت کوتاه بود» را نیز آماده انتشار داریم. در این داستان بیشتر جنبه‌های روان‌شناسانه شخصیت آدمی بررسی می‌شود و سیر احساسات و عواطف و رشد و تعالی شخصیت اصلی، به همراه شخصیت‌های غیرمحوری و فرعی از ابتدا تا پایان داستان ادامه می‌یابد.

اما در حوزه شعر پیش‌تر در قالب کلاسیک فعال بوده‌ام. اما هرچند اکنون بیشترین دلبستگی من به قالب سپید و نیمایی است؛ چراکه بهتر می‌توانم اندیشه‌هایم را از این رهگذر بیان کنم.

اکنون نیز مجموعه شعری را با عنوان «جدال آفتاب و برف» در قالب سپید و نیمایی برای انتشار آماده کرده‌ام. بخش عمده این شعرها حدیث نفس و تک‌گویی‌های من است. این سروده‌ها در دو بخش، یکی شعرهای من تا سال ۱۳۸۱ و بخش دیگر شعرهایی از سال ۱۳۸۱ تا امروز را شامل می‌شوند. به زودی مقاله‌ام با عنوان «خانه‌ام ابری است» و بحثی پیرامون نیما یوشیج و شعر او در مجموعه «فرهنگ آثار» توسط نشر سروش منتشر می‌شود. تا پایان خرداد نیز معرفی و نقد کتاب «سرگذشت حاجی بابای اصفهانی» را برای همین مجموعه تحویل انتشارات می‌دهم.

از سوی دیگر مجموعه‌ای از مقاله‌هایی را که پیش‌تر در نشریات منتشر شده‌اند در دست‌گردآوری دارم تا به صورت طبقه‌بندی شده در یک مجموعه منتشر کنم. این مقاله‌ها درباره موضوعاتی چون نقد و بررسی داستان و رمان، نقدی بر «هزار و یک شب» توفیق الحکیم، نقد و تحلیل «منطق الطیر» عطار نیشابوری، «هفت پیکر» نظامی و «غزلیات شمس» هستند.

کلمات امام علی (ع) در شعر

■ ولی‌الله فتاحی (فاتح)، شاعر



در نمایشگاه کتاب امسال چهار مجموعه شعر جدید و یک منظومه درباره حضرت علی (ع) با عنوان‌های «ترانه‌های سپید»، «نغمه‌های عاشقی»، «چشم دل می‌گرید»، «دیگر نواها» و «علی (ع) در خطابه غدیر و دعای کمیل» منتشر و ارائه شدند.

کتاب «علی (ع) در خطابه غدیر و دعای کمیل» برگردانی منظوم از خطابه غدیر (ترجمه سید حسین حسینی) و دعای کمیل (ترجمه رضاقلی زمانی) و سروده شده در قالب قصیده است. سرایش این دو منظومه حدود یک سال به طول انجامید و توسط انتشارات نگار راهی بازار نشر شد. چهار مجموعه شعر جدید من همگی در قالب

سپید و نیمایی سروده و توسط انتشارات منوچهری و با مقدمه سیدمحمود سجادی راهی بازار نشر شده‌اند.

اما این روزها کلمات قصار حضرت علی (ع) را به صورت منظوم و در قالب‌های مختلف شعری در کتابی با عنوان «بزرگ‌ترین معانی در کوچک‌ترین جملات» در دست انتشار دارم.

از سوی دیگر «قوم عزیز الله» و «از هر دری سخنی» نیز عنوان کتاب‌های طنز منظوم درباره موضوع‌های مختلف و سروده شده در قالب‌های مختلف هستند که آماده انتشارند. البته در زمینه طنز، کتاب «تماس فضایی» (نیمی جدی، نیمی شوخی) نیز توسط انتشارات اسرار دانش در دست چاپ است.

همچنین یک مجموعه شعر جدید درباره موضوع‌های متنوع اجتماعی، میهنی، عاطفی و اخلاقی سروده شده در قالب‌های مختلفی چون قصیده، غزل و رباعی با عنوان «گونگون» آماده انتشار دارم.

بازی خیالی

■ حسن احمدی، نویسنده کودک و نوجوان



در نمایشگاه کتاب امسال آخرین رمان من با عنوان «هتل یک بازی» برای گروه سنی نوجوان توسط انتشارات محراب قلم در ۲۲۰ صفحه منتشر و ارائه شد. این کتاب ماجرای تخیلی دارد و داستان مادر بزرگی است که قصه‌ای جدید می‌نویسد و شخصیت‌های این قصه نوه‌های او هستند. یکی از این نوه‌ها، کیفی را پیدا می‌کند، اما به صاحبش بازمی‌گرداند. مادر بزرگ در این داستان او را متوجه اشتباهش می‌کند. البته شخصیت سومی که تخیلی است وارد ماجرا می‌شود و انتهای داستان مادر بزرگ را تغییر می‌دهد.

پیش‌تر به قلم من، داستان تخیلی «نمایش سعید پایان نداشت» برای گروه سنی نوجوان در ۶۰ صفحه توسط انتشارات سوره مهر منتشر شد. همچنین یک فیلمنامه انیمیشن ۵۲ قسمتی را در دست نگارش دارم که از سوی شرکت «روزگار طرفه» تولید می‌شود. هنوز عنوان این فیلمنامه ۵۲ دقیقه‌ای مشخص نشده است.

از سوی دیگر ۳۰ داستان کوتاه با موضوع دفاع مقدس و البته در نظر گرفتن جنبه‌های تخیلی آن را در دست نگارش دارم. حدود ۱۵ داستان از این مجموعه آماده است. شاید تمامی این داستان‌ها در سه جلد با عنوان احتمالی «تابلو» منتشر شوند.

قصه‌های عرفانی ایرانی

■ مهدی محبتی، مدرس دانشگاه

این روزها مجموعه دو جلدی «پیمانه‌های بی‌پایان»، گزیده‌ای از قصه‌های کوتاه عرفانی در متون منظوم و منثور فارسی را توسط نشر هرمس در دست انتشار دارم.

حدود ۳۵ هزار قصه در زبان و فرهنگ فارسی وجود دارد که ۱۱ هزار تا از آنها قصه‌های عرفانی هستند. از این تعداد حدود ۸۰۰ قصه را با دقت گزینش کرده‌ام تا منبعی برای آشنایی با فرهنگ و عرفان ایرانی باشد.

حجم این قصه‌ها از یک بیت تا ۲۵ بیت در آثار منظوم و یک سطر تا هشت صفحه در آثار منثور متغیر است. کتاب با مقدمه‌ای ۸۰ صفحه‌ای به قلم من و شرح و توضیح مختصر نکات کلیدی و تلمیحات همراه شده است تا برای همگان قابل استفاده باشد. در مقدمه به سنت داستان‌نویسی ایرانی و عرفانی و تفاوت‌ها و اشتراکات آن با سنت

قصه‌نویسی مدرن غرب پرداخته‌ام. همچنین «از خودی تا خدا» کتاب دیگر درباره انسان‌شناسی فلسفی اقبال لاهوری نیز توسط همین انتشارات در دست چاپ است. این کتاب پژوهشی در آثار انگلیسی و فارسی منثور و منظوم اقبال به ویژه در حوزه زبان اردو و بررسی نوع نگاه فلسفی این شاعر به موضوع انسان‌شناسی است.

پژوهشکده مطالعات علوم انسانی و اجتماعی وزارت علوم نیز کتاب «کارنامه مولوی پژوهی در ایران»، حاصل یک کار تحقیقی به سرپرستی من را به دو زبان انگلیسی و فارسی منتشر کرده است. این کتاب مجموعه‌ای از مقاله‌ها، کتاب‌ها و پایان‌نامه‌هایی است که تاکنون به زبان فارسی درباره مولوی تدوین شده‌اند. حدود ۸۰۰ پایان‌نامه دوره دکترا و کارشناسی‌ارشد، ۱۵۰۰ مقاله و ۱۲۰۰ کتاب در این مجموعه معرفی شده است.

انگیزه گردآوری این مجموعه ادعای فردی در یونسکو است، مبنی بر این که ایرانیان تاکنون هیچ پژوهشی در آثار مولانا نداشته‌اند. البته این مجموعه در حال تکمیل است و در کتاب از افرادی که فعالیتی در این زمینه داشته‌اند و نام و عنوان اثر آنها از قلم افتاده، خواسته شده است اطلاعات خود را بفرستند تا در ویرایش بعدی کتاب اضافه شود.

«از صورت تا معنا» کتاب دیگری به قلم من است که سال گذشته توسط انتشارات «سخن» در دو جلد منتشر شد. در این کتاب به طبقه‌بندی و تحلیل ریشه‌ها، زمینه‌ها، نظریه‌ها، جریان‌ها، رویکردها، اندیشه‌ها و آثار مهم نقد ادبی در ایران و ادبیات فارسی پرداخته‌ام. اکنون این کتاب به عنوان یک منبع آموزشی و پژوهشی در زمینه تحقیقات نظری در حوزه‌های ادبی در مقاطع کارشناسی‌ارشد و دکترا استفاده می‌شود.

«جنگ و صلح» آمریکایی

■ امیر احمدی آریان، نویسنده و مترجم



دومین مجموعه داستانم با عنوان «درخت عزرائیل» که در برگیرنده چهار داستان بلند به نام چهار عنصر آب، باد، خاک و آتش است توسط نشر چشمه مراحل اداری انتشار را طی می‌کند. در این کتاب ۳۰۰ صفحه‌ای که از نیمه دوم سال ۱۳۸۷ تا پایان سال ۱۳۸۸ سرگرم نوشتن آن بودم، تا حدودی رگه‌هایی از اسطوره و پرداختن به طبیعت دیده می‌شود. فضای این داستان‌ها گاه فانتزی و گاه رئال است.

توسط همین انتشارات ترجمه‌ام از شعر بلند «خودنگاری در آینه محذب» سروده جان اشبری، همراه رساله‌ای از هارولد بلوم، منتقد آمریکایی در دست انتشار است. نام این شعر از نام یک تابلوی نقاشی دوره رنسانس گرفته شده و شرحی بر آن تابلو دارد. رساله بلوم نیز به بررسی یکسری ایده‌ها به واسطه این شعر و شرح آن پرداخته است. البته بیشتر این رساله به معرفی منتقد اختصاص دارد.

اما این روزها رمانی از ای ال دکتروف با عنوان «پیشروی» را در دست ترجمه دارم. در ادبیات آمریکایی این کتاب رمان ویژه‌ای به حساب می‌آید؛ چراکه گستره وسیع تاریخی و جزئیات بسیاری را با تعداد زیادی شخصیت پوشش می‌دهد و به «جنگ و صلح» آمریکامعروف شده است. این کتاب حجمی در حدود ۴۰۰۰ صفحه دارد.

سال گذشته نیز ترجمه‌ام از کتاب «جایی برای پیرمرد هانیست» نوشته کورمک مک‌کارتی، نویسنده آمریکایی، «نگاه خیره‌ناپذیر» (ترجمه‌ای از مجموعه مقالات ادبی) و نخستین رمانم با عنوان «چرخ‌دنده‌ها» توسط نشر چشمه راهی بازار نشر شد. همچنین رمان «زنانه نیست» اثر پی. دی. جیمز، در سری کتاب‌های پلیسی نشر نیلوفر به کتابفروشی‌ها آمد.

یادداشت

کاوه میرعباسی



مترجمی که اهمیت زبان فارسی را می‌داند



اگر اغراق نباشد، نجف دریابندری را می‌توان بهترین مترجم در قید حیات ایران دانست. او با آثاری که به ادبیات فارسی برگردانده و می‌توان آنها را فارسی شده ادبیات دنیا دانست، حق بزرگی بر گردن ادبیات ما دارد.

به گمان من، بخشی از این موضوع به دوره‌ای برمی‌گردد که دریابندری در آن کار می‌کرد. او ترجمه‌هایش را زمانی عرضه کرد که مترجم‌ها کمتر به لحن کتاب و نثر نویسنده توجه داشتند. مترجم‌ها در آن دوره بیشتر متوجه این نکته بودند که آثار را بی‌کم و کاست به فارسی ترجمه کنند و کمتر به لحن نویسنده توجه داشتند. از این رو دریابندری را می‌توان جزو اولین کسانی دانست که سبک نویسنده را رعایت کرد و آن را در ترجمه‌اش مورد توجه قرار داد.

همین توجه به لحن و زبان نویسنده بود که سبک استاد دریابندری، ترجمه‌هایش را از میان ادبیات انگلیسی انتخاب کند؛ زبانی که آن را می‌شناخت و از آن ترجمه می‌کرد. یعنی کتاب‌هایی را برگزید که خودشان ترجمه‌باشند و مثلاً از فرانسوی به انگلیسی برگردانده شده باشند و همین نکته سبب شد تا او در برگردان لحن و نثر نویسنده‌ها موفق‌تر باشد.

دریابندری در این ترجمه‌ها، چه ترجمه آثار متقدم و چه آثار متأخرش نشان داد که توانایی برگرداندن هر گونه سبکی را دارد. او از یک سو کتابی چون «یک گل سرخ برای امیلی» را ترجمه کرده و توانسته سبک خاص فاکتر را برگرداند و از سوی دیگر در رمان‌های «رگنایم» و «بیلی باتگیت» به خوبی سبک دکتروف را پیاده کرده است. این نوع نگاه را می‌توان در «بازمانده روز» نوشته ایشی گورو و «سرگذشت هکبری فین» نوشته مارک تواین هم دنبال کرد. او در هر یک از این کتاب‌ها رفتار زبان نویسنده‌ها به خوبی تبعیت کرده است.

به گمان من، این نکته مهم‌ترین شاخصه‌ای است که می‌توان در دریابندری سراغ گرفت، چرا که هنوز بسیاری از مترجمان، به چنین نکاتی توجه ندارند و موفق‌تر به برگرداندن سبک نویسنده‌ها نمی‌شوند. قریحه استاد دریابندری، بی‌شک در این شاخصه‌اش تاثیر بسیاری دارد. در کنار این قریحه، باید از شناخت و توانایی او در زبان انگلیسی و فارسی یاد کرد چرا که وی اهمیت دانستن زبان فارسی را به خوبی درک می‌کند.

از سوی دیگر، استاد دریابندری، تسلط خوبی به ادبیات دارد. شما اگر مصاحبه‌های ایشان را بخوانید که برخی از آنها در قالب کتاب نیز منتشر شده‌اند، این تسلط را در خواهید یافت. همین شناخت او از ادبیات است که سبب می‌شود به طور سنجیده سراغ آثار برود و آنها را برای ترجمه برگزیند. دریابندری چه در مصاحبه‌هایش و چه در آثاری که ترجمه کرده نشان داده که معیارهای خاص خود را برای انتخاب کتاب دارد که برخی از این معیارها، با توجه به توانایی‌ای که ایشان در خود می‌بیند، شکل گرفته است. او بارها گفته است که یک مترجم باید سراغ متنی برود که برایش دشوار نباشد. به عبارتی مترجم باید سراغ متنی برود که نه برایش چندان آسان باشد که چیزی برای کشف در آن نباشد و نه سراغ متنی آنچنان دشوار برود که از پس‌اش برنیاید. دریابندری خود نمونه خوبی از این نوع نگاه است. او متن‌هایی را برگردانده که از پس‌اش برمی‌آمده است و همین نکات است که سبب شده نام او روی جلد هر کتابی، به مثابه یک نشانه استاندارد متن و ترجمه باشد.